

### مدیریت هزار لایه آب در ایران

بحران آب در کشورمان آنقدر مشهود است که دیگر هیچ مسئولی نمی‌تواند آن را انکار یا کتمان کند. فرونشست‌های زمین در فلات مرکزی کشور آنقدر گسترده شده که حالا به سی و سه پل و ساختمان‌های مسکونی هم رسیده است.



تصاویر

حضور میلیونی در مهمانی ۱۰ کیلومتری به روایت آمار و ارقام

مطالعه تابستانی کتابی که همه می‌خرند و هیچکس نمی‌خواند!

پنجه در پنجه با آقای پروست...

درباره خانه‌موزه مکرمه قنبری در بابل  
زنی که مکتب نرفته  
زیاد می‌دانست

بازدید خبرنگار «ایران جمعه» از پژوهشگاه رویان که یکی از ۱۰ مرکز تحقیقاتی دنیا در زمینه علوم زیستی است

بررسی حمله به لانه شیاطین ناخوانده

پیشنهاد ویژه

«ایران جمعه» برای تابستان دانش‌آموزان کتاب‌های خواندنی معرفی می‌کند



بازدید خبرنگار «ایران جمعه» از پژوهشگاه رویان که یکی از ۱۰ مرکز تحقیقاتی دنیا در زمینه علوم زیستی است

## در تقاطع بزرگراه‌های زین‌الدین - صیاد شیرازی چه خبر است؟



# گفت و گو

محمد جوانبخت، معاون وزیر نیرو در گفت و گو با «ایران جمعه»:

## مدیریت هزار لایه آب در ایران

سیاست، مدیریت، آسمان و زمین در حکمرانی آب دخیل اند!



سیددیا هاشمی حفظ آباد

دبیر گروه گفت و گو

بحران آب در کشورمان آنقدر مشهود است که دیگر هیچ مسئولی نمی‌تواند آن را انکار یا کتمان کند. فرونشست‌های زمین در فلات مرکزی کشور آنقدر گسترده شده که حالا به سی و سه پل و ساختمان‌های مسکونی هم رسیده است. وضعیت آب در دشت مشهد و خراسان بهتر نیست و نگرانی درباره کمبود آب در شمال شرق کشور، آنقدر جدی است که دولت‌مردان آبی کشور، برای حل آن مشغول باشند. شاید یکی از مهم‌ترین موارد بروز مناقشه آبی داخلی را در میان مردم استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با اصفهانی‌ها و یزدی‌ها طی چند سال گذشته بدانیم، اما مناقشه آبی ما با افغانستان بر سر حقایق هیرمند، از اهمیت بیشتری برخوردار است، چون این بار معارض آب، کشور همسایه‌ای است که به نظر می‌رسد نمی‌خواهد رفتار دوستانه‌ای داشته باشد. در چنین شرایطی ما باید نگران پروژه‌های سدسازی دولت ترکیه هم باشیم که مبادا رودخانه ارس را از ما بگیرد و دشت پربرکت مغان را تبدیل به کانون ریزگرد کند. تبدیل شدن دشت‌های پرآب به کانون‌های ریزگرد، دو خسارت بزرگ به کشور دارد: اولاً اینکه منابع آبی مورد نیازمان از بین رفته، ثانیاً باید برای مقابله با ریزگردها هم بودجه صرف کنیم. همه این موارد و موضوعات بسیار دیگری که از دید ما پنهان مانده، اهمیت کار در وزارت نیرو و بخش‌های تابعه این وزارتخانه را دوچندان می‌کند. محمد جوانبخت، معاون وزیر نیرو و مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب ایران است؛ شرکتی که وظایف بسیاری را در این وزارتخانه به دوش می‌کشد. در این گفت و گو بای صحبت‌های جوانبخت نشستیم تا ببینیم آینده آبی ایران از نظر دولت‌مردان فعلی چگونه دیده می‌شود و دولت سیزدهم می‌خواهد چه کارنامه‌ای برای مقابله با بحران آبی در کشور از خود به جای بگذارد. در ادامه مشروح این گفت و گو را می‌خوانید:

### وظایف پرتعداد وزارت نیرو روی دوش شرکت خصوصی!

در مورد بخش آبفای وزارت نیرو برای ما بگویید چه مسئولیت‌هایی دارد و چه بخش‌هایی را در خود جای داده است؟

اگر بخواهیم درباره مهم‌ترین وظایف بخش آب وزارت نیرو و آنچه قانون برای این بخش در نظر گرفته است، سخن بگوییم، به موارد متعددی باید اشاره کنیم. یکی از وظایف مهم ما انجام مطالعات به منظور شناخت وضعیت منابع آب کشور اعم از سطحی، زیرزمینی و منابع آب غیرمتعارف است. کار مهم دیگر ما تهیه برنامه‌های بهره‌برداری از منابع آب برای مصارف مختلف است؛ مثل کشاورزی، شرب، صنعت و... ما مطالعات تفصیلی برای استحصال آب‌های سطحی از طریق احداث سد و شبکه و خطوط انتقال آب را هم انجام می‌دهیم. وظیفه کنترل، بهره‌برداری و حفاظت از منابع آب و اجرای قوانین آب هم به عهده بخش آبفای وزارت نیرو است.

قانون وظیفه مهم دیگری هم به عهده ما گذاشته است؛ انجام تحقیقات لازم درباره مسائل آب و به کار بردن روش‌های جدید علمی و فنی برای بهره‌وری بیشتر از منابع آب.

برای انجام این وظایف در حال حاضر اقدامات کلان بخش آب و آب و فاضلاب در قالب دو شرکت مادر تخصصی مهندسی آب و فاضلاب کشور و مدیریت منابع آب ایران و همچنین یک بازوی تحقیقاتی به نام مؤسسه تحقیقات آب انجام می‌شود و در اساسنامه شرکت‌های مادر وظایف به صورت شفاف بیان شده است. با این حال در سال‌های اخیر و با ادغام معاونت آب و آبفا در شرکت مدیریت منابع آب ایران، وظایف حاکمیتی بخش آب و آبفا، به این شرکت منتقل شده است؛ وظایفی مانند سیاست‌گذاری‌های کلان مدیریت منابع آب، تخصیص و بازتخصیص منابع آب، تدوین استانداردها و ضوابط فنی و...

### کارگزاری وزارت نیرو در اختیار یک شرکت!

به این ترتیب شرکت مدیریت منابع آب ایران کارگزاری وزارت نیرو در اجرای قوانینی مانند توزیع عادلانه آب، کنترل بهره‌برداری از منابع آب و انجام امور مطالعات پایه و حفاظت کمی و کیفی منابع آب است. [B21] ما همچنین باید پیشنهادی لازم در زمینه راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌های بلندمدت و میان‌مدت بخش آب و آبفا را بررسی و تدوین کنیم و به وزارت نیرو ارائه دهیم. اطلاعات پایه مورد نیاز برای شناخت و رفتارسنجی کمی و کیفی منابع آب را جمع‌آوری و تولید کنیم، بر مطالعه و اجرای طرح‌های تأمین و انتقال آب، شبکه‌های آبیاری و زهکشی، پایداری و ایمنی سدها، مهندسی رودخانه‌ها و سواحل، کنترل سیلاب و تغذیه مصنوعی و تولید انرژی برقابی نظارت کنیم، بر بهره‌برداری از تأسیسات و سازه‌های مربوط به این زیرساخت‌ها هم باید نظارت کنیم.

وظیفه مهم دیگر ما تهیه و تدوین دستورالعمل‌ها و روش‌های استفاده

بهینه از منابع آب و ارائه آنها به وزارت نیرو برای تصویب است. ما باید عملیات‌های لازم برای نظارت در نحوه استفاده از منابع در بخش‌های مختلف مصرف را به نمایندگی از طرف وزارت نیرو انجام دهیم. ترویج فرهنگ مدیریت مصرف آب هم به عهده ما است. حتماً می‌دانید که احداث، نگهداری و بهره‌برداری از تأسیسات و سازه‌های آب و فاضلاب کشور به عهده شرکت ما است. بنابراین ضوابط و معیارهای فنی و تخصصی در این زمینه‌ها را هم ما تهیه می‌کنیم. توسعه تحقیقات فناوری هم در شرکت ما انجام می‌شود؛ حالا برای موضوعاتی مانند آب و فاضلاب و آبرسانی باشد یا تأمین منابع مالی و پشتیبانی اطلاعات و...

ما همچنین آموزش نیروهای مرتبط با وزارت نیرو را به عهده داریم. اهمیت آموزش کارکنان و منابع انسانی از این جهت است که به طور مداوم باید مدیریت و بهره‌وری از تأسیسات و سازه‌های آبی و برقایی ارتقا یابد. در همین بخش از وظایف ما، موضوع حمایت از توسعه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی و تحقیقات در زمینه‌های تخصصی مرتبط با بخش آب و آبفا پیش‌بینی شده است. شاید بد نباشد مردم بدانند که تعرفه آب را چه کسی تعیین می‌کند؟ در واقع ما این تعرفه را تعیین نمی‌کنیم. فقط طرحش را تدوین می‌کنیم و به وزارت نیرو

### آمار وضعیت آبی کشور در سال آبی اخیر

در زمان آغاز دولت سیزدهم وضعیت آبی کشور چگونه بود؟ سال آبی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ مقارن با آغاز دولت سیزدهم بعد از دو سال آبی پر بارش، با ثبت بارش ۱۵۸ میلی‌متری به‌عنوان یک سال خشک با طبقه‌بندی خشکسالی شدید بود. این سال آبی در یک دوره ۵۴ ساله، رتبه سوم خشک‌ترین سال را داشت. در واقع با کاهش ۳۷ درصدی بارش نسبت به بلندمدت و کاهش حدود ۵۰ درصدی بارش نسبت به سال قبل مواجه بودیم.

حجم مخازن سدها در پایان این سال آبی یعنی شهریور ۱۴۰۰، به ۳۹ درصد می‌رسید که نسبت به شهریور ۱۳۹۹، ۲۹ درصد کاهش داشت. حجم ورودی سدها نیز در این سال آبی ۲۹ میلیارد مترمکعب بود که نسبت به سال قبل از خود ۴۷ درصد کاهش داشت.

در تابستان سال آبی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در سطح کشور قطعی‌های آب شرب زیادی اتفاق افتاد و آثار محدودیت‌های منابع آبی در زندگی مردم پررنگ‌تر شد، هرچند برخی از این قطعی‌ها ناشی از کمبود برق و قطع برق نیز بوده است. دو سال آبی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ و ۱۴۰۲-۱۴۰۱ نیز در شرایط خشکسالی بوده است؛ به نوعی که تا پایان سال آبی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، بارش کشور با کاهش ۱۸ درصدی و در سال آبی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ تاکنون با کاهش ۱۴ درصدی بارش مواجه بوده‌ایم.

### سیاست‌گذاری دوگانه وزارت نیرو؛ ادامه سیاست ذخیره آب‌های سطحی!

به هر حال باید توجه داشت که ما در کشوری با اقلیم خشک و نیمه خشک زندگی می‌کنیم و

طرح‌ها و انجام سایر فعالیت‌ها را در پیش بگیریم.

گرفتن وام و تسهیلات، عرضه اوراق قرضه و مشارکت داخلی و هر روش تأمین مالی دیگر هم جزو وظایف ما است. همچنین تضمین شرکت‌های زیرمجموعه برای اخذ وام و تسهیلات با رعایت ضوابط و دستورالعمل‌های مصوب مجمع عمومی را ما انجام می‌دهیم.

اگر نیاز به مشارکت بخش خصوصی در بخش‌هایی مانند امور مطالعاتی، اجرایی، بهره‌برداری و نگهداری از طرح‌های آبی و تأسیسات باشد، ما در شرکت مدیریت منابع آب ایران وظیفه داریم از بخش خصوصی حمایت کنیم.

انجام هرگونه فعالیت در راستای آبرسانی برای مصارف خانگی، عمومی، صنعتی، تجاری و غیره و جمع‌آوری، انتقال و تصفیه و دفع بهداشتی فاضلاب و سرمایه‌گذاری هم براساس قوانین موجود به عهده این شرکت است. ما همچنین وظایف داریم بر بهره‌برداری از تأسیسات مرتبط با آبرسانی نظارت کنیم، باید به شرکت‌های فعال در صنعت آب و فاضلاب کشور مشاوره و خدمات فنی و مهندسی دهیم، بر اجرای طرح‌های آب و فاضلاب در کشور و شهرستان‌ها و روستاها از طرف وزارت نیرو نظارت کنیم و در اجرای این طرح‌ها با شرکت‌های آب منطقه‌ای و شرکت‌های آب و فاضلاب هماهنگ باشیم.

**شرکت مدیریت منابع آب ایران کارگزاری وزارت نیرو در اجرای قوانینی مانند توزیع عادلانه آب، کنترل بهره‌برداری از منابع آب و انجام امور مطالعات پایه و حفاظت کمی و کیفی منابع آب است**

پیشنهاد می‌دهیم. پس از تصویب تعرفه آب، با دستگاه‌های مرتبط هماهنگی می‌کنیم تا سیر قانونی تصویب و نظارت بر اعمال تعرفه‌ها طی شود.

ما معاملات را انجام می‌دهیم و قراردادهای مربوط به خرید و فروش عمده آب و انرژی برقابی را منعقد می‌کنیم. مدیریت، توسعه و تأمین منابع مالی بخش آب جهت سرمایه‌گذاری در تأسیسات تأمین آب، انتقال آب و انرژی برقابی، آبرسانی و فاضلاب برابر برنامه‌های مصوب و استفاده بهینه از این منابع از طریق برقراری تسهیلات و گردش منابع مالی، فی‌مابین شرکت و شرکت‌های زیرمجموعه هم جزو وظایف این شرکت تعریف شده است.

ما باید بتوانیم روش‌ها و راهکارهای مدیریت مالی و اجرایی و تدابیر و راهکارهای لازم به منظور حصول اطمینان از اجرای صحیح و به‌موقع

باید بتوانیم ظرفیت تأمین منابع آب را از ۳۰ سد به حجم ۵ هزار و ۴۰۰ میلیون مترمکعب برسانیم. در حال حاضر ۱۹۵ سد به حجم مخزن ۵۳ میلیارد مترمکعب در حال بهره‌برداری است



تأمین آب شرب کل منطقه سیستان مشتمل بر پنج شهرستان زابل، نيمروز، هيرمند و هامون به ميزان ۴۸ ميليون متر مکعب در سال تنها از طريق چاه‌نيمه‌ها و رودخانه هيرمند انجام می‌شود

یک طرح میان مدت غدیر هم داریم که با وجود محدودیت اعتبارات، اما به دلیل اجرای مصوبات سفر رئیس‌جمهور در سال ۱۴۰۰ به خوزستان، برنامه‌ریزی شده است. هدفگذاری این طرح تأمین آب شرب شهرهای اهواز، آبادان، خرمشهر، شادگان و دشت آزادگان و روستاهای مسیر از منابع رودخانه دز است. این پروژه زمانبر و پیچیده است چون منبع تأمین آب این طرح از مخزن دریاچه سد دز پیش‌بینی شده است. اعتبار مورد نیاز این طرح ۳۴ هزار میلیارد تومان است که امکان تأمین این اعتبار در مدت کوتاه وجود ندارد. از سویی دیگر با توجه به خشکسالی‌های سال‌های اخیر و کاهش بارش‌ها در حوضه کرخه به عنوان منبع تأمین آب کوتاه‌مدت شهرهای مرکزی، غربی و جنوبی استان، این موضوع باعث شد روستاها و شهرهای زیادی را که از رودخانه حوضه کرخه استفاده می‌کردند، به مخاطره بیندازد، لذا سازمان آب و برق خوزستان یک طرح میان‌مدت برای طرح آبرسانی غدیر به شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور ارائه کرد که با توجه به مشکلات کمی و کیفی آب رودخانه‌های کارون و کرخه، در مدت زمان محدود و هزینه‌ای حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان (اسناد خزانه اسلامی) شهرهای هدف این طرح از نعمت آب باکیفیت رودخانه دز بهره‌مند شوند.

#### آبرسانی به ۱۶ شهر و ۴۷۸ روستا در طرح غدیر

امیدواریم این طرح بتواند کیفیت آب شرب ۱۶ شهر و ۴۷۸ روستا را ارتقا دهد. از طرفی چون منابع تأمین آب در این طرح متنوع است، در پدافند غیرعامل نیز اثرگذار خواهد بود. این را بگویم که قبل

است. در این طرح، آبرسانی به ۲۷ شهر و ۹۶۸ روستا در دستور کار قرار گرفته که افق اجرای طرح هم در سال ۱۴۲۵ دیده شده است. پیمانکار این طرح قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص) است که همزمان با اجرای طرح، بخش‌هایی از آن در حال بهره‌برداری است. در این طرح اولویت ما آبرسانی از منبع موقت کرخه به شهرهای آبادان و خرمشهر است. ظرفیت این آبرسانی ۲ مترمکعب بر ثانیه پیش‌بینی شده که این امر با احداث ایستگاه پمپاژ قیصریه و ۲۲۰ کیلومتر خط انتقال در سال ۸۹ به اتمام رسیده و در حال بهره‌برداری است. بخش دوم این طرح احداث ایستگاه پمپاژ ام‌الدیس و بخشی دیگر از خطوط انتقال به طول ۳۰۰ کیلومتر، بیش از ۹۰ درصد نیاز آبی شهرهای آبادان، خرمشهر، شادگان، اهواز، دشت آزادگان، حمیدیه و هویزه از محل سد تنظیمی پای پل کرخه به‌صورت موقت به عنوان تأمین‌کننده آب شرب با درجه سختی (EC) زیر ۵۰۰ تا ۶۰۰ میکروموس مطابق سیمای بلندمدت طرح غدیر جهت این شهرها اجرا شد.

در بخش سوم طرح، احداث سازه آگیر، اجرای خطوط باقیمانده طرح و اجرای مخازن ذخیره و تصفیه‌خانه‌ها هدف‌گذاری شده است. طبق نظر شورای امور آب وزارت نیرو و با توجه به محدودیت منابع مالی برای اجرای ادامه طرح، مقرر شده که اجرای خط دوم انتقال از مخازن ام‌الدیس تا انشعاب تصفیه‌خانه سوسنگرد که ۲۳ کیلومتر طول دارد به همراه چند طرح تکمیلی دیگر با اعتباری بالغ بر ۲۷۰۰ میلیارد تومان در دستور کار سازمان آب و برق خوزستان قرار گیرد. طرح میان‌مدت غدیر با توجه به محدودیت اعتبارات

#### برنامه‌ریزی برای کاهش مصرف آب کشاورزی

چه فعالیت‌های خاصی برای مدیریت کم‌آبی در نقاط خاص صورت گرفته است؟

اولین برنامه ما کاهش آب مصرفی کشاورزی است. برای این منظور با وزارت جهاد کشاورزی در مجتمع‌های کشاورزی بزرگ طرح‌هایی را در حال پیگیری داریم. جلسات شورای هماهنگی معاونان وزارتخانه‌های نیرو و جهاد کشاورزی هم مرتب برگزار می‌شود. برنامه دیگر هم تأمین آب مناطق مرکزی و شرقی کشور از طریق انتقال آب دریا است. از طرف دیگر پیگیر طرح‌های اضطراری برای تأمین پایدار آب شرب بویژه در استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی و گلستان هستیم و فعلاً در مرحله تأمین اعتبار قرار داریم. در حال حاضر شهرهایی را که تنش آبی مدیریت مصرف و آگاهی‌رسانی و فرهنگ‌سازی در مصرف آب در این شهرها پیاده کنیم. یکی از اقدامات مهم ما، تشکیل جهاد آبرسانی با هدف تسریع در آبرسانی روستایی و ایجاد تأسیسات دسترسی به آب شرب سالم و بهداشتی در روستاها است.

#### طرح غدیر در خوزستان

کمی درباره طرح‌های آبرسانی وزارت نیرو به شهرهای جنوبی کشور بگویید. این طرح‌ها در چه مرحله‌ای است و تا کجا پیش رفته است؟

این طرح از سال ۸۷ آغاز شده و هدفش هم ایجاد زیرساخت برای انتقال آب شرب به شهرستان‌های اهواز، باوری، حمیدیه، کارون، دشت آزادگان، هویزه، شادگان، خرمشهر و آبادان و شوش بوده



پیگیر طرح‌های اضطراری برای تأمین پایدار آب شرب بویژه در استان‌های تهران، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی و گلستان هستیم

برای شرکت مدیریت منابع آب، افزایش سطح پوشش آب شرب روستایی است. اکنون ۸۲ درصد روستاها آب شرب دارند و ما باید این رقم را به ۹۰ درصد برسانیم. همچنین باید بتوانیم ظرفیت تأمین منابع آب را از ۳۰ سد به حجم ۵ هزار و ۴۰۰ میلیون مترمکعب برسانیم. در حال حاضر ۱۹۵ سد به حجم مخزن ۵۳ میلیارد مترمکعب در حال بهره‌برداری است.

اصلاح روش‌های انتقال و توزیع آب کشاورزی از روش سنتی به روش لوله‌گذاری، تنوع بخشیدن به سامانه‌های تولید و توزیع آب شرب و بهداشتی، تأمین ۴۰۰ هزار مترمکعب آب شرب روزانه و ۶۰۰ هزار مترمکعب آب صنعتی و روزانه، توسعه سامانه‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب و بازچرخانی و استفاده از پساب و... از نمونه‌های دیگر وظایف ما در شرکت مدیریت منابع آب است. این موارد برنامه‌های بخش آب و آبفا در دولت سیزدهم هستند، اما در حدود ۲ سال گذشته، تلاش کرده‌ایم با اولویت‌بندی طرح‌هایمان، این طرح‌ها را سریع‌تر کامل کنیم و به بهره‌برداری برسانیم. از طرفی با توجه به خشکسالی‌ها و کمبود آب شرب، طرح‌های اضطراری تعریف کرده‌ایم و اکنون در حال تأمین مالی برای این طرح‌ها هستیم.

موضوع بازتخصیص آب مصرفی صنایع و فضای سبز با منابع آب نامتعارف نیز از دیگر برنامه‌هایی است که طی ۲ سال اخیر پیگیری شده است. همچنین تسریع در اجرای طرح‌های انتقال آب دریا و برنامه‌ریزی هماهنگ برای پیشبرد این طرح‌ها به صورت مستمر صورت پذیرفته است.

تنها در بخش کوچکی از کشور آب و هوا معتدل است. در همین شرایط نیز پراکنش بارش در سطح کشور نامتوازن بوده و بدیهی است هر ساله مناطقی از کشور با خشکسالی مواجه هستند.

اما در سال‌های اخیر در اثر تغییر اقلیم و البته بارگذاری‌های بیش از ظرفیت بر منابع آب کشور، کمبود منابع آب در بخش‌های بیشتری از کشور دیده شده و به همین دلیل باید محوریت موضوع مدیریت آب بر تطبیق با شرایط کم‌آبی و مدیریت بهینه مصرف و تقاضای آب متمرکز شود. البته نباید از توجه به احداث تأسیسات آب غفلت کرد.

#### چه برنامه‌هایی برای این بخش دارید؟

یکی از برنامه‌های مهم ما مدیریت تنش آبی در شهرها و روستاهای کشور با رویکرد افزایش تاب‌آوری و پایداری خدمات یکپارچه آب شرب برای رفع کامل تنش آب شرب است. این برنامه مهم‌ترین برنامه شرکت مدیریت منابع آب است و در چند بخش برنامه‌ریزی شده است. مثل افزایش ظرفیت تأمین و تولید آب تا ۷۰۰ میلیون مترمکعب در سال که این مهم با تکمیل و بهره‌برداری از ۲۹ طرح آبرسانی و تصفیه‌خانه‌های آب و حفر و تجهیز چاه‌ها و سامانه‌های ذی‌ربط میسر می‌شود. مدیریت مصرف آب، بازسازی و ارتقای تأسیسات برای هدررفت و صرفه‌جویی آب، ارتقای کیفی آب شرب، افزایش توان ذخیره‌سازی، پایدارسازی تأمین برق و افزایش توان آبرسانی سیار از دیگر وظایف ما است که در این حوزه قرار می‌گیرد.

#### تلاش وزارت نیرو برای ادامه سدسازی

یکی از افق‌های تعیین شده



در کنار سیاست‌ها و اقدامات مبتنی بر مدیریت عرضه آب، لازم است سیاست‌ها و اقدامات مبتنی بر مدیریت تقاضا و مصرف نیز مورد توجه و عمل قرار گیرد

از اجرای این طرح، منبع تأمین آب کوتاه مدت شهرهای مرکزی، غربی و جنوبی خوزستان، رودخانه کرخه بود. در صورت عدم انجام این پروژه، خشکسالی‌های سال‌های اخیر روی این حوضه باعث به مخاطره افتادن تأمین آب شرب شهرها و روستاهای هدف این طرح برای تابستان سال ۱۴۰۱ می‌شد. تابستان سال گذشته با کمترین تنش اجتماعی آب شرب شهرها و روستاهای منطقه تأمین شد.

از طرف دیگر با جایگزینی منبع دز به جای کرخه، EC آب تحویلی به تصفیه‌خانه‌ها از ۲ هزار به ۶۰۰ میکروموس بر سانتیمتر کاهش یافت که این موضوع مبین کیفیت قابل توجه آب تحویلی به تصفیه‌خانه‌هاست.

از مزایای اجرای این طرح این بود که ساخت همه تجهیزات الکترومکانیکال پروژه شامل ۱۲ دستگاه الکتروپمپ، ۴ دستگاه ترانسفورماتور، کلیه تجهیزات تابلوهای برق و شیرالات خاص یا سازه‌های تا ۲ هزار میلیمتر که همگی سفارشی بودند از مرحله طراحی تا ساخت توسط پیمانکاران ایرانی صورت پذیرفت. این موضوع باعث ایجاد دانش فنی مضاعف در کشور شد. این نکته را هم اضافه کنیم که با توجه به محدودیت‌های زمان بهره‌برداری (کمبود منابع آب رودخانه کرخه) پروژه به نحوی طراحی و اجرا شد که با حداقل تجهیزات فنی (شیرالات و حوضچه‌های مربوطه و...) به سرانجام رسد.

### اثرات عدم دریافت حبابه هیرمند

برای استان‌هایی همچون سیستان و بلوچستان چه برنامه‌هایی دارید؟

همان‌طور که می‌دانید ما حبابه‌های رودخانه هیرمند در یافت نکرده‌ایم و همین امر وضعیت نامناسبی در ذخیره آبی در چاه نیمه‌ها ایجاد کرده است. وزارت نیرو از سال گذشته بسته‌ای از اقدامات اضطراری را برای تأمین آب شرب شهر زاهدان و منطقه سیستان طراحی کرده و در دست اقدام دارد.

به فضل الهی، بخش قابل توجهی به بسته اقدامات اضطراری شامل شناسایی و تأمین آب شرب از منابع محدود منطقه بویژه منابع آب زیرزمینی، اصلاح کیفی و نمک‌زدایی آب، اجرای سامانه‌های انتقال و نیز تأمین انرژی لازم برای پمپاژ و نمک‌زدایی، به نتیجه رسیده و اقدامات باقیمانده در چندماه آینده تکمیل می‌شود. توضیح این است که نیاز آب شرب

شهر زاهدان ۶۲ میلیون مترمکعب در سال است که از منابع مختلفی مانند چاه نیمه‌ها، آب شیرین‌کن، چاه‌های حرمتک و چاه‌های سطح شهر تأمین می‌شود. سهم چاه نیمه‌ها در تأمین آب زاهدان ۲۴ میلیون مترمکعب در سال است.

### طرح تأمین آب شرب سیستان از منابع متعدد

تأمین آب شرب کل منطقه سیستان مشتمل بر پنج شهرستان زابل، زهک، نیرمز، هیرمند و هامون به میزان ۴۸ میلیون متر مکعب در سال تنها از طریق چاه نیمه‌ها و رودخانه هیرمند صورت می‌پذیرد. با قطع شدن آب ورودی از رودخانه هیرمند به چاه نیمه‌ها، کمبود آب شرب زاهدان و منطقه سیستان مجموعاً به میزان ۷۲ میلیون مترمکعب در سال است.

ما راهکارهایی برای جبران کمبود آب شرب نقاط جمعیتی داریم. طرح‌های اضطراری برنامه‌ریزی کرده‌ایم که در سه بازه زمانی در دست اقدام قرار گرفته و می‌گیرد. اولین راهکار ما این بود که آب شرب را از منابع آب زیرزمینی تأمین کنیم. ۸۳ حلقه چاه جدید حفر و نمک‌زدایی شد و اکنون انتقال آب این چاه‌ها در دست اقدام است. این طرح باتوجه به وضعیت آب مخازن چاه‌نیمه باید تا شهریور سال جاری به اتمام برسد. اعتبار مورد نیاز این اقدام حدود ۵۰۱۴ میلیارد تومان است.

راهکار میان مدت ما طرح انتقال آب از دشت تهلان به زاهدان است. در این طرح، آب مورد نیاز شرب شهر زاهدان و نقاط جمعیتی مرزی تهلان در استان سیستان و بلوچستان، تأمین می‌شود. مقدار آب تأمین شده از تهلان ۲۷ میلیون مترمکعب است.

این طرح در فهرست طرح‌های اولویت‌دار وزارت نیرو در دولت سیزدهم قرار دارد و در سال گذشته با تکمیل مطالعات و اخذ ردیف اجرایی در قانون بودجه، اجرای آن با سرمایه‌گذاری معادل ۱۱۰۰۰ میلیارد تومان آغاز شده است. با اجرای ۱۸۴ کیلومتر خط اصلی و ۷۶ کیلومتر خطوط جمع‌آوری آب و ۱۱۰۰ متر پمپاژ در این طرح، بخشی از منابع آب شرب منطقه تأمین خواهد شد.

راهکار بلند مدت ما هم طرح انتقال آب از دریای عمان



در حوزه اقدامات مبتنی بر تأمین و عرضه آب، اجرای طرح انتقال آب دریای عمان و خلیج فارس می‌تواند در میان مدت بخشی از کمبودها و مشکلات آب را در مناطق مرکزی و شرقی کشور رفع کند

است. این طرح با اتکا به قانون انتقال آب از دریای عمان به استان سیستان و بلوچستان و آیین‌نامه اجرایی آن و همچنین طبق مصوبات ستاد انتقال آب دریا تعریف شده و در حال اجرا است. مطابق با برنامه زمان‌بندی ارائه شده، طرح فوق تا پایان سال ۱۴۰۴ به بهره‌برداری خواهد رسید و مقرر است آب شرب شهر زاهدان، منطقه سیستان و نقاط جمعیتی مسیر را به میزان ۱۰۰ میلیون مترمکعب در سال تأمین کند. شایان ذکر است پیشرفت فیزیکی این طرح حدود ۹ درصد است.

باید بگویم که دولت سیزدهم تمام تلاش خود را برای تأمین آب شرب اضطراری شهر زاهدان و منطقه سیستان به کار گرفته است. البته با وجود همت و جدیت لازم در اجرای برنامه‌های تأمین آب شرب از منابع آبی محدود منطقه، این اقدامات جایگزین اخذ حبابه رودخانه هیرمند نیست و استفاده از تمامی ظرفیت‌های کشور برای مطالبه و پیگیری دریافت حبابه هیرمند ضروری است.

با توجه به شرایط موجود، آینده وضعیت آبی کشور را چگونه می‌بینید؟

صحت از آینده آب کشور بشدت متأثر از وضعیت هماهنگی‌های بین دستگاهی و حکمرانی کلان کشور است چرا که مدیریت آب یک مقوله میان‌بخشی بوده و عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بیرون از حوزه آب به عنوان پیشران‌های توسعه به میزان زیادی بر وضعیت آبی آب کشور تأثیرگذار هستند.

### مخاطرات برداشت بی‌رویه از منابع آبی کشور

وضعیت منابع آب کشور در اثر تغییرات اقلیمی و توسعه بی‌رویه برداشت‌ها در چند دهه اخیر به گونه‌ای است که تداوم این حجم برداشت از منابع آب، پایداری سرزمین را به مخاطره خواهد انداخت. بنابراین در کنار سیاست‌ها و اقدامات مبتنی بر مدیریت عرضه آب، لازم است مدیریت تقاضا و مصرف نیز مورد توجه و عمل قرار گیرد. برنامه‌های استانی سازگاری با کم‌آبی و اسناد تولید شده در این زمینه که با همکاری و

هماهنگی استانداران و دستگاه‌های اجرایی (جهاد کشاورزی، صنعت، معدن و تجارت، حفاظت محیط زیست، برنامه و بودجه، هواشناسی و شرکت‌های آب منطقه‌ای و آبفا) تدوین شده‌اند، باید به اجرا گذاشته شوند تا همراه با طرح تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی به عنوان مصوبه شورای عالی آب، بتواند به تعادل بخشی و پایداری منابع آب زیرزمینی کشور کمک کند. در غیر این صورت روند افت سطح آب زیرزمینی در اغلب دشت‌های کشور (همراه با نشست زمین و کاهش کیفیت آب زیرزمینی) و نیز روند کاهش جریان‌های آب سطحی و خشک شدن تالاب‌ها تشدید خواهد شد. بدیهی است فرایند پایداری منابع آب، ضمن متکی بودن به هماهنگی بین‌بخشی و اراده سیاسی در حاکمیت، یک فرایند زمان‌بر نیز خواهد بود.

در حوزه اقدامات مبتنی بر تأمین و عرضه آب، اجرای طرح انتقال آب دریای عمان و خلیج فارس می‌تواند در میان مدت بخشی از کمبودها و مشکلات آب را در مناطق مرکزی و شرقی کشور رفع کند اما با توجه به حجم کسری بیلان منابع و مصارف آب در این مناطق و ناپایداری آبخوان‌ها، در نهایت مجبوریم به سمت مدیریت مصرف آب در بخش‌های مختلف بویژه کشاورزی حرکت کنیم.

تنوع بخشی به توسعه اقتصاد روستایی در کشور و سوق دادن آن به «توسعه کم‌آب‌بر» یکی از ضروریات کشور است تا از این طریق بتوان فشار بخش کشاورزی بر منابع آب کشور را کاهش داد. از طرف دیگر هرگونه سیاستگذاری و اقدام برای افزایش تولید کشاورزی و تحقق امنیت غذایی باید بر ارتقای بهره‌وری فیزیکی آب کشاورزی متمرکز شود نه توسعه سطوح کشاورزی و تقاضای آب جدید.

### برای ریاضت کشاورزی آماده شوید

بخش کشاورزی باید خود را برای مواجهه با دوره ریاضت آبی آماده کند. در سال آبی جاری حتی در استان‌های شمالی مانند اردان، گیلان و گلستان نیز با کمبود آب جدی در بخش کشاورزی مواجه هستیم. بنابراین کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی در برنامه هفتم توسعه نیز مورد تأکید قرار گرفته و در لایحه برنامه تأکید شده تا با کاهش ۱۵ میلیارد مترمکعبی، میزان مصرف در این بخش به ۶۷ میلیارد مترمکعب در سال برسد.

طرح‌های اولویت‌دار در بخش آب و آبفا تعیین شده‌اند و تلاش بر این است با جهت‌دهی مطلوب به تأمین منابع مالی مورد نیاز، این طرح‌ها در دولت سیزدهم تکمیل و به بهره‌برداری برسند که با تحقق این امر، میزان تأمین آب برای مصارف مختلف افزایش خواهد یافت. هر چند تأکید می‌شود که علاوه بر اقدام در خصوص تأمین و عرضه آب مطمئن، مدیریت مصرف و مدیریت تقاضا باید به عنوان برنامه‌های اصلی بخش آب و آبفا مورد پیگیری قرار گیرد.

آیا در حوزه آبفا به سمت فناوری‌های نوهم رفته‌اید؟

به دنبال نامگذاری سال گذشته به عنوان «تولید، دانش‌بنیان و اشتغال‌آفرین» و ابلاغ قانون جهش تولید دانش‌بنیان، وزارت نیرو و از جمله بخش آب و آبفا، استفاده از فناوری‌های نوین و بکارگیری ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان را در حل مسائل و مشکلات بخش آب و آبفا کشور پیش از پیش مورد توجه و در دستورکار قرار داده است از جمله می‌توانم به تعریف ۱۱ طرح دانش‌بنیان پیشران در بخش آب و آبفا در زمینه‌های مدیریت مصرف آب یا خانگی و شهری، پیش‌بینی و مدیریت سیل، اندازه‌گیری و پایش برداشت آب زیرزمینی (کنترلرهای چاه) و سطحی، بازار آب و راه‌اندازی کارخانه نیوآوری آب در مؤسسه تحقیقات آب برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه آب اشاره کنم.

### فناوری‌های نو در مدیریت آب

همچنین در بخش آب و فاضلاب با توجه به روند رو به رشد فناوری‌های نوین در این حوزه، اقدامات مهمی برای بهره‌گیری از این فناوری‌ها در کشور صورت گرفته است. مثلاً می‌توانم به ساخت کولرهای آبی ترموپلاس برای مصرف بهینه آب یا ساخت Screw pump مخصوص شبکه‌های فاضلاب و ساخت آشغالگیر لجن (screen) برای تصفیه‌خانه‌های فاضلاب اشاره کنم. می‌توانیم برای شیرالات صنعتی عملگر برقی بکار بگیریم که نحوه انتقال آب را هوشمندانه مدیریت کند. شیر قطع‌شونده در مواقع اضطراری هم همین کار را می‌کند. ساخت پمپ‌های فشار قوی ویژه آب دریا برای مکش آب دریا و شیرین کردن آن از دیگر مواردی است که به عنوان فناوری‌های نو در وزارت نیرو مورد توجه قرار گرفته است. دستگاه‌های آنالیز کیفیت آب و دستگاه لایروب که در شبکه جمع‌آوری فاضلاب مورد استفاده قرار گیرد هم از این جمله است.

# از آنچه این روزها در فرانسه می‌گذرد

جزئیاتی کمتر شنیده شده پیرامون مرگ نوجوانی ۱۷ ساله

قتل در صفحه توئیترش، در مصاحبه با شبکه BFM عنوان کرده است. دروغ بزرگ که بعد از انتشار فیلم شلیک به «ناهل» فاش می‌شود.

است دیدیم و متوجه شدم اساساً با فیلمی که من ثبت کردم متفاوت است، فکر کردم کار درست این است که آن را منتشر کنم. این جملاتی است که اولیویا ۱۰ روز بعد از انتشار فیلم

«من خیلی خجالت کشیدم که مجبور شدم با این ویدیو به اداره پلیس بروم. من می‌دانم که افسران پلیس وظیفه خود را به خوبی انجام می‌دهند، اما وقتی اولین نسخه‌ای را که ارائه شده

فاطمه آشتیانی

خبرنگار



## ماجرا از چه قرار بود؟

طبق گزارش پلیس، نوجوان قصد رساندن آسیب به دو مأمور را داشت به همین دلیل آن دو اسلحه خود را بیرون می‌آوردند تا او را بترسانند اما بعد از انتشار فیلم حادثه از دوربین گوشی اولیویا - کارمند شرکتی که درست آن طرف خیابان مشغول فیلمبرداری بود - مشخص شد که خروج اسلحه پیش از هر اقدامی از سوی نوجوان بوده است. دادستان پرونده می‌گوید: «هر دو مأمور اسلحه‌های خود را بیرون آوردند و آنها را به سمت راننده نشانه رفتند تا با درخواست از او برای خاموش کردن خودرو، او را راه‌اندازی مجدد منصرف کنند.»

وقتی ماشین دوباره روشن می‌شود، یکی از پلیس‌ها تیراندازی می‌کند و وسیله نقلیه با جدول برخورد می‌کند. تلاش‌ها برای احیای ناهل بی‌نتیجه می‌ماند و مرگ در ساعت ۹:۱۵ صبح ثبت می‌شود. بر اساس کالبدشکافی، گلوله‌ای از چپ به راست از بازوی چپ و قفسه سینه قربانی عبور کرده است. این اتفاق در حالی رخ داده است که طبق قوانین این کشور تیراندازی بدون دلیل قتل عمد لحاظ می‌شود و مستوجب مجازات است. به حکم دادستان «شرایط قانونی برای استفاده از سلاح رعایت نشده» و نهاد نظارتی پلیس فرانسه پس از روشن شدن ابعاد این حادثه دستور بازداشت عامل تیراندازی را صادر کرد.

ناهل مرزوق نوجوان ۱۷ ساله فرانسوی-الجزایری، روز سه‌شنبه ۲۷ ژوئن در منطقه نانتر توسط پلیس گشت و کنترل ترافیک بر اثر گلوله به قتل رسید. دو پلیس موتورسوار ایمنی جاده و ترافیک منطقه ای و وقتی سر شیفت خودشان می‌رسند، حدود ساعت ۷:۵۵ دقیقه صبح در بلوار ژاک ژرمن سوفلو متوجه یک مرسدس بنز زرد شدند. سرعت بالا، حرکت وسیله نقلیه در مسیر ویژه اتوبوس و سن کم سرنشینان خودرو توجه دو پلیس را به خود جلب می‌کند. آن‌ها چراغ چشمک زن خود را فعال می‌کنند، با چراغ قرمز به سمت وسیله نقلیه می‌روند و از آن می‌خواهند که پارک کند. دادستان نانتر توضیح می‌دهد: «چندین تخلف از قوانین بزرگراه، بویژه به خطر انداختن یک عابر پیاده و یک دوچرخه سوار در دوربین مدار بسته ثبت شده است.»

ماشین بار دیگر شروع به حرکت می‌کند اما تعقیب پلیس نتیجه می‌دهد و ماشین متوقف می‌شود. دو افسر پلیس پیاده می‌شوند و با قرار گرفتن در سمت چپ خودرو، یکی روی‌روی در راننده و دیگری کمی جلوتر و نزدیک بدنه ماشین می‌ایستد و به راننده فریاد می‌زند که بایستد. از اینجا اختلاف در روایت داستان آغاز می‌شود.

## قتل ناهل و شعله‌ور شدن خشم فرانسوی تبارها

چندین بار اشاره کرده‌ایم که فرانسه هفتاد و دو ملت است و این مسیری است که از بعد جنگ جهانی دوم برای خودش ترسیم کرده. کشوری که افق و امتداد نگاهش جذب مهاجر است (دست کم در برهه‌ای از تاریخ نتیجه سیاست‌هایش چیزی غیر از این نبود) و حالا شاهد سومین و چهارمین نسل از مهاجران. رنگین پوست‌هایی که در گذر سال‌های مدید فرانسوی به شمار می‌روند اما در عین حال تبعیض‌هایی را شاهد هستند که به بهانه‌ای ناگهان خشم عمومی را به همراه می‌آورد. مهاجران ساکن فرانسه اکثراً در banlieue (حاشیه شهر) ساکن هستند. جایی که متأسفانه از نظر محیطی، بهداشتی و وضع اخلاقی دارای شرایط مناسبی نیست و این نتیجه عملکرد ونوع سیاست‌گذاری شهری است. گویی هدف و غایت این است که مرکز و پیرامون از هم فاصله داشته باشند و این شکاف هر چه عمیق‌تر و گسترده‌تر شود. بازتابی این اوضاع آشفته در فیلم‌های سینمایی طنز اجتماعی هم مشهود است. «عرب در شهر» عنوان اثری سینمایی است که در سال ۲۰۱۱ اکران شده است. محل فیلمبرداری Aulnay-sous-Bois که حومه پاریس محسوب می‌شود و در فیلم محل جنایت یک قاتل زنجیره‌ای است که از قضا سه پلیس تازه کار دارد که یکی مغربی است، یکی سیاه‌پوست و دیگری چشم بادامی (هر سه مهاجر فرانسوی هستند) خالد که شخصیت اول داستان است مرد جوان با اصالت آفریقای شمالی است که در همه امتحان‌های زندگی‌اش مردود است! حالا به طریقی استخدام پلیس شده تا در یک منطقه پر هرج و مرج نقاب از چهره یک قاتل زنجیره‌ای بردارد. این وسط هم کلی خنگ بازی در می‌آورد، خرابکاری می‌کند و همه را می‌خندانند. یک نمونه فاخر از قابی که قرار است نوع نگاه یک فرانسوی را نسبت به هموطنش تعیین و تنظیم کند. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!...

## پاریزین پیشگام دمیدن در شکاف اختلافات

چند روز پیش لو پاریزین با حمایت Opinion Way نظرسنجی‌ای ترتیب داد تا نسبت مواجهه مخاطبان خود را با شلوغی‌های اخیر بسنجد و نتیجه: ۶۱ درصد از پاسخ‌دهندگان تأیید کردند که چیزی که بیش از همه به آن اهمیت می‌دهد قدرت خرید است. شرایط سخت اقتصادی و تأثیرات جنگ روسیه بر اوکراین، تأمین معاش روزانه فرانسوی‌ها را اولویت اصلی خود قرار داده است و ۴۲ درصد از پاسخ‌دهندگان تأکید کردند که اولویت آنها حمایت اجتماعی است، بویژه آنچه مربوط به بیمه بازنشستگی و سلامت است، در حالی که ۳۶ درصد تأیید کرده‌اند موضوع محیط زیست چیزی است که در حال حاضر نگران آن هستند.

## فضای مجازی و کنترل اغتشاشات

اوایل اعتراضات در برخی رسانه‌ها خبری منتشر شد مبنی بر قطع شبکه‌های اینترنتی تعدادی از مناطق فرانسه که خبر اندکی بعد غیر واقعی بودنش مشخص شد، اما سه روز بعد از حادثه رئیس جمهور فرانسه در گفت‌وگوی زنده خبری نکات قابل تأملی در مورد نگاه دولت در این بزنگاه‌ها نسبت به فضای مجازی ارائه می‌کند: «پلتفرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی نقش بسزایی در رویدادها دارند، ما شاهد تشکیل تجمعات در پلتفرم‌ها بوده‌ایم و نوعی تقلید از خشونت را شاهد بوده‌ایم.» مکرون وعده داد: «ما اقدامات متعددی انجام خواهیم داد: از جمله حذف محتواهای حساس. همچنین در جایی که حذف هویت کسانی که خشونت را تشدید می‌کنند مفید باشد.»

«وضعیت غیر قابل قبول محکوم است»، رئیس جمهور تأکید کرد: «هیچ چیز خشونت را توجیه نمی‌کند». او همه والدین را به «مسئولیت‌پذیری» دعوت کرد و افزود که «یک سوم از دستگیرشدگان شب گذشته جوان هستند، چه بسا بسیار جوان.»

## آتش خشم زیر خاکستر

هفته آینده روز ملی فرانسه است و در گوشه و کنار این خبر شنیده می‌شود که در صورت ادامه اعتراضات روند هر ساله جشن تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. اهانت به دین و فرهنگ، تبعیض نژادی، به رسمیت نشناختن هویت ملی مهاجران، ساخت شهرک‌های انباشتی برای دور نگه داشتن چند ملیتی‌ها از اعیان فرانسوی، انحصار خدمات و تسهیلات در مرکز و بی‌توجهی به مطالبات و... از جمله مواردی است که اعتراضات این قشر را تشدید می‌کند. شعله‌های آتش برافروخته‌ای که حتی اگر به ظاهر عیان نباشد با کوچکترین وزشی دوباره زبانه می‌کشد و جان می‌گیرد.



گلوله‌ای از چپ به راست از بازوی چپ و قفسه سینه قربانی عبور کرده. این اتفاق در حالی رخ داده است که طبق قوانین این کشور تیراندازی بدون دلیل قتل عمد لحاظ می‌شود و مستوجب مجازات است



# تاریخ



## چرا آلبانی برای میزبانی

# ممنوعه افغانی

## انتخاب شد؟

محمد مهدی اسلامی

بزه‌گر



### پایان جنگ سرد و تغییرات آلبانی

سرانجام در سال ۱۹۹۲، همزمان با فروریزختن کمونیسم در دیگر کشورها، جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی پایان یافت و نام کشور به «جمهوری آلبانی» تغییر یافت. این امر اما متأسفانه منجر به چند پدیده شد؛ نخست گسترش هژمونی آمریکا در آن، دیگر گسترش فساد اقتصادی در آن و سوم خلاً ایدئولوژیک. همچنان بیش از نیمی از آن خود را مسلمان می‌دانند اما هیچ منبع مطالعات اسلامی مطلوبی نیافته‌اند. این سه مؤلفه، زمینه مناسبی برای آمریکا فراهم ساخت تا سازمانی که روایتی جعلی از اسلام ارائه می‌داد، در ایران بشدت مورد نفرت بود و هیچ کشوری بعد از صدام حاضر به میزبانی آن نبود را به آلبانی تحمیل کند. به این ترتیب، آمریکا توانست بارشوه، با هدایا و لابی‌ها و پرداخت هزینه‌های رسمی به عنوان هزینه‌های مهاجر پذیری و... رضایتش را برای میزبانی از «سازمان مجاهدین خلق» به دست آورد. ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۲ با انتقال ۱۴ عضو منافقین به تیرانا، پروژه انتقال اعضای سازمان مجاهدین خلق از عراق به آلبانی آغاز شد. یک ماه بعد، پس از حملات بازماندگان انتفاضه شعبانیه به اردوگاه لیبرتی، معاون وزیر خارجه آمریکا فشار بیشتری آورد و آلبانی سقف میزبانی خود از این تروریست‌ها را ۲۱۰ نفر اعلام کرد.

### روابط دوستانه آلبانی با انقلاب

آلبانی به مرور با جمهوری اسلامی روابطش را بهبود بخشید. از آن جمله هنگام تشکیل «کنفرانس بررسی مداخلات آمریکا در ایران» در هتل هیلتون از جمله کشورهای مشارکت کننده بود. در میانه خرداد سال ۶۲، کمال خرازی به تیرانا رفت و قراردادی میان آژانس تلگرافیک آلبانی و خبرگزاری ایرنا منعقد شد و درباره عملکرد رادیو آلبانی نیز مذاکراتی انجام شد. چند ماه بعد، علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه ایران که در رأس هیأتی برای شرکت در این اجلاس در نیویورک به سر می‌برد، با وزیر امور خارجه آلبانی دیدار کرد. او ضمن تجلیل از انقلاب ایران و تأکید بر اشتراک مواضع دو کشور، حمایت خود را از جمهوری اسلامی اعلام کرد و گفت: «حقیقتاً بین مواضع دو کشور اشتراک‌هایی وجود دارد. قهرمانی‌های مردم شما منبع الهام برای جهانیان است. مردم ما بسیار مایل‌اند که از طریق رادیو و تلویزیون از اوضاع جمهوری اسلامی ایران مطلع باشند.» اما به دلیل حکومت دیکتاتوری آلبانی، این ارتباط نتوانست گسترش یابد و دیوار دین‌ستیزی در آن کشور، مانع از صدور ابعاد معنوی انقلاب اسلامی به آن شد.

### اسلام در قلب اروپا

کشور آلبانی، حدود ۱۱۰ سال قبل از عثمانی جدا شد، تا پیش از آن کشوری مسلمان بود. عثمانی قریب ششصد سال قبل پادگان‌های خود را در سراسر آلبانی جنوبی برپا کرد و پدیده اسلامی شدن در میان آلبانیایی‌ها چند قرن ادامه یافت. اسلام به آنها فرصت‌های برابر و پیشرفت در ارائه داد. از آنجایی که آلبانیایی‌ها از نظر استراتژیک مهم تلقی می‌شدند، آنها بخش قابل توجهی از ارتش و بوروکراسی عثمانی را تشکیل می‌دادند. بسیاری از مسلمانان آلبانیایی به مناصب سیاسی و نظامی مهمی دست یافتند و از نظر فرهنگی به جهان اسلام کمک کردند. جنگ جهانی دوم موجب شد آلبانی به دام کمونیسم بیفتد. انور خوجه از آن تاریخ تا زمان مرگش در سال ۱۹۸۵ دبیر اول حزب کارگر و رهبر آلبانی بود. در سال ۱۹۶۷ این حکومت خود را نخستین کشور با بی‌خدایی حکومتی عنوان کرد.



کشور آلبانی که سعی می‌کرد از شوروی استقلال داشته باشد، مناسبات گرم‌تری با ایران آلبانی را جزو آن دسته از مارکسیست‌هایی می‌دانست که منافع ملی خود را برتر از منافع اتحاد شوروی می‌شمرد و این خصیصه را شماتت می‌کرد

با این حال کشور آلبانی که سعی می‌کرد از شوروی استقلال داشته باشد، مناسبات گرم‌تری با ایران داشت. شوروی آلبانی را جزو آن دسته از مارکسیست‌هایی می‌دانست که منافع ملی خود را برتر از منافع اتحاد شوروی می‌شمرد و این خصیصه را شماتت می‌کرد. اداره کل یکم کا. گ. ب که از طریق ده اداره تابعه، کشورهای غیرسوسیالیستی جهان را زیر پوشش اطلاعاتی قرار می‌داد، این کشور را نیز رصد می‌کرد. اداره هشتم (تابع اداره کل یکم) عملیات جاسوسی را در کشورهای عربی، یوگسلاوی، ترکیه، یونان، ایران، افغانستان و نیز آلبانی هدایت می‌کرد. از نکات عجیب آن است که این کشور، رادیویی به زبان فارسی دایر کرده بود و روزانه اخباری به فارسی داشت. حجت‌الاسلام



### بازگشت چپ‌ها و اتحاد با منافقین

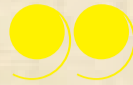
تنها کسانی بودند که آنها را می‌گرفتند. ایالات متحده تصمیم گرفت سازمان مجاهدین خلق را لیست سازمان‌های تروریستی خارجی حذف کند، نه به این دلیل که معتقد است خشونت را کنار گذاشته است، بلکه برای اینکه «از کشته شدن آنها جلوگیری کند». پس از اینکه مجاهدین خلق دیگر به عنوان گروه تروریستی شناخته نشد، ایالات متحده توانست آلبانی را متقاعد کند که ۲۷۰۰ عضو باقیمانده را با یک سری پروازهای چارتر بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ به تیرانا آورده شده بودند، بپذیرد.

کشور «همه نمایندگان دارند که با جنایات سازمان یافته مرتبط هستند... برداشت عقلانی از این ارتباطات که توسط گزارش‌های دیگر نیز پشتیبانی می‌شود، این است که پارلمان جدید تعدادی قاچاقچی مواد مخدر و فعال در پولشویی دارد.» از وقایع این دوره برداشته شدن سقف اعلامی آلبانی و انتقال همه اعضای ساکن در عراق است. ۱۸ آبان ۱۳۹۷، گاردین به نقل از دانیل بنجامین که آن زمان رئیس مبارزه با تروریسم در وزارت امور خارجه بود، نوشت: «آلبانیایی‌ها

شهریور ۱۳۹۲ بود که Edi Rama رهبر حزب سوسیالیست آلبانی به نخست‌وزیری رسید و تا کنون باقی مانده است. از آن تاریخ دست اعضای سازمان مجاهدین خلق بازگذاشته شد. دیگر حامی سازمان در آلبانی Ilir Meta است، سوسیالیستی که در آن سال رئیس مجلس بود و از ۱۳۹۶ تا کنون رئیس جمهور. هر دو پرونده فساد مالی دارند. در یک تلگراف محرمانه وزارت امور خارجه ایالات متحده در سال ۲۰۰۹ که توسط ویکی لیکس منتشر شد، آمده است که سه حزب بزرگ این



من با حدود ده‌ها فراری صحبت کردم که نیمی از آنها هنوز در آلبانی هستند و گفتند که فرماندهان مجاهدین خلق به طور سیستماتیک با استفاده از شکنجه، سلول انفرادی، مصادره دارایی‌ها و جداسازی خانواده‌ها برای حفظ کنترل روی اعضا استفاده می‌کنند



## فروافتادن پرده از چهره سازمان برای آلبانی

مهدی گیلانی

پژوهشگر



در جریان حمله پلیس آلبانی به مقر اشرف ۳، پایگاه مجاهدین خلق در آلبانی، یکی از اعضای این گروه به نام «عبدالوهاب فرجی نژاد جهرمی» کشته شد. فرجی نژاد که در میان مجاهدین با نام مستعار «فرمانده افشین» و «علی مستشاری» شناخته می‌شد، از فرماندهان بخش نظامی مجاهدین پس از شروع جنگ مسلحانه در سال ۱۳۶۰ بود. مریم رجوی او را که به بیش از ۶۰ ترور موفق مشهور بود، از برترین فرماندهان نظامی سازمان معرفی کرده بود. او مسئولیت‌های مختلفی در سازمان داشت؛ از فرماندهی در عملیات فروغ جاویدان و مسئولیت قرارگاه جلولو در نزدیکی مرز ایران تا آموزش تیم‌های ترور اعزامی به ایران و عضویت در تیم حفاظت مسعود رجوی. مجید محمدی، از اعضای بریده سازمان، نشست سالگرد ۳۰ خرداد در قرارگاه اشرف را به یاد می‌آورد که فرجی نژاد به‌عنوان یکی از افراد باسابقه در عملیات‌های ترور، در آن صحبت کرده بود. فرجی نژاد می‌گفت: «شاخص ما برای ترور چند مورد بوده: اول اینکه شخص ریش داشته باشد، دوم اینکه یقه پیراهن وی کامل بسته باشد. در این دو مورد برای ما کاملاً مسجل می‌شد که وی یا پاسدار بوده یا طرفدار این حکومت. برای ما کاملاً روشن بود و نیازی به پرسش و پاسخ نداشتیم و عمل ترور

را انجام و او را به رگیار می‌بستیم.» اغلب می‌دانستند که فرجی از جمله فرماندهان و عوامل اصلی بسیاری از عملیات‌های ترور در داخل کشور در دهه ۶۰ از جمله ترور شهید آیت بوده است؛ اما شاید کمتر کسی خبر داشت که فرجی نژاد یکی از صحنه‌های خونین تاریخ ایران در عملیات فروغ جاویدان در سال ۱۳۶۷ را رقم زده است. او معاون تیپ خط شکن مجاهدین بود که باید از سریل ذهاب تا گرند را اشغال می‌کرد. صمد نظری، یکی دیگر از بریده‌های سازمان، می‌نویسد: «حدود ۳۵ نفر از سربازان در روز دوم خود را تسلیم نیروهای سازمان منافقین به فرماندهی فردی به نام افشین (عبدالوهاب فرجی) کردند. فرمانده به آنها دستبند و چشم‌بند زد و در گوشه‌های جمعشان کرد. تعدادی از آنها به دلیل تشنگی مستمراً از نگاهبانان تقاضای آب می‌کردند. یکی از فرماندهان دسته‌ها به فرمانده خود اطلاع داد که آنها آب می‌خواهند. فرمانده افشین با اشاره دست به دوتا از تیربارچی‌ها اشاره کرد و گفت «به اسرا آب بدهید.» تیربارچی‌ها بی‌رحمانه تمامی اسرا را به رگیار بستند.»

این اقدام جنایتکارانه فرجی نژاد، تا سال‌ها بعد یکی از افتخارات او در سازمان بود. هادی شبانی، راننده رئیس وقت شورای مرکزی مجاهدین که در عملیات فروغ جاویدان در واحد توپخانه مشغول بود، با اشاره به این جنایت فرجی نژاد می‌گوید «اجساد روی هم ریخته شد و از آن عکس گرفتند. این عکس تا مدت‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای عملیات فروغ جاویدان در جلسات معرفی می‌شد.»



### علت حمله چه بود؟

این پیشینه، موجب طرح این سؤال می‌شود که چه شد ۳۰ خرداد امسال ورق به ضرر سازمان برگشت. پلیس آلبانی پس از بررسی و پردازش مشترک اطلاعات موجود در سرورهای به‌دست آمده از مقر منافقین، دریافته است که برخی اطلاعات مهم دیگر توسط این گروه مخفی شده است. برخی تحلیلگران اعلام کردند دلیل افزایش کنترل اشرف ۳ جلوگیری از ورود تجهیزات کامپیوتری عنوان شد. سال قبل پس از حمله سایبری به زیرساخت‌های آلبانی، این فرضیه مطرح شد که سازمان مجاهدین خلق در یک سناریوی فریب (FalseFlag Operation) حمله کرده‌اند. پلیس ضدتروریست آلبانی این احتمال را جدی گرفت و هم‌اکنون به قرائنی نیز دست یافته است. برخی رسانه‌ها گفته‌اند شکی مبنی بر خروج اسناد یا تجهیزات مربوط به موضوع تحقیقات پلیس آلبانی از این مرکز وجود دارد. بر اساس این نظر، پلیس آلبانی بر تدابیر امنیتی و کنترل در ورودی کمپ اشرف ۳ در نزدیکی تیرانا برای جلوگیری از ورود ابزار و وسایل رایانه‌ای افزوده است. این در حالی بود که از هشتم تیرماه، گزارش‌ها حکایت از استقرار پلیس آلبانی در مقابل ورودی کمپ داشت و خودروهایی را که وارد این مکان می‌شوند، کنترل می‌یافت. یورونیوز دلیل این کنترل بیشتر را جلوگیری از ورود ابزار و تجهیزات کامپیوتری به داخل کمپ و مقابله با ادامه فعالیت سایبری گروه مجاهدین خلق عنوان کرده است. ورودی کمپ اشرف پیشتر توسط یک شرکت خصوصی امنیتی کنترل می‌شد که ارتباطی با پلیس آلبانی نداشت و به این کشور اجازه دخالت نمی‌داد و تنها در برابر برخی فشارهای رسانه‌ای و برای فریب رسانه‌ها و مردم آلبانی هر چند وقت، یک هیأت از آنان را به داخل پادگان می‌آوردند و امکانی نظیر سالن غذاخوری، آشپزخانه، استودیو داخلی و... را به آنان نشان می‌دادند.

### پرورده قاچاق انسان

حدود یک سال و نیم قبل، ۱۴ آذر ۱۴۰۰، مدیر اداره پلیس جنایی در پلیس ایالتی آلبانی، خبر از کشف تیم قاچاق انسان و مواد مخدر در صورت اعتراف به آن، مجبور بودند وزارت بهداشت دولت آلبانی و صلیب سرخ را به اشرف ۳ راه بدهند. امری که خط قرمز سازمان بود و تا قبل از حمله اخیر، توانسته بود اشرف ۳ را دور از حاکمیت آلبانی اداره کند.

با طولانی شدن کرونا، مخفیانه به دنبال تهیه داروهای ضد کرونایی، الکل، ماسک و گان برای اشرف ۳ افتادند. همچنین در این مدت بشدت اخبار مرگ اعضا در اشرف ۳ را سانسور کردند. در میانه کرونا یک رسانه گزارش داد: «تا امروز حدوداً ۱۰۰ نفر از اعضای گروه که بر اثر کرونا فوت کردند. منافقین اعضای عادی را بدون هیچ خبری دفن کرده و مرگ فرماندهانی که بر اثر کرونا فوت کردند را با بهانه‌های دیگر اعلام می‌کنند. از مرگ بر اثر کلهوت سن تا ضربه مغزی؛ از آن جمله‌اند: سهیلا ضیاء، حسن علوی، منصور مداح، بابک خلیلی، ابوالفضل قتادی، بهناز مجمل، صمد ساجدیان، شاپور علیزاده، حسین شهیدزاده و...»

چهره‌های شاخص دیگری نیز از منافقین در این مدت مردند، از آن جمله عباس مدرسی فر بود. در هیچ کدام از مرگ‌ها علت آن مشخص نشد، حتی در مواردی که اخبار حکایت از تسویه آنها توسط سازمان داشت. برخلاف قانون ۹۲۲۰ آلبانی که تأکید دارد باید قبل از دفن جسد، گواهی فوت امضا شود، تا علت مرگ از سوی پزشک نوشته شود، اما برای این گروهک تروریستی اجرای قوانین و مصوبات آلبانی امری اختیاری است و مرگ‌گداز بدون گواهی فوت دفن می‌شوند.

### مرگ‌های مخفی شده

اما این تنها کشته‌اشد سازمان در سالهای اخیر نبود. از ابتدای گسترش کرونا گروهک منافقین در اشرف ۳ اصرار داشتند کرونا در این پادگان نفوذ نکرده است؛ زیرا در صورت اعتراف به آن، مجبور بودند وزارت بهداشت دولت آلبانی و صلیب سرخ را به اشرف ۳ راه بدهند. امری که خط قرمز سازمان بود و تا قبل از حمله اخیر، توانسته بود اشرف ۳ را دور از حاکمیت آلبانی اداره کند.

با طولانی شدن کرونا، مخفیانه به دنبال تهیه داروهای ضد کرونایی، الکل، ماسک و گان برای اشرف ۳ افتادند. همچنین در این مدت بشدت اخبار مرگ اعضا در اشرف ۳ را سانسور کردند. در میانه کرونا یک رسانه گزارش داد: «تا امروز حدوداً ۱۰۰ نفر از اعضای گروه که بر اثر کرونا فوت کردند. منافقین اعضای عادی را بدون هیچ خبری دفن کرده و مرگ فرماندهانی که بر اثر کرونا فوت کردند را با بهانه‌های دیگر اعلام می‌کنند. از مرگ بر اثر کلهوت سن تا ضربه مغزی؛ از آن جمله‌اند: سهیلا ضیاء، حسن علوی، منصور مداح، بابک خلیلی، ابوالفضل قتادی، بهناز مجمل، صمد ساجدیان، شاپور علیزاده، حسین شهیدزاده و...»

چهره‌های شاخص دیگری نیز از منافقین در این مدت مردند، از آن جمله عباس مدرسی فر بود. در هیچ کدام از مرگ‌ها علت آن مشخص نشد، حتی در مواردی که اخبار حکایت از تسویه آنها توسط سازمان داشت. برخلاف قانون ۹۲۲۰ آلبانی که تأکید دارد باید قبل از دفن جسد، گواهی فوت امضا شود، تا علت مرگ از سوی پزشک نوشته شود، اما برای این گروهک تروریستی اجرای قوانین و مصوبات آلبانی امری اختیاری است و مرگ‌گداز بدون گواهی فوت دفن می‌شوند.



### اغماض از جرایم سازمان یافته

Ylli Zyla رئیس اسبق سازمان اطلاعات آلبانی از مصونیت در ارتکاب جرایم خبر داده است. مصونیتی که در ازای دریافت مبالغ میلیون دلاری از آمریکا و عربستان بوده است. جرایمی همچون قاچاق انسان و مواد مخدر، مخفی نگه داشتن دلیل مرگ اعضا، عدم اجرای قوانین آلبانی و... زیلا می‌گوید: «اردوگاه آن خارج از صلاحیت پلیس آلبانی بود و خشونت روانی فوق‌العاده و تهدید به قتل در داخل آن رخ می‌دهد.»

او که دقیقاً تا قبل از حضور سازمان در خاک آلبانی به عنوان رئیس اطلاعات نظامی آلبانی خدمت می‌کرد، می‌گوید: «آنها مردم بسیار فراموش شده‌ای هستند. آنها به طور متوسط بیش از ۵۰ سال سن دارند. آهسته آهسته، آرام آرام یکی یکی از بین می‌روند. آنها هیچ پیشینه حرفه‌ای مفیدی ندارند. همه آنها شست‌وشوی مغزی شده‌اند.» زیلا که به یک متخصص درباره این گروه تبدیل شده است، به ایندیندنت می‌گوید این سازمان نظم عمومی این کشور را به چالش کشیده است. اعضای آن به آزار و اذیت فراریان که در کافه‌های تیرانا می‌چرخند، می‌پردازند. او به نقل از یکی از فراریان می‌گوید از زمانی که گروه را ترک کرده شش بار تهدید شده است. «حتی پلیس هم اجازه ندارد داخل شود. وزارت کشور تقریباً هیچ کنترلی بر اردوگاه ندارد. گشت پلیس، تا آنجا که من می‌دانم، اجازه ورود به مجتمع مجاهدین خلق را ندارند. اردوگاه آنها به یک پناهگاه مرموز تبدیل شده است.»



### گسست تباتی‌ها

اخباری که از اشرف ۳ برای آلبانی به دست آمد؛ حتی موجب هشدار «ادی راما» نخست‌وزیر همیشه همراه آلبانی شد و از منافقین خواست تا اگر به دنبال جنگ با ایران هستند، خاک این کشور را ترک کنند. وی با یادآوری آنکه «ما درها را گشودیم چرا که این گروه تحت تعقیب بود و دوستان امریکایی چنین درخواستی را از ما کرده و به خود افتخار می‌کردیم.» راما شرط این امر را عدم ورود آنها به اقدامات سیاسی عنوان کرد اما گفت آنها (منافقین) بارها این توافق را نقض کرده‌اند. «کشورمان تبدیل به سنگر جنگی شده که در آن نقشی نداریم.» با این حساب، باید گفت افراط سازمان منافقین در قانون شکنی، امکان تداوم راه گذشته را برای همدستان این سازمان نیز ناممکن ساخته است.

### چرا کار به خشونت کشید؟



شروع این درگیری از آنجا بود که پلیس ضدتروریسم آلبانی، ۶ نفر از کادرهای سیاسی گروهک را فرما می‌خواند و به آنها ابلاغ می‌کند که قصد دارد برای سرکشی و بازدید به مقر آنها که یک اردوگاه بزرگ با دیوارهای بلند و حفاظت شده است به آنجا رفته و خواهان بازرسی از اردوگاه می‌شود. در ابتدا ۶ نفر از اعضای کادر سیاسی با پلیس صحبت کرده و مأموران را به امکان همبستگی راهنمایی می‌کنند اما پلیس که از قبل اطلاعاتی درباره برخی امکان دیگر نظیر محل یگان سایبری این گروهک داشت، خواهان بازدید از آنجا می‌شود که منافقین با این درخواست پلیس مخالفت می‌کنند. بعد از دو ساعت مذاکره، صبر پلیس تمام می‌شود و تصمیم می‌گیرد بر اساس حکم قضایی دادگاه ساختمان سایبری ورود کند. منافقین ضمن تشکیل زنجیره انسانی به دور برخی ساختمان‌ها، متوسل به خشونت می‌شوند و ۱۵ نفر از اعضای پلیس صدمه می‌بینند. پلیس ضدتروریسم آلبانی، ظرفیت ۱۰۰۰ نفر از مأموران خود را که پادگان اشرف را در این زمان محاصره کرده بودند، فرما می‌خواند و با اسپری فلفل راه خود را از میان دیوار انسانی منافقین باز می‌کنند. در این درگیری به ۱۵۰ خودروی پلیس آسیب رسیده اما پلیس نهایتاً موفق می‌شود وارد محل یگان سایبری شده و بسیاری از تجهیزات آنجا از جمله کامپیوترها و سرورهای اصلی را با خود ببرد. در این سرورها اطلاعات زیادی از جمله اطلاعات مربوط به مرتبطین و نفوذی‌های منافقین در داخل ایران وجود دارد و هم‌اکنون این سرورها در حال بازیابی اطلاعات و پردازش هستند. برخی خبرها حاکی از آن بود که در جریان حمله پلیس به اشرف ۳، مریم رجوی حضور داشته که در یکی از ساختمان‌ها مخفی شده ولی از ترس استرداد به ایران، به فرانسه منتقل می‌شود.



خانواده‌ها برای حفظ کنترل روی آنها از اعضا برای ساکت کردن اعضای مخالف جلوگیری از جدایی استفاده می‌کنند.» گزارشگر از آثار سوختگی سیگار روی بازوهای یکی از این افراد و زخم‌های روی دست‌ها و پاهایش گفته بود و این که قبل از انتقال به آلبانی هفته‌ها شکنجه شده است و پس از آن، او را برای ملاقات رجوی در بغداد برده بودند. «ما را به سالن بزرگی بردند. مسعود رجوی با چند زن آنجا نشستند و گفت اگر یکی از شما یک کلمه به کسی بگوید... فقط یک کلمه و اگر هر یک از اینها افشا شود یا به گوش دیگران برسد، یا اگر صحبت از رفتن کنید، بلافاصله و مستقیم به استخبارات صدام تحویل داده می‌شود.» Arron Merat تحلیلگر گاردین که به صورت تخصصی روی این سازمان مطالعه می‌کند، درباره شرایط اعضای گروهان گرفته شده این سازمان در آلبانی، با اشاره به تلاش مصطفی محمدی که برای آزادی دخترش از دست سازمان تلاش می‌کرد، می‌نویسد: «آنها مصطفی و هر عضو سابقی را که علیه سازمان مجاهدین خلق صحبت کرده است، متهم می‌کنند که یک عامل حقوق‌بگیر جمهوری اسلامی... مصطفی در پی حمله چهار تن از اعضای ارشد مجاهدین خلق در بیمارستان بستری شد. مهاجمان که فریاد می‌زدند «تروریست!»، برای مدت کوتاهی توسط پلیس آلبانی بازداشت شدند اما پس از رسیدن گروهی از اعضای مجاهدین خلق به ایستگاه پلیس، این افراد بلافاصله آزاد شدند.»



# بررسی حمله به لانه شیاطین ناخونده

دکتر طه طاهری پژوهشگر تاریخ معاصر که برادر شهیدش در «عملیات مهندسی» منافقین به شیوه‌ای غیرانسانی به شهادت رسید، در سالهای اخیر درباره عملکرد سازمان منافقین مطالعات بسیار داشته است. تحلیل وی درباره شرایط فعلی این سازمان، در برنامه جهان آرا خواندنی است: همان طور که مستحضرید در ۳۰ خردادماه، کشور آلبانی که تاکنون میزبان منافقین بود، به یکباره پلیس این کشور به مقر منافقین در آلبانی، یورش برده و با آنها برخورد جدی کرد، قبل از شرح این موضوع، ابتدا باید یک تاریخچه‌ای از استقرار منافقین در کشور آلبانی را مرور کنیم.

## حضور منافقین در کشور عراق

منافقین پیش از اینکه به آلبانی کوچ کنند، در کشور عراق حضور داشتند، با سقوط صدام، فشار مردم عراق و معارضة عراق بر منافقین زیاد شد چراکه منافقین در طول حیات صدام، در این کشور حضور داشتند و شریک و هم پیمان صدام بودند.

منافقین به عنوان یک شریک جدی صدام در جنگ ایران و عراق و کسانی که در چند مرحله به توان رزمی شان صدام را در عراق از سقوط نجات دادند، به عنوان یکی از هم پیمانان صدام بشمار می آمدند و در یادگانی به نام اشرف یک، مستقر بودند.

حملات پیاپی مردم عراق به پایگاه اشرف یک، باعث شد که امریکایی‌ها تصمیم بگیرند تا بخشی از نیروهای منافقین را از یادگان اشرف یک به محلی نزدیک یکی از پایگاه‌های هوایی خودشان در لیبرتی عراق منتقل کنند و حدود صد نفر از منافقین هم در اشرف یک باقی ماندند.

در یک عملیاتی که معارضه و نیروهای عراقی علیه یادگان اشرف یک انجام دادند، حدود ۶۰ نفر از منافقین به درک واصل می شوند و در نهایت امریکایی‌ها مجبور می شوند کل منافقین داخل عراق را به یادگان اشرف دو و لیبرتی انتقال دهند.

## استقرار منافقین در یادگان اشرف دو و اشرف سه

یادگان اشرف دو و لیبرتی، محل استقرار امریکایی‌ها در جنگ بود و سوله‌های بسیار بزرگی داشت که منافقین و رهبری آنها، در آنجا مستقر شدند.

در ادامه شرایط در عراق به گونه‌ای شد که حملات پیاپی نیروهای مردمی عراق به اشرف دو نیز شرایط را برای منافقین سخت‌تر کرد و امریکایی‌ها تصمیم گرفتند که منافقین را از اشرف دو به طور کامل خارج کنند و پس از آن، تقریباً منافقین از عراق خداحافظی کردند، این اتفاق در سال ۹۲ افتاد و منافقین براساس تصمیم امریکایی‌ها، اراده امریکایی‌ها و توافقی که با غرب انجام دادند، کل تشکیلات و نیروهای منافق را به اشرف سه در کشور آلبانی منتقل کردند.

این یادگان یا محلی که امروز به نام اشرف سه معروف است همان مکانی است که دولت آلبانی با استعداد یک هزار نفر در روز ۳۰ خردادماه ۱۴۰۲، به این محل یورش برد و تفتیش انجام داد.

یادگان اشرف سه در ۳۰ کیلومتری تیرانا پایتخت کشور آلبانی قرار دارد، این مکان محل مخروبه‌های بوده است که متعلق به یکی از دانشگاه‌هایی بوده است که استفاده نمی‌شده و آن را در اختیار منافقین قرار داده بودند و کل نیروهای منافقین از عراق به آنجا منتقل شده بودند.

## تاریخچه کشور آلبانی و روابط آن با جمهوری اسلامی ایران

کشور آلبانی، کشوری است که تقریباً با استانداردهای اروپایی خیلی فاصله دارد و جزو یکی از فقیرترین کشورهای اروپایی بشمار می‌آید. این کشور در گذشته در بلوک شرق تعریف می‌شد که در آن زمان آقای انور خوجه رئیس جمهور این کشور بوده است، کشور آلبانی کشوری با سابقه ۸۱ ساله تفکرات مائوئیستی و کمونیستی است و جابه‌جایی‌های متعدد در این حوزه است. دولت آلبانی از منافقین تعهدی می‌گیرد مبنی بر اینکه به شرطی خواهد گذاشت منافقین در این کشور مستقر شوند که استانداردها و قوانین این کشور را رعایت کنند.

همان طور که می‌دانید کشور آلبانی با جمهوری اسلامی ایران ارتباط به ظاهر خوبی داشت و نمایندگی جمهوری اسلامی ایران، با استعداد ۶ تا ۷ نفر، در کشور آلبانی مستقر بود و اساساً هیچ مخاصمه، درگیری و اتفاقی تا پیش از حضور منافقین در آن کشور، بین جمهوری اسلامی ایران و کشور آلبانی وجود نداشت. برخی از مردم کشور آلبانی، بکناشیه‌ها هستند که رهبر آنها، در نیشابور دفن شده است و یک علاقه‌ای نسبت به مردم ایران در بین مردم آلبانی وجود دارد و البته مردم آنجا نسبتاً مسلمان نیز هستند.

کشور آلبانی به واسطه اینکه فقیر است، تبدیل شده است به یک شاهراه بزرگ حضور شبکه‌های مافیایی؛ شبکه‌های مافیایی در حوزه تجارت مواد مخدر، تجارت سلاح و اقتصاد زیرزمینی و اقداماتی غیرقانونی که عموماً شبکه‌های بین‌المللی غیرقانونی، مهد حیات‌شان کشورهایی مثل آلبانی است.

به واسطه این خصوصیات، منافقین هم بسیار مشتاق بودند که در این کشور بروند تا بتوانند آزادانه عمل کنند، آزادانه تحت نظارت‌های سیستماتیک استانداردهای کشورهای مترقی قرار نگیرند و بتوانند هر کاری که دلشان می‌خواهد انجام دهند.

## اقدامات منافقین پس از استقرار در کشور آلبانی

اولین کاری که منافقین پس از استقرار در کشور آلبانی کردند این بود که به مناسبات داخلی بین‌المللی آلبانی و ایران وارد شدند. کارشناسان معتقدند که گروهک منافقین، یک سازمان شکاف‌زی است یعنی زیست آنها در شکاف‌های موجود بوده است و هر کجا که اختلافی باشد، سازمان منافقین در آن اختلاف وارد می‌شود و آن اختلاف را نه تنها عمیق می‌کند بلکه آن را تبدیل به یک چالش اساسی می‌کند، همانگونه که در گذشته هم منافقین در فروپاشی روابط ایران و عراق، بسیار نقش آفرینی کردند و می‌توان گفت که یکی از دلایل طولانی شدن جنگ بین ایران و عراق، حضور منافقین در کشور عراق بود. اقدامات بسیار خطرناک و غیرانسانی که منافقین در حق مردم ایران در طول جنگ ایران و عراق کردند، پایگاه‌هایی که هر روز به مرزهای جمهوری اسلامی ایران در طول جنگ ایران و عراق، حمله می‌کردند، اقدامات اطلاعاتی که از توان دفاعی رزمندگان اسلام در طول جنگ با کار جاسوسی در اختیار ارتش صدام قرار داده می‌شد، همه اینها برعهده تیم‌های منافقین بوده است. حال یک گروه با این ویژگی‌ها و با این اقدامات بسیار خبیثانه که دستشان تا مرفق به خون شهدای عزیز ما در طول دفاع مقدس آلوده است، در کشور آلبانی نیز در این نوع شکاف‌ها وارد شدند، ما معتقدیم که روابط ایران و عربستان هم اگر به سردی گرایید، شاید بتوان ردیای منافقین را در اختلاف و تشدید این قضایا پیدا کرد. بسیاری از مشکلات در دیپلماسی سیاسی جمهوری اسلامی ایران با برخی از کشورهای منافقین در آنجا حضور دارند، نقش شکاف‌زی بودن این سازمان را به خوبی نشان می‌دهد.



## برهم زدن روابط بین جمهوری اسلامی ایران و کشور آلبانی

پس از تئوری و طراحی برنامه فشار حداکثری ترامپ بر جمهوری اسلامی ایران، دولت آلبانی که اساساً یک کشور استن چندم امریکا محسوب می‌شد و شاید بتوان به صراحت گفت که سفیر امریکا همه کاره این کشور است و منافقین براساس هماهنگی و حمایت امریکا و اسرائیل وارد این کشور شدند. با وجود اینکه روابط خوبی که بین دو کشور بود و مردم آلبانی نسبت به ایران، نگاه خوبی داشتند، به یکباره با یورش پلیس آلبانی به سفارت ایران که برخلاف عرف بین‌المللی بود، تعطیل شد.

پس از آن، دیپلمات‌های ایران از این کشور اخراج شدند و به جمهوری اسلامی ایران بازگشتند و عملاً یک تاز صحنه داخلی مناسبتی ایران با آلبانی گروهک منافقین شد. منافقین کشور آلبانی را به یک اتاق جنگ عملیاتی سایبری و جنگ شناختی تبدیل کردند.

پس از آن، دیپلمات‌های ایران از این کشور اخراج شدند و به جمهوری اسلامی ایران بازگشتند و عملاً یک تاز صحنه داخلی مناسبتی ایران با آلبانی گروهک منافقین شد. منافقین کشور آلبانی را به یک اتاق جنگ عملیاتی سایبری و جنگ شناختی تبدیل کردند.

## براندازی جمهوری اسلامی ایران خیالی خام بود

قاعده امریکایی‌ها برای براندازی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۴۰۱، وحدت گروه‌های ضد انقلاب بود و این تا جایی پیش رفت که همه آنها به خیال خام خودشان، فکر می‌کردند کار جمهوری اسلامی ایران تا دی ماه تمام است و بزودی تهران هستند! همه اینها در کمال حماقت، کار را به جایی رساندند که یک فضای در جنگ شناختی درست شده بود که حتی کشوری مانند آلمان که همیشه یک پلیس خوب به شمار می‌رفت نیز اجازه داد تا آن تجمع چند ۱۰ هزار نفری صورت بگیرد. یعنی کشوری مانند آلمان که هیچ موقع در این قصه‌ها مداخله نمی‌کرد نیز آنقدر تحت تأثیر شرایط متوهم قرار گرفته بود که فکر می‌کرد کار در جمهوری اسلامی ایران تمام شده است!

بخشی از این نوع فضاها را منافقین ایجاد می‌کردند و می‌گفتند که کار جمهوری اسلامی ایران تمام است و بعد از این قصه‌ها دیدند که هیچ چیزی تغییر نکرد و همه چیز سر جای خودش برگشت و وضعیت عادی شد.



کشور آلبانی به واسطه اینکه فقیر است، تبدیل شده است به یک شاهراه بزرگ حضور شبکه‌های مافیایی؛ شبکه‌های مافیایی در حوزه تجارت مواد مخدر، تجارت سلاح و اقتصاد زیرزمینی و اقداماتی غیرقانونی که عموماً شبکه‌های بین‌المللی غیرقانونی، مهد حیات‌شان کشورهای مافیایی مثل آلبانی است. به واسطه این خصوصیات، منافقین هم بسیار مشتاق بودند که در این کشور بروند تا بتوانند آزادانه عمل کنند



## نقش منافقین در اغتشاشات سال ۱۴۰۱

البته این شهروندی که در این اغتشاشات نقش داشتند، در نهایت با تدبیر رهبر معظم انقلاب مورد عفو قرار گرفتند که این بزرگترین اقدام انساندوستانه و حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران نسبت به کسانی بود که کشور را به مدت چهار، پنج ماه با اختلال مواجه کردند.

منافقین آنچه را که در بیرون وانمود می کردند، این بود که عنصر اصلی کف میدان هستند که در قبال آن نیز، پول، منافع و امتیازات مالی دریافت کردند.



## چراغ سبز امریکا و فرانسه

عده‌های یورش پلیس آلبانی به پادگان منافقین را به چراغ سبز نشان دادن امریکا و فرانسه به جمهوری اسلامی ایران، تعبیر کردند چرا که پیش از آن یک گفت‌وگویی بین رئیس‌جمهور کشور ما با مکرون به صورت ۹۰ دقیقه‌ای وجود داشت و در این مدت هم امریکایی‌ها، یکسری پیام‌ها به جمهوری اسلامی ایران دادند، برای این تعبیر هم می‌توان گفت که، اینکه این اتفاق بین ایران و آلبانی بوده است را بنده کاملاً رد می‌کنم چرا که هیچ روابط دیپلماتیکی بین ایران و آلبانی وجود نداشته است و سفارتی هم در این کشور نبوده است، اما اینکه در پس یک چراغ سبزی، امریکایی‌ها و فرانسوی‌ها خواستند به جمهوری اسلامی ایران، یکی پیامی را برسانند بسیار محتمل است. علت این موضوع هم این است که منافقین در سال‌های متعددی، از دهه شصت تا به امروز، وعده‌های بسیاری داده‌اند و گفته‌اند که آنها عنصر اساسی در کف میدان برای براندازی جمهوری اسلامی ایران هستند که این وعده‌ها محقق نشدند.

جداً از اینکه منافقین در شکاف‌ها زیست می‌کنند، قدرت سراب ایجاد کردنشان هم بسیار بالاست، برای مثال وعده‌های سرنگونی، وعده‌های براندازی، اطلاعات دروغ نسبت به حقایق داخل جمهوری اسلامی ایران، تولید شبهات، از سراب‌هایی است که منافقین ایجاد کرده‌اند و خودشان را کنشگر و بازیگر اصلی صحنه براندازی جمهوری اسلامی ایران نشان داده‌اند، اما این تصویر با آنچه در عمل دارد اتفاق می‌افتد، متفاوت است.

## عملیات سایبری منافقین علیه جمهوری اسلامی ایران در کشور آلبانی

پس از ورود منافقین به آلبانی، وزارت دفاع آلبانی حدود نهمصد لپ‌تاب و کامپیوتر و صفحات مربوط به فضای مجازی را در اختیار منافقین قرار داد.

اتاق جنگی که ما به آن یگان عملیات سایبری منافقین می‌گوییم، شامل کادرهای پیر و پاتال و بالای سن شصت سال هستند که در آلبانی مستقر هستند و اینجا عملیات جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران را با ایجاد صفحات فیک در تلگرام و فضای مجازی، انتشار اخبار و پیامک‌های غیرقانونی، تهییج و انتقال رویه‌ها و روایت‌های غیرحقیقی از حوادث ایران و تشدید احساسات انجام می‌دهند.

در فیلم‌هایی که از آلبانی توسط منافقین منتشر شده است، عملیات‌های منجر به تخریب و آموزش نارتجک، عملیات‌های استفاده از موشک‌های سردوش با لوله‌های پلیکا و یا روش‌های بسیار تخریبی که آموزش داده می‌شد، در شبکه‌های مجازی پخش شده است و اسناد و مدارک همه اینها در اختیار مقامات و روی میز آلبانی‌ها و فرانسوی‌ها قرار گرفته است.

توسط پلیس آلبانی گفته شده است که منافقین برخلاف تعهدات و برخلاف توافقی که با دولت آلبانی داشتند، دست به اقداماتی زدند که بخشی از آن اقدامات عملیات سایبری، عملیات تحریک فضای شناختی در رابطه با اقدامات خشونت بار در داخل ایران و عملیات هک و جاسوسی از زیرساخت‌های جمهوری اسلامی ایران بوده است.

آلبانی‌ها از اطلاعاتی که نسبت به منافقین به دست آوردند، به این نتیجه رسیدند که بخشی عده‌ای از عملیات‌های سایبری که با حمایت و پشتیبانی فنی اسرائیل در داخل ایران انجام شده است و موجب اختلال در فولاد، اختلال در بخش‌هایی از انرژی، اختلال در بخش‌های فرهنگی و اختلال در بخش‌های حمل و نقل شده است، این عملیات‌ها تماماً با کمک اسرائیل از پایگاه تیرانا توسط منافقین انجام شده است.

## کلافه شدن کشور آلبانی از فعالیت‌های منافقین

چه اتفاقی می‌افتد که در یک کشوری مانند آلبانی، پلیس براساس استنادات قانونی و قضایی بالادست، وارد محل نگهداری مهمان خودش می‌شود و میهمان آن کشور، با پلیس آن کشور می‌جنگد و درگیری می‌شود و حدود سی و چند نفر از پلیس‌ها را زخمی می‌کند؟ عملاً آنچه اتفاق افتاد این بود که در رصد اطلاعاتی دولت آلبانی و غرب نسبت به منافقین، اطلاعاتی به دست آمده که این اطلاعات نشان دهنده این است که منافقین آلبانی را مرکز اقدامات تروریستی و اقدامات سایبری شناختی برای ایجاد خشونت در داخل ایران، تبدیل کردند و این موضوع برای دولت آلبانی بسیار سخت است که کشورش، محل جنگ با یک دولت مقتدری شود که باید پاسخگوی آن باشد و هزینه‌های لازم را بپردازد.

در دو سه سال گذشته نیز بسیاری از کسانی که از سازمان مجاهدین خلق، با سختی جدا شدند اقدام به افشای حقایق مربوط به درون این تشکیلات کردند و همین موضوع مسئولان آلبانی و اروپایی را به این وادار کرد که با خود بگویند مگر در پایگاه منافقین چه می‌گذرد و چه اقداماتی شکل می‌گیرد؟

به نظر می‌رسد اطلاعاتی که منجر به تصمیم دادگاه آلبانی برای بازرسی و تفتیش پایگاه منافقین شد، سرخ‌های بدست آمده‌ای باشد که آلبانی‌ها از حضور و استمرار فعالیت منافقین در کشورشان به دست آورده‌اند، بخشی از این سرخ‌ها، استفاده از کشور آلبانی برای یک جنگ سایبری و شناختی علیه کشور قدرتمندی مانند جمهوری اسلامی ایران است و بخشی هم که بسیار خطرناک است این است که منافقین در مناسبات داخلی کشورها نیز دخالت می‌کنند.

## بیانیه وزارت خارجه امریکا در مورد منافقین

غیربیه این نتیجه رسیده است که منافقین آن چیزی که گفته می‌شد نیستند و این دقیقاً در بیانیه وزارت خارجه امریکا در حادثه آلبانی، آمده است که می‌گوید منافقین نماینده واقعی اپوزیسیون مردم ایران نیستند. این کلام خیلی مهم است که وزارت خارجه امریکا در رابطه با منافقین اینجین می‌گوید که مردم ایران اصلاً منافقین را نماینده خودشان نمی‌دانند. دومین نکته، مطرود بودن منافقین نزد اپوزیسیون خارج از کشور است، شما نگاه کنید که در تمام اتفاقات ۱۴۰۱، هر کجا که منافقین خواستند در آن گردمایی‌ها مشارکت کنند و پرچم و بیانیه خودشان را بالا ببرند، آن اپوزیسیون‌ها با منافقین به شدت درگیر شدند. یعنی یک فهم مشترک وجود دارد و آن هم این است که منافقین رایج جریان تمامیت‌خواه، انحصارطلب، دروغگو و خشونت طلب می‌دانند.

## منافقین آن چیزی که می‌گویند نیستند

این نکته مهم است که اروپایی‌ها و حتی فرانسوی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که منافقین آن چیزی که می‌گویند، نیستند و این تصور جدید چراغ سبزی است که به ما نشان داده شده است.

اگر ما کشور مؤثر نبودیم، این اتفاقات خوب نمی‌افتاد و اگر امروز آن کشورها، به این نتیجه رسیدند که باید با منافقین برخورد کنند، به خاطر این است که آنها می‌دانند الزامات همکاری با کشور قدرتمندی مانند ایران، این است که اجازه ندهند از طریق خاک سرزمین‌شان منافع ملی و امنیت ملی ایران به مخاطره بیفتد.

## تصویر منافقین در اذهان

این تصور و نگاه جدید اروپا به توانمندی منافقین بسیار مهم است که می‌گویند منافقین، اصلاً در داخل ایران جایگاهی ندارند و در واقعیت، قصه کف خیابان ایران هم همین است که شما امروز به هر شهروند ایرانی که می‌خواهید مراجعه کنید و بپرسید که نظرشان در ارتباط با منافقین چیست؟ قطعاً همه آنها می‌گویند که منافقین در اصل قاتل بچه‌های ما در جنگ و جنایتکارهای تروریستی هستند که ۱۷ هزار نفر را در عملیات کور در تهران و شهرهای دیگر ایران در عرض سه، چهار سال به شهادت رساندند.

یعنی تصویری از منافقین در داخل کشور ما وجود دارد که آنها را یک سازمان تروریستی خطرناک و خشونت‌طلب می‌نامند و این تصویر در اپوزیسیون‌های خارج از کشور نیز وجود دارد که منافقین را تمامیت‌

خواه، انحصارطلب و خشونت‌طلب می‌نامند و از منافقین پرهیز می‌کنند و اگر مراسمی هم می‌گذارند، حتی اگر منافقین بخواهند در آن مراسم‌ها شرکت کنند هم اینها طردشان می‌کنند.

اروپا به این نتیجه رسیده است که منافقین دیگر مهره قابل سرمایه‌گذاری نیستند و باید به نحوی گوشمالی داده شوند.

منافقین بازی غرب و اروپا را نیز بهم زدند یعنی بازی امریکایی‌ها، اروپایی‌ها و فرانسوی‌ها در جریان براندازی جمهوری اسلامی ایران یا حتی این تئوری که فشار حداکثری بیاوریم تا جمهوری اسلامی از مواضع سیاسی منطقه‌ای خودش عقب بکشد و کنار بیاید و به توسعه سیاسی منطقه‌ای خودش ادامه ندهد را نیز منافقین برهم زدند

## جاسوسی منافقین برای شوروی

پیش از انقلاب اسلامی، منافقین حدود ۵ تا ۶ امریکایی را در ایران کشتند که این امریکایی‌ها در سفارت امریکا دیپلمات نبودند بلکه افسران و سرهنگ‌های بخش استراق سمع و بخش شنود مرکز شنود امریکایی‌ها در کبکان به‌شهر بودند. وظیفه این مرکز این بوده است که امریکایی‌ها چند صد نفر نیرو در این پایگاه مستقر کرده بودند و کار شنود شوروی سابق را انجام می‌دادند. منافقین، کارشناسان امریکایی این عملیات را در تهران شناسایی کردند و کشتند و اسناد و کیف این کارشناسان را گرفتند و سپس به فرانسه منتقل کردند و بعد آن را به سفارت شوروی دادند.

همچنین حدود دو ماه پس از انقلاب اسلامی، فردی به نام محمدرضا سعادت دستگیر می‌شود که یکی از اعضای اصلی و کادرهای بالای سازمان منافقین بود.

او در هنگام ملاقات با دبیر اول سفارت شوروی سابق، می‌خواست کل پرونده سرلشکر مقربی که جاسوس شوروی در ارتش شاهنشاهی بود را تحویل سفارت شوروی دهد.

این پرونده حاوی اطلاعاتی مبنی بر اینکه سرلشکر مقربی چگونه دستگیر و چگونه بازجویی شده بود، است و شوروی این سفارش را به منافقین می‌دهد که به وسیله نفوذی‌هایشان در دادگاه انقلاب، از مراکز نگهداری اسناد رکن ۲ ارتش، این پرونده را خارج کنند.

یعنی سفارش پذیری و کار برای سرویس‌های اطلاعاتی صرف نظر از ماهیت و عنوان یک خصلت سازمانی است.

امروز بیشترین اطلاعات تولیدی منافقین به وسیله کار سایبری، هک و به وسیله برخی از عناصر خودفرخته انجام می‌شود که این کار بسیار ساده‌ای است، امروز برخی از بهره‌برداران و مشتریان منافقین، سرویس‌های اطلاعاتی امریکا و اسرائیل و... هستند، البته یکی از رندی‌های منافقین این است که این اطلاعاتی را که جاسوسی می‌کنند، دستکاری کرده و مطابق با ذائقه خودشان تحویل مشتریانانشان می‌دهند.

## در جریان دستگیری منافقین در آلبانی، مریم رجوی کجا بود؟

برخی‌ها معتقدند که مریم رجوی با اطلاع امریکایی‌ها، چند روز قبل از قصه آلبانی، به بهانه مشارکت در اجلاس و نشست بروکسل، از تیرانا خارج شده است. این یک واقعیت است که همیشه رهبران سازمان منافقین از مسعود و مریم رجوی گرفته تا دیگر رهبران این سازمان، همیشه افراد تشکیلات خودشان را قربانی سلامت و امنیت خود کرده‌اند.

آنچه که مهم به نظر می‌رسد این است که اقدام امریکایی‌ها و فرانسوی‌ها به وسیله آلبانی‌ها در

کشور آلبانی، در حمله به پایگاه منافقین و پادگان اشرف سه، ایجاد ظرفیت و فضا برای کنشگران دیگر اپوزیسیون است. یعنی منافقین به علت همان خصلت تمامیت‌خواهی‌شان، قدرت نفس کشیدن به بقیه نمی‌دهند و بخشی از اهداف پشت پرده این تفتیش و این حمله آلبانی، جداً از اقداماتی که پلیس آلبانی رسماً اعلام کرده است، این پیام نوشته و این سیاست نانوشته را نشان می‌دهد که عرصه برای دیگران در این سازمان باز و فضا بزرگتر شود.



## منافقین در ازای پول همه کاری انجام می‌دهند

یک نکته بسیار مهم این است که اروپایی‌ها به این نتیجه رسیدند که اساساً تشکیلات منافقین تشکیلاتی است که در ازای پول خدمات اطلاعاتی ایجاد می‌کند. تنها قدرت سازمان منافقین نسبت به سایر اپوزیسیون‌ها، توانمندی‌شان در کسب اطلاعات جاسوسی است، یعنی آنها همیشه حاضرند این خدمت جاسوسی اطلاعاتی را برای هر کسی انجام دهند. برای مثال بنی‌صدر در خاطرات خود می‌نویسد اصلاً من تعجب کردم که در پاریس خبر ملاقات رجوی را با طارک عزیز شنیدم، به او گفتم تو ملاقات داشتی و او در پاسخ گفت بله!

در اینجا می‌بینیم که این یک مسأله عجیبی است که یک نفر برود با دشمن خودش قرارداد ببندد و بگوید که ما می‌آییم در خاک کشورت و سرباز تو می‌شویم! حتی در مذاکرات پنهانی که بعد از سقوط صدام اسناد آن را پیدا کرده‌اند، گفته شده است که رجوی با رئیس اطلاعات استخبارات عراق ملاقات داشته است و به آنها می‌گوید که ما سرباز شما هستیم و در عرب و عجم اگر بگردید یار و یابوری مانند منافقین پیدا نمی‌کنید! این قدرت اطلاعاتی آنها اروپایی‌ها را نگران کرده است زیرا ممکن است اطلاعاتی از اروپایی‌ها، توسط منافقین در اختیار یکی از کشورهای قرار گیرد.



این نکته مهم است که اروپایی‌ها و حتی فرانسوی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که منافقین آن چیزی که می‌گویند، نیستند و این تصور جدید چراغ سبزی است که به ما نشان داده شده است



# کتاب

یادداشت‌دهنده

## یک تابستان داغ و پر کتاب

مجموعه کارهای ممکن با صد میلیارد تومان پول نقد

محمدعلی یزدانیار

دیوگروه کتاب

mohammadalyazdanyar@gmail.com

**اول.** با صد میلیارد تومان چه کارهایی می‌شود کرد؟ مخصوصاً صد میلیارد تومانی که صاحبش عموم ما مردم باشیم، یعنی پول برای جیب همه ما هشتاد و پنج میلیون نفر با هم باشد. با صد میلیارد تومان خیلی کارها می‌شود کرد. مثلاً اگر هزینه ساخت هر متر مربع مدرسه صد میلیون تومان فرض کنیم، با این صد میلیارد تومان می‌شود ۱۰ هزار متر مربع مدرسه ساخت. یا با فرض متوسط قیمت صد هزار تومان برای یک جلد کتاب، می‌توان یک میلیون جلد کتاب برای مناطق محروم تهیه کرد. اصلاً چرا کار مستقیم فرهنگی؟ اگر هزینه ایجاد هر شغل در کشور را صد میلیون تومان هم محاسبه کنیم، با صد میلیارد تومان می‌توان هزار نفر را صاحب شغل کرد که این خودش یعنی به طور متوسط چهار هزار نفر کیفیت زندگی بهتری خواهند داشت. با صد میلیارد تومان البته کارهای دیگری هم می‌شود کرد، مثلاً می‌شود به وسیله صد میلیارد تومان از بودجه عمومی کشور، با یک بازیکن فوتبال - آن هم بازیکنی که در بازار جهان حتی ۱۰ درصد این مبلغ هم ارزش ندارد - قرارداد بست. صد میلیارد تومان برابر است با مجموع مالیاتی که بیست هزار کارمند دولت طی یک سال پرداخت می‌کنند. حالا اگر ریختن پول بیت‌المال در جیب یک بازیکن فوتبال در همه جای دنیا رسم است، که عجب رسم مسخره‌ای! اگر هم ماجرا این است که در کشورهای پیشرفته، یک بنگاه خصوصی حقوق بازیکنان را به وسیله درآمدهای خودش تأمین می‌کند و دستش در جیب دولت و مردم نیست، پس شما خودتان تصمیم بگیرید خرج کردن صد میلیارد تومان بابت خریدن یک میلیون جلد کتاب برای مناطق محروم کار بهتری است یا بستن قرارداد با یک بازیکن فوتبال!

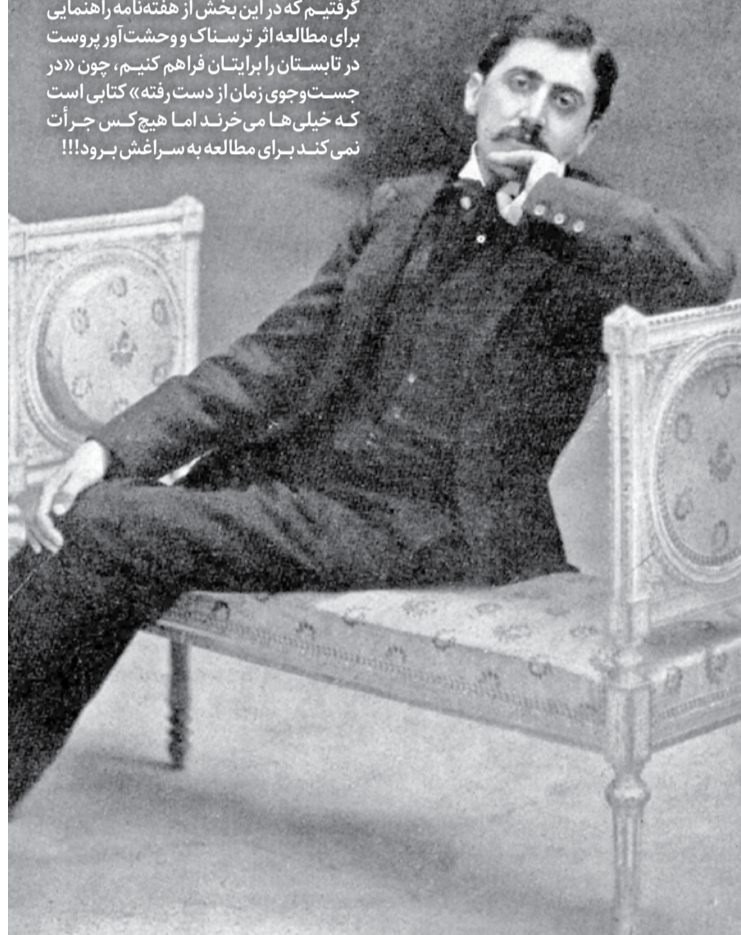
**دوم.** قرار بود اوایل تیر ماه یک شماره مخصوص کتاب‌های تابستانی داشته باشیم. بعد دیدیم به‌به! عید قربان آمده و اولین پنجشنبه تیرماه ما تعطیل است. هفته قبل هم که به مناسبت روز ادبیات کودک به مهدی آذریزادی پرداختیم و نشد بزینم توی برنامه‌های تابستانی. اما بالاخره در این شماره با یک سری معرفی و نقد و بررسی درست و حسابی برای گذران تابستان در خدمت شما هستیم. بخوانید که برایشان زحمت زیاد کشیدیم، امیدواریم بیسندیدیم.

**سوم.** من اگر صد میلیارد تومان پول داشتم، یک عالمه کتاب می‌خریدم. به خدا!

مطالعه تابستانی کتابی که همه می‌خرند و هیچکس نمی‌خواند!

## پنجه در پنجه با آقای پروست...

دوشنبه‌ای که گذشت، دهم جولای برابر با ۱۹ تیر ماه سالروز تولد مارسل پروست بود. نویسنده فرانسوی که رمان عظیم، حجیم و هفت جلدی او «در جست‌وجوی زمان از دست رفته» به اعتقاد برخی از منتقدین، بزرگترین و مهم‌ترین رمان تمام تاریخ است.



### قدم صفر: آیا آماده مطالعه پروست هستید؟

این مهم‌ترین سؤالی است که باید پاسخ بدهید. بدون تعارف عرض کنم که «در جست‌وجو...» برای تازه‌واردان نیست، پروست را باید کسی دست بگیرد که سابقه‌ای مناسب در مطالعه ادبیات داستانی داشته باشد، شما باید قبل از پروست حتماً چند اثر کلاسیک خوانده باشید و توی این چند کلاسیک باید بخشی را به ادبیات کلاسیک فرانسه اختصاص بدهید. اگر چنین پیشینه‌ای دارید بسم الله، وگرنه صبر کنید تا زمانش برسد، از من قبول کنید، پروست برای هر خواننده‌ای نیست!



### قدم اول: کتاب را تهیه کنید

اگر مجموعه را از قبل داشتید که خوش به حالتان اما اگر تازه می‌خواهید کتاب را تهیه کنید، باید بدانید که جدیدترین قیمت این مجموعه که توسط نشر مرکز و با ترجمه مهدی سبحانی به بازار روانه می‌شود، دو میلیون و دویست هزار تومان است. قیمت این مجموعه از معدل قیمت کتاب در بازار کتاب تابستان ۱۴۰۲ ارزان‌تر است اما خود قیمت کتاب نزدیک ۳۰ درصد از حداقل حقوق وزارت کار را به ملکوت اعلی می‌فرستد. البته نشر مرکز طی یک حرکت بسیار اخلاقی و تحسین‌برانگیز مجموعه خودش را به شکل ای‌بوک هم منتشر کرده که قیمتش در حال حاضر تنها ۲۰ درصد قیمت نسخه چاپی است. خلاصه از هر راهی که می‌دانید کتاب را به دست بیاورید و بعد سراغ قدم دوم بروید.

### قدم دوم: برنامه‌ریزی کنید

برای برنامه‌ریزی ۷۰ روزه (از روز انتشار این مطلب تا پایان شهریور ماه) اگر روزی ۵۹ صفحه - همان ۶۰ صفحه - از اثر پروست را بخوانید، می‌توانید ۷ جلد را با موفقیت به اتمام برسانید. خواندن ۶۰ صفحه از اثر پروست حدود دو ساعت در روز وقت از شما می‌گیرد. غیر از این باید یادتان باشد که برای فهم بهتر این مجموعه بهتر است آثاری را در کنار کتاب‌ها مطالعه کنید که در بخشی مجزا به آنها خواهیم پرداخت.



### قدم سوم: شروعی مخصوص رها کردن، نترسید

سختی بدهید و این صفحات را به هر سختی‌ای که شده مطالعه کنید، این کار را حتی به قیمت نفهمیدن این صفحات هم که شده انجام دهید، بخوانید و جلو بروید. بعد از حدود دویست صفحه هم روایت سر و شکل بهتری گرفته، هم زبان پروست کمی ساده‌تر می‌شود و در عین حال شما هم به این ادبیات عادت کرده‌اید و کم‌کم لذت پروست‌خوانی به شکل واقعی برایتان آغاز می‌شود.

دویست صفحه ابتدایی جلد اول «در جست‌وجو...» جایی است که تلفات زیادی دارد. خوانندگان زیادی در همان ابتدای کار و پس از مواجهه با نثری بسیار ثقیل، سنگین، طولانی و پیچیده، عطای مطالعه پروست را به نقیص می‌بخشند. صفحاتی که امروزه نماد بهترین نثر پروست محسوب می‌شوند اما در زمان انتشار آندره ژید و خیلی دیگر از منتقدین به شدت به این صفحات تاختند. اصلاً نگران نباشید و نترسید. به خودتان

### قدم چهارم: خسته نشوید

مبارزه کنید و دهانش را بر خاک بمالید. پروست را هر کسی نمی‌خواند و اگر کسی بخواند خیلی راحت می‌تواند به خودش افتخار کند. شما در حال مطالعه مهم‌ترین اثر ادبی داستانی مدرن هستید، حیف نیست بگذارید کنار، بروید سراغ رمان‌های خیلی عادی‌تر؟

خواندن هفت جلد و ۴۱۰۰ صفحه متن برای خودش کاری است بس دشوار، بنابراین ممکن است بخواهید وقت زیادی که روی این مجموعه می‌گذارد را وقف خواندن آثار دیگری کنید که هم راحت‌تر خوانده می‌شوند، هم مطالعه‌شان به نسبت «در جست‌وجو...» هیچ کاری ندارد. با این وسوسه



### قدم پنجم: در کنار اصل اثر چه بخوانیم؟

اگر کتاب «صومعه پارما» را قبل از مطالعه پروست بخوانید بد نیست؛ ارجاعات زیادی در اثر پروست به «صومعه پارما» داده شده است. کتاب «فانوس جادویی زمان» را تهیه کنید و پس از پایان هر کتاب، بخش مربوط به آن را در کتابی که داریوش شایگان با استادی تألیف کرده است، بخوانید. یک مجموعه چهار جلدی مصور بر اساس دو جلد اول «در جست‌وجو...» منتشر شده است که به فهم کتاب برای شما بسیار کمک خواهد کرد. پس از پایان جلد هفتم می‌توانید

«آقای پروست» و «مقدمه کیمبرج بر مارسل پروست» را هم مطالعه کنید. اولی زندگینامه پروست است بر اساس خاطرات «سلسلت آلباره» خدمتکار محبوب پروست و دیگری اثری است تحلیلی بر ادبیات مارسل پروست. البته در بازار کتاب‌های خوب دیگری هم در مورد پروست و آثارش وجود دارد که می‌توانید به آنها رجوع کنید. فقط یادتان باشد این کتاب‌ها را در کنار اصل اثر بخوانید که هم فهم رمان را برایتان ساده‌تر کند و هم لذت بیشتری ببری.

### قدم ششم: تریک عرض می‌کنم

داستانی را به زیر کشیدید که حس خوبی دارد، مگر نه؟ وقتی کل رمان را به پایان رساندید، برگردید و دویست صفحه اول از جلد اول را دوباره بخوانید، این بار غرق در شاهکار این شروع خواهید شد، می‌گویید نه؟ امتحان کنید!

شما اثری را خواندید که در موردش لطیفه ساخته‌اند که جز نویسنده و ویراستار هیچ‌کس تا آخرش را خوانده است. با روزی دو ساعت وقت و البته چندروزی که یک ساعتی اضافه‌تر هم لازم‌تان شده است تا کتاب‌های قدم پنجم را مطالعه کنید، طی ۷۰ روز غول آخر ادبیات

کلاریس، شخصیت اصلی رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» همان زن پیش فرض اغلب ما زنان است، زنی که انگار جامعه، رسانه، مثل‌ها و حکایت‌ها و... هم بیشتر، می‌پسندد، زنی آرام و بی‌ادعا...



## سفر تابستانی به الجزایر

نسخه‌ای مناسب احوال کتاب‌بازها

لادن عظیمی

خبرنگار

یک چیزهایی بین کتاب‌بازها مرسوم است که فقط در میان گفت‌وگوی دو کتاب‌باز معنی پیدا می‌کند. مثل علاقه مشترک همه کتاب‌بازها به بوی کاغذ یا خرید و اضافه کردن کتابی به کتابخانه‌شان که قبلاً آن کتاب را امانت گرفته و خوانده‌اند یا خواندن کتابی در مناسبتی مخصوص که موضوع کتاب یا حداقل عنوان آن کتاب با آن مناسبت مربوط باشد. مثلاً خود من کتابی دارم که واژه بهار در عنوانش خودنمایی می‌کند و اصرار داشتم که کتاب را در بهار بخوانم حال آنکه کل ماجرای کتاب در زمستان اتفاق می‌افتد! خلاصه اینکه اگر شما هم به این امراض ناشناخته کتاب‌بازها دچار هستید



برای مطالعه تابستانی دنبال کتاب می‌گردید؛ کتاب «تابستان» آلبیر کامو می‌تواند گزینه مناسبی برای شما باشد. «تابستان» کتابی شامل هشت جلد است که کامو آنها را در سال ۱۹۵۴ از انتشارات گالیمر منتشر کرد. این کتاب در ایران با ترجمه جواد فریدی و امیر لاهوتی از نشر جامی منتشر شده است. مایه اصلی این جستارها خاطرات کامو در اقامت یک ساله و نیمه او از پایان سال ۱۹۴۰ تا تابستان ۱۹۴۲ در الجزایر است. او با مقایسه دو شهر اوران و الجزیره مسائل زیستی، تاریخی، فرهنگی جدی‌ای را مطرح می‌کند. کامو از این نگاه نقیبه‌ها مسائل اجتماعی الجزایر می‌زند و با تکیه بر دانش اسطوره-شناسی سعی می‌کند اسطوره‌های شخصی خلق کند که از فرهنگ و شرایط زیستی الجزایر تغذیه می‌کند و پرور می‌شود.

مایه اصلی این جستارها خاطرات کامو در اقامت یک سال و نیمه او از پایان سال ۱۹۴۰ تا تابستان ۱۹۴۲ در الجزایر است. او با مقایسه دو شهر اوران و الجزیره مسائل زیستی، تاریخی، فرهنگی جدی‌ای را مطرح می‌کند



رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» و آبادان گرم‌گرمش

## سایه‌ها می‌دانند که چه تابستانی است

الهام اشرفی

نویسنده

در ذهنم هست. کلاریس که آن همه خلق و خوی درونی و شهری دارد، حالا با این همه ملخ چه باید بکند؟ آنچه کلاریس نمی‌داند این است که بنا به اقلیم گرم آبادان این هجوم ملخ‌ها برای اهالی بومی بسیار آشناست. ملخ‌ها را ظرف چند دقیقه دخترکان و پسرکان بومی جمع می‌کنند و با خودشان می‌برند، برای تهیه غذا! فضا سازی و جغرافیای آبادان، گرمی هوا، غذاها و ادویه‌هایی که در بازار آبادان به فروش می‌رسد، همه بسیار ملموس تصویر شده‌اند، از آنجایی که نویسنده خودش متولد آبادان است، در واقع جز این انتظاری نمی‌شد داشت!

آنچه در این رمان برای خوانندگان در یادها ماند این نکته بود که پسرزاد جز اولین نویسنده‌هایی بود که حضور شخص دوم را، در واقع مرد دومی را در زندگی یک زن متأهل پررنگ کرد. آنچه در حین خواندن رمان به خواننده القا می‌شود، تنهایی کلاریس است که در روزمرگی‌ها حل می‌شود. بچه‌ها و حتی همسرش او را در جایگاه یک کمک‌کننده و رتق و فتق‌کننده امورانشان می‌نگرند و وقتی پای «امیل» شخصیت مردی که پدری مجرد است در همسایگی آنها باز می‌شود، کلاریس انگار شور و شوقی تازه پیدا می‌کند. امیل تمام توجه و تمرکز کلاریس را به خود جلب می‌کند. بعدها از این دست درون‌مایه‌ها در آثار ادبی و نیز سینمایی بسیار دیده شد. ولی رمان «چراغ‌ها...» در این راه از اولین‌ها بود.

کلاریس، شخصیت اصلی رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» همان زن پیش فرض اغلب ما زنان است، زنی که انگار جامعه، رسانه، مثل‌ها و حکایت‌ها و... هم بیشتر می‌پسندد، زنی آرام، بی‌ادعا، بی‌شکایت کردن، مطیع، فداکار، بسیار مادر و هر صفتی از این دست که فکر کنید. رمان در سال ۱۳۸۰ چاپ شد و بعد از گذراندن آن دهه جنگ ایران و عراق و در دورانی که دیگر فصل قصه‌ها و رمان‌هایی با طرح جلد‌های دختر پسر و قصه‌هایی رویاگونه و عشق‌های سطحی سر آمده بود، حالا رمان «چراغ‌ها...» مورد اقبال قرار گرفت و پشت سرهم چاپ‌های متعدد شد. خیلی‌ها شروع کردند به خرده گرفتن به درون‌مایه رمان که فقط روایت روزمرگی‌ها و بشو و بساب‌ها و آشپزی کردن‌های یک زن خانه‌دار است و دیگر هیچ؛ ولی رمان فقط این نیست.

زویا پسرزاد با خلق شخصیت کلاریس، شخصیتی از زنی مطیع و مادری فداکار را در ادبیات ایران خلق کرد، که نشانه‌هایی از همه‌مان داشت. زنی که قدرت و جسارت گفت‌وگو و ایجاد تغییر در زندگی روزمره خسته‌کننده‌اش را نداشت، زنی که هر شب چراغ‌های خانه‌اش را خاموش می‌کرد و بی‌اینکه بتواند رابطه‌ای با اعضای خانواده، حتی با همسرش، برقرار کند می‌خواست و آماده و شد برای روز بعد و شروع روزمرگی‌های تکراری بعد. آنچه بهانه‌ای شد برای نوشتن این یادداشت، فضای جغرافیایی رمان بود؛ شهر آبادان در دهه چهل. آبادانی که گرچه همیشه گرم است و تابستانی و شاید برخی اوقات بهاری، اما در سال‌هایی به خاطر پالایشگاه نفت بزرگ و معروفش و به خاطر تردد مهندسان و کارمندان شرکت نفت، حساسی رونق گرفت. کلاریس و خانواده‌اش نیز به خاطر شغل همسرش در شهرک کارکنان نفت در آبادان مستقر هستند. کلاریس با شهر، اهالی بومی و آب‌هوایش چندان ارتباط برقرار نمی‌کند و شاید به این دلیل است که بیشتر اوقاتش را به خانه‌داری می‌گذراند. هنوز هم آن صفحاتی که کلاریس صبح در را که باز می‌کند، با انبوهی از ملخ‌هایی که در هوا، جلوی خانه، خیابان، لای درخت‌ها و هر جا که چشم کار می‌کند در حال بیربیر هستند، روبه‌رو می‌شود، از تصاویر به یادماندنی



شخصیت پردازی کلاریس است. پسرزاد با نوشتن این رمان سعی نکرده که راهکاری برای درگیری‌های بخش زیادی از زنان به امور خانه و خانه‌داری نشان بدهد. نویسنده فقط بخش‌هایی از زندگی یک زن به‌ظاهر مدرن را نشان داده است، اما در درونش زنی است و ابسته. کلاریس در پایان رمان، باز هم همان زن اول رمان است، که تنها در خودش و در ذهنش، خودش را در یک موقعیت عاشقانه دست‌نیافتنی قرار داده است و بعد دوباره در انتها خودش است و آن شهر بزرگ گرم و خشک، رمان «چراغ‌ها...» تا به امروز هم جزو رمان‌های پر فروش در کتابفروشی‌هاست و هنوز هم خواندنی است.

گرم است و تابستانی و شاید برخی اوقات بهاری، اما در سال‌هایی به خاطر پالایشگاه نفت بزرگ و معروفش و به خاطر تردد مهندسان و کارمندان شرکت نفت، حساسی رونق گرفت. کلاریس و خانواده‌اش نیز به خاطر شغل همسرش در شهرک کارکنان نفت در آبادان مستقر هستند. کلاریس با شهر، اهالی بومی و آب‌هوایش چندان ارتباط برقرار نمی‌کند و شاید به این دلیل است که بیشتر اوقاتش را به خانه‌داری می‌گذراند. هنوز هم آن صفحاتی که کلاریس صبح در را که باز می‌کند، با انبوهی از ملخ‌هایی که در هوا، جلوی خانه، خیابان، لای درخت‌ها و هر جا که چشم کار می‌کند در حال بیربیر هستند، روبه‌رو می‌شود، از تصاویر به یادماندنی



کتاب‌های خاطره‌ساز، است. او که در روستای سیرج کرمان متولد شده و در آنجا رشد کرده و روزگار جوانی را در تهران گذرانده است؛ در این اثر به آن سال‌ها سفر می‌کند و خاطراتش را به ترتیب زمان وقوع بازتعریف می‌کند. زبان کتاب سلیس و ساده است. نویسنده ما از رنج‌های بسیاری که در سال‌های کودکی و نوجوانی تحمل کرده است نیز حرف می‌زند اما آن خاطرات تلخ را چنان با زبانی بذله‌گو و شیرین بیان می‌کند که تلخی حادثه در خاطر نمی‌ماند و آنچه پررنگ می‌شود، پیروز شدن بر سختی‌ها و رنج‌هاست. این کتاب از معدود کتاب‌هایی است که من خواندنش را به همه، با هر سن و سلیقه‌ای، توصیه می‌کنم. حتی به شما دوست عزیز.

## پناهی برای رفع خستگی

خاطرات شیرین نویسنده‌ای که قصه گفتن بلد است

یک وقت‌هایی آدم دلش می‌خواهد در روزهای بلند تابستان فارغ از تمام دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و دلشوره‌ها، فارغ از تمام مفاهیم سنگین و عجیب و غریب کتاب‌ها و فارغ از تمام دعوای به کتابی پناه ببرد که او را در دنیای ساده‌اش غرق کند؛ کتابی که او را با خود به عالمی ببرد که تلخ‌کامی‌ای هم اگر درونش باشد؛ به سرعت محو شدن کینه‌ها از قهرهای کودکی، زوده شود و از بین برود و راز این احساس در همین واژه «کودکی» نهفته است. اصلاً کلمه تابستان با کودکی گره خورده است. با آفتاب و دویدن و رهایی.

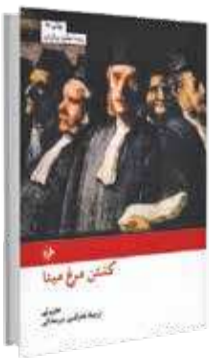
«شما که غریبه نیستید» کتابی است که تمام اینها را در خود دارد، کتابی که به نوعی زندگی-نامه خودنویسته هوشنگ مرادی کرمانی، خالق رمان در خدمت درون‌مایه و شخصیت پردازی کلاریس است.

«شما که غریبه نیستید» کتابی است که تمام اینها را در خود دارد. از تابستان و آفتاب گرفته تا دویدن و رهایی و سادگی و کودکانه زیستن. خلاصه می‌خواهم بگویم اینکه این کتاب پناه خوبی است برای فراغت از همه چیز و همه کس.

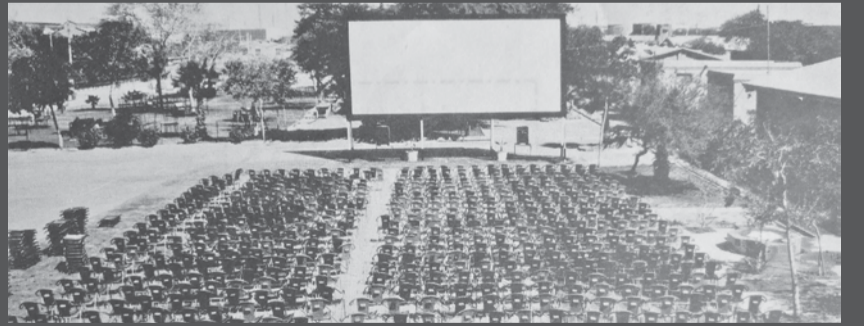
## ترکیب تلخی و شیرینی

یکی از جدی‌ترین مشکلات امریکا از زبان راوی پنج ساله

احتمالاً برای شما هم پیش آمده که حداقل یکی از تعطیلات تابستانی سال‌های کودکی‌تان پر ماجرا بوده باشد و تا سال‌ها خاطراتش را با خود حمل کنید، و اتفاقاً منظور ما از ماجرا صرفاً اتفاقات خوب و شیرین نیست. یا حتی ممکن است بیکاری روزهای خلاصی از مدرسه شما را به ماجراجویی و خلق حوادث عجیب و غریب سوق داده باشد و حالا از مرور آن اتفاقات لبخند قاب صورتتان را پر کند. ماجراهای کتاب «کشتن مرغ مینا» در یک تعطیلات تابستانی اتفاق می‌افتد. «هارپر لی» بانوی نویسنده امریکایی در این معروف‌ترین اثر خود دو داستان را به موازات هم از زبان دختری پنج ساله به نام «اسکات فینچ» روایت می‌کند. اسکات که دختر یک وکیل سفید پوست به نام



ماجراهای کتاب «کشتن مرغ مینا» در یک تعطیلات تابستانی اتفاق می‌افتد. «هارپر لی» بانوی نویسنده امریکایی در این معروف‌ترین اثر خود دو داستان را به موازات هم از زبان دختری پنج ساله به نام «اسکات فینچ» روایت می‌کند



سینما تابستانی باشگاه آبادان / دهه چهل خورشیدی

پسرزاد با نوشتن این رمان سعی نکرده که راهکاری برای درگیری‌های بخش زیادی از زنان به امور خانه و خانه‌داری نشان بدهد. نویسنده فقط بخش‌هایی از زندگی یک زن به‌ظاهر مدرن را نشان داده است، که با وجود ظاهر مدرنش، اما در درونش زنی است و ابسته



نمای هوایی از موزه آبادان / دهه چهل خورشیدی



نمای هوایی از آبادان / دهه چهل خورشیدی



سکاتس کشتن مرغ مینا

## حمله‌ای سفت و سخت به قله‌های مترجمی در تابستان

# یک مترجم جوان در تابستان چه باید بخواند؟

فاطمه منصوری نصرآباد

مترجم

توجه به آن در حوزه تاریخ ترجمه، فوت‌وفن ترجمه، زبان‌شناسی، واژه‌گزینی، نویسندگی و سبک‌های نوشتن و البته ویراستاری و درست‌نویسی معرفی کنم.

خوب که فکر کردم دیدم اکثر متن‌هایی که کتاب‌هایی درباره ترجمه معرفی کرده‌اند صرفاً به مسأله آموزش و فنون ترجمه اشاره کرده‌اند، تصمیم گرفتم ابعاد دیگر ماجرا را هم در نظر بگیرم و با

در ارتباط با بخش‌های «گمشده در ترجمه» که تقریباً هر شماره داشتیم قرار است در این صفحه کتاب‌هایی برای مترجم‌ها معرفی کنم که تابستان را به آنها اختصاص بدهند.

راستا کتاب «نکته‌های ویرایش» علی صلح‌جو می‌تواند کتابی مناسب برای شروع کار باشد. این کتاب تجربه چندین ساله علی صلح‌جو در رشته ترجمه و زبان‌شناسی است و سعی شده به ساده‌ترین شکل ممکن نکات مهم رسم‌الخط، پانویس، نمونه‌خوانی، نشانه‌گذاری، مأخذ‌گذاری، فرهنگ‌نویسی در کتاب گنجانده شده است. اگر کتاب نکته‌های ویرایش را خواندید و دنبال کتاب دیگری هستید پیشنهاد من «آموزش ویراستاری و درست‌نویسی» اثر حسن ذوالفقاری است.

اگر مترجم ذره‌ای به کار ویرایش علاقه داشته باشد حتماً اصطلاح ویرایش ساختاری و فنی به گوشش خورده است؛ این کتاب هم از دو بخش ویرایش ساختاری زبان و ویرایش فنی تشکیل شده. جدا از بیان ساده و قابل‌فهم تمرین‌ها و نمونه‌هایی که برای هر مبحث ذکر شده کمک می‌کند مطلب آموخته شده تثبیت شود و در نهایت فکر می‌کنم آشنایی با زبان‌شناسی و تاریخچه زبان هم یکی از ملزومات کار ترجمه است. کتاب «تاریخ زبان» یکی از کتاب‌های جالب و شیرین در این حوزه است.

اینکه آوای زبان یا انواع مختلف زبان چیست یا تغییراتی که زبان در طول سالیان سال داشته علاوه بر اینکه می‌تواند در آینده به کار مترجم بیاید بسیار هم جذاب است.

اما مهم‌ترین دلیلی که این کتاب را به دیگر کتاب‌های زبان‌شناسی ترجیح دادم فصل‌هایی است که به زبان آریایی و ایرانی اختصاص داده است. دانستن تغییراتی که زبان ایرانی داشته و قرابت‌هایش با دیگر زبان‌ها الحق که جالب است!

فولادوند، مهدی سحابی، رضا سید حسینی، صفدر تقی‌زاده، نجف دریابندری، عبدالله کوثری و کامران فانی هفت مترجمی هستند که هم مسیر زندگی و کاری‌شان را تعریف کرده‌اند و هم به نکاتی درخور توجه اشاره کرده‌اند. کتاب «بوطیقای ترجمه» کتابی درسی و دانشگاهی است و کمتر معرفی شده است؛ اما به نظر من خواندن مباحث مطرح شده در کتاب می‌تواند دید متفاوتی به مترجم بدهد.

میلان کوندرا زمانی درباره ترجمه‌های کتاب «شوخ» می‌گفت رمان را که باز کردم دیدم قسمت تک‌گویی‌های هلنا که هرکدام به یک پاراگراف می‌رسید به جمله‌های ساده و کوتاه تبدیل شده است.

نویسندگان دیگری با جملات مشابهی ناراضیتی خودشان را از ترجمه آثارشان اعلام کرده‌اند، فصل‌های مختلفی از این کتاب (خصوصاً فصل عناصر داستان) کمک می‌کند نشانه‌های زیباشناختی و فونونی که نویسنده استفاده کرده شناخته شود که در راستای آن دست به ترجمه‌ای در خور زد. کتاب «ترجمه کاوی» از بهاء‌الدین خرمشاهی فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین کتاب‌هایی باشد که در این بخش معرفی می‌کنم. جدا از گفت‌وگوها و نکات مختلف درباره هنر ترجمه، به نظر من سه بخش مهم دارد. یکی اینکه اصولاً کتاب به بررسی ترجمه از زبان عربی و انگلیسی‌به‌فارسی پرداخته که می‌تواند گزینه خیلی خوبی برای مترجمان ادبیات عرب باشد.

دوم اینکه بخشی از کتاب به ترجمه متون دینی و مذهبی اختصاص دارد که من در کتاب‌هایی که خواندم کمتر دیده‌ام و بخش سوم هم مربوط به مقایسه فرهنگ‌های عربی/انگلیسی - فارسی بود که در خلال این مقایسه نکته‌های جالب‌توجهی آورده شده و حتی واژه‌گزینی نیز در این بحث قرار داده شده است.

### مطالعه جانبی ضروری برای یک مترجم

درباره واژه‌گزینی صحبت کردم. بخشی از کلمه‌های جدیدی که وارد زبان فارسی می‌شود از طریق مترجمان و آثار آنها است در همین راستا دانستن حداقلی اصول انتخاب واژه و چگونگی واژه‌سازی از واجبات است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی کتابی تحت عنوان «الگوهای ساخت‌واژه در زبان فارسی» منتشر کرده و خواندن آن اصول مهم ساخت‌واژه در زبان طبیعی فارسی معیار را آموزش می‌دهد و یک مترجم می‌تواند از نکات آن بهره‌های زیادی ببرد. دانستن اصول ویراستاری و نشانه‌گذاری در فارسی هم یکی دیگر از مهارت‌هایی است که نیاز است مترجم با آن آشنایی داشته باشد. در همین

کامل‌تر از آن «فرهنگ درست‌نویسی سخن» است. در این فرهنگ به ترتیب حروف الفبا کاربرد کلمات مختلف و حتی حروف اضافه و جایگاه آنها در جمله آمده است. بخشی از این فرهنگ هم به بررسی معانی، کاربردها و مثال‌هایی برای واژگانی هم آوا آمده است که مطمئناً برای من و شمای مترجم مفید خواهد بود.

کتاب «فرهنگ فارسی عامیانه» را حتماً در لیست خریدتان بگذارید! کتابی جامع درباره زبان عامیانه که تقریباً برای همه مدخل‌ها شاهد مثال‌هایی از آثار مختلف فارسی زده شده است. فکر می‌کنم یک دلیل اینکه در ترجمه‌های ادبی جدید، زبان «فارسی» مثل گذشته نیست و گاهی با جملات عجیب غریبی مواجه می‌شوید همین باشد که مترجم با زبان عامیانه (منظور واژگان اصطلاحات غیررسمی یک‌زبان است) آشنا نیست. مراجعه کردن به این کتاب می‌تواند برای انتخاب معادل‌های مناسب کمک بزرگی باشد.

فرهنگ دیگری که فکر می‌کنم مطالعه و داشتن آن واجب است «فرهنگ موضوعی فارسی» است. فرض کنید برای کار ترجمه‌تان دنبال واژه‌های هم‌خانواده یا مشابه برای یک موضوع یا مفهوم می‌گردید. چنین فرهنگ لغتی واژه‌ها، اصطلاحات و کنایه‌ها و استعاره‌هایی را که ذیل یک مفهوم قرار می‌گیرند یکجا دسته‌بندی و معرفی کرده است.

### حالا درباره خود ترجمه چه بخوانید؟

کتاب‌های جالب و خوبی با محوریت ترجمه چاپ شده است. کتاب «از گوشه و کنار ترجمه» کتابی کم‌حجم اما مفید است که موضوعات و چالش‌های مختلفی که ممکن است در ترجمه پیش بیاید را خیلی کوتاه و گاهی حتی با مثال بیان کرده است. موضوعاتی مثل ترجمه‌پذیری/ناپذیری یک اثر، غلط‌های ترجمه، ابهامات، تأثیرات فرهنگی، انسجام متن‌ها، تأثیر زبان مادری، تابوها و واژه‌گزینی برای آنها همه را می‌شود در این کتاب پیدا کرد. مخاطبان زیادی معتقدند که کار مترجم این است که متن مبدأ را بخواند و کلمه‌به‌کلمه و جزء‌به‌جزء آن را به فارسی ترجمه کند و اصطلاحاً هم به این کار می‌گویند امانت‌داری در ترجمه! علی صلح‌جو در کتاب «گفت‌مان و ترجمه» همین موضوع را انتخاب کرده و درباره چندیچون آن صحبت‌هایی کرده و مسائلی را ارائه داده که مترجم و حتی خواننده عادی نیز بعد از خواندن آن به فکر فرومی‌رود.

اصلاً این ترجمه کلمه‌به‌کلمه چرا کار اشتباهی است؟ چرا نمی‌شود تمام متون را این‌گونه ترجمه کرد؟ بعد از خواندن این کتاب حتماً به جواب این سؤال‌ها خواهید رسید. کتاب «گفت‌وگو با مترجمان» یکی از کتاب‌های شیرینی است که می‌شود دست‌گرفت و شروع به خواندن کرد. نویسنده با هفت مترجم به گفت‌وگو پرداخته که علاوه بر نظرهایشان درباره خود ترجمه و اینکه آیا ترجمه امری خلاق است یا خیر؟

راجح به ویژگی‌های ترجمه هر یک و کیفیت‌سنجی ترجمه خوب هم سؤالاتی پرسیده است. عزت‌الله

### ترجمه در ایران چه مسیری را طی کرده است؟

اینکه بشر از چه زمانی شروع به ترجمه کرد و اینکه ترجمه‌ها چه تأثیری روی یک جامعه داشتند بخش جالبی از ماجرای کاری یک مترجم است. در ایران دو کتاب خوب درباره تاریخ ترجمه و تأثیر ترجمه کتاب بر ادبیات فارسی نوشته شده است. کتاب «تاریخ ترجمه در ایران» بدون شک یکی از جالب‌ترین کتاب‌های این لیست است. عبدالحسین آذرنگ از ایران باستان و عصر مادها شروع کرده و تا پایان دوره قاجار تمام نکات و اتفاقات مهمی که در حوزه ترجمه وجود داشته را نگاشته است. جنبش‌های عصر ساسانیان و ترجمه آثار بزرگی که در آن دوره به فارسی برگردانده شدند همگی در کتاب بررسی شده‌اند. ترجمه قرآن یکی از بزرگ‌ترین اتفاقات در تاریخ ترجمه در ایران بود و در نهایت این کتاب به ظهور میرزا حبیب اصفهانی و تحولات جدید در عصر قاجار و ناصری می‌پردازد. کتاب «درآمدی بر تأثیر ترجمه رمان بر رمان فارسی» به طور خاص به رمان‌های ترجمه شده در عصر مشروطه و تأثیر آن بر پیدایش رمان‌های فارسی و تأثیراتی که متون غربی روی آن گذاشتند پرداخته است. بخش قابل‌توجهی از کتاب هم تأثیر ادبیات ترجمه شده رنالیسم جادویی مثل «صدسال تنهایی» را بر رمان فارسی بررسی کرده است. در کل این کتاب آثار مهمی که به فارسی ترجمه شدند و تأثیری را که روی نویسنده‌های مطرح گذاشتند بررسی کرده است.

### فرهنگ‌های جامعی که یک مترجم نیاز دارد

این بخش به دودسته تقسیم می‌شود؛ دانشنامه‌هایی که برای مطالعات ترجمه مفید هستند و فرهنگ‌های جامعی که ممکن است به کمک مترجم بیاید.

#### دسته اول

«دایرةالمعارف مطالعات ترجمه» یکی از کامل‌ترین منابع برای بررسی و خواندن مفاهیم مختلف مطالعات ترجمه است. رویکردهای مختلف زبانی، جامعه‌شناختی و... همگی خیلی مفصل و کامل در این کتاب شرح داده شده‌اند.

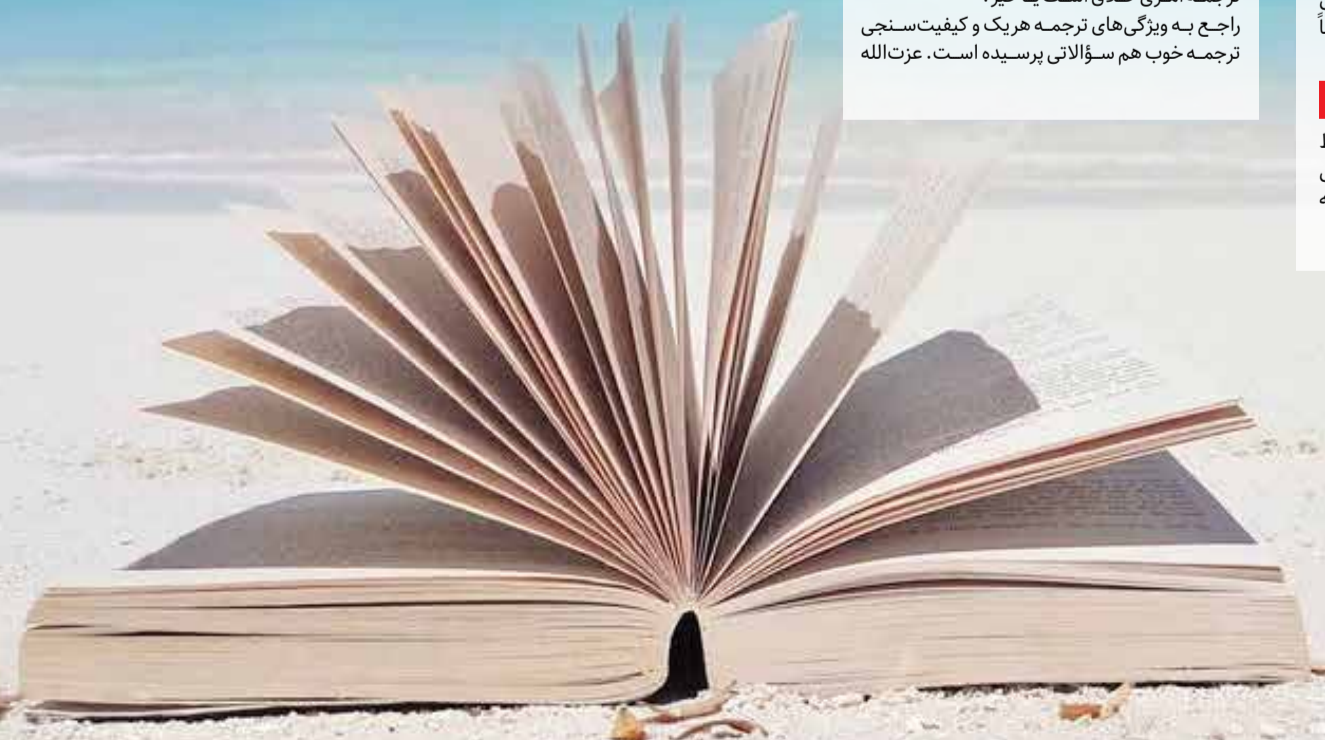
مسأله جنسیت، مفاهیمی مثل فرهنگ، هنرها و تغییرات بیان، نظریه‌های مهم ترجمه و حتی نکاتی درباره ترجمه کتبی و شفاهی و حتی توضیحاتی اساسی درباره ترجمه ادبی و ترجمه ماشینی کاملاً در این دایرةالمعارف بررسی شده‌اند. پیشنهاد می‌کنم اگر قرار است به‌طورجدی ترجمه کنید و آن را ادامه دهید نیم‌نگاهی به این کتاب بیندازید. نشر علمی کتابی با نام «فرهنگ جامع مطالعات ترجمه» چاپ کرده است. این کتاب فرهنگ انگلیسی‌به فارسی مطالعات ترجمه و اصطلاحات مختلف مربوط به این رشته است. در کنار معادل فارسی اصطلاحات و واژه‌ها توضیحی نیز درباره آن ارائه شده است. چنین فرهنگی برای مترجمانی که قصد پژوهش و مطالعات بیشتری دارند واقعاً مفید است.

#### دسته دوم

فکر می‌کنم کمتر کسی اسم کتاب «غلط‌نویسیم» را نشنیده باشد. من هم قصد معرفی این کتاب را ندارم؛ اما مشابه این کتاب و البته



مخاطبان زیادی معتقدند که کار مترجم این است که متن مبدأ را بخواند و کلمه‌به‌کلمه و جزء‌به‌جزء آن را به فارسی ترجمه کند و اصطلاحاً هم به این کار می‌گویند امانت‌داری در ترجمه! علی صلح‌جو در کتاب «گفت‌مان و ترجمه» همین موضوع را انتخاب کرده و توضیح می‌دهد چرا این دیدگاه درست نیست





برای شما بچه‌های گل دانش آموز، تابستان واقعاً باقی سال فرق دارد. حالا هم که فرق دارد ما تصمیم گرفته‌ایم که چندتایی کتاب برایتان با حال و هوای تابستانی معرفی کنیم که بنشینید زیر کولر، هندوانه و خربزه و طالبی و هلو و شلیل بیاورید، با یک تی شرت نخ و لباس راحت ولو بشوید و شروع کنید به مطالعه این کتاب‌های خوشمزه و خوشخوان. بعدش هم اگر دوست داشتید نظراتان را در مورد کتاب‌ها برایمان بفرستید که با نام خودتان منتشر کنیم. به به!

### تابستان قوها

#### مأموریت تابستانی پیدا کردن خود

معصومه فراهانی  
آموزگار



دیدن قوها از خانه بیرون می‌رود و در جنگل گم می‌شود. سارا به همراه دوستش مأموریت گشتن را شروع و چارلی را پیدا می‌کند. در این جست و جوست که سارا خودش را هم پیدا می‌کند. تابستان قوها داستان سرگشتگی‌های دوران نوجوانی و کشمکش‌های درونی سارا با خود، دوستان و با شرایط خاص زندگی‌اش است. زبان داستان بسیار دلنشین و تأثیرگذار است و با لحن طنزی که دارد، لبخند بر لب خوانندگانش می‌آورد و امید به آینده را در آنها زنده می‌کند.

سارا یک دختر نوجوان ناراضی است! ناراضی که می‌گویم یعنی از همه دنیا ناراضی. چیزی در زندگی نیست که برایش دلنشین و خوشحال کننده باشد و نسبت به همه چیز زندگی‌اش غر می‌زند. سارای ۱۴ ساله با برادر، خواهر و عمه‌اش در خانه‌ای ویلایی در کنار دریاچه کوچکی زندگی می‌کنند. سارا برادرش چارلی را که ۱۰ سال دارد و دچار معلولیت ذهنی است به کنار دریاچه و تماشای قوها می‌برد. چارلی به قدری شیفته قوها می‌شود که نیمه‌شب برای



### ماجرای باورنکردنی تابستان من

#### خیال‌های رنگی تابستانه

زهره بزرگ‌زاده  
روانشناس کودک



قبلاً در ستایش خیال‌پردازی در این جابسیار نوشته‌ام. «ماجرای باورنکردنی تابستان من» نوشته دیوید کالی و ترجمه رضی هیرمندی است که نشر فندق آن را منتشر کرده. این کتاب در مورد کودکی است که تابستان خیال‌انگیزی را گذرانده و اتفاقات عجیبی برایش افتاده و به دنبال گنج، تمام دنیا از چین تا مصر را گشته است. معلم او مثل تمام معلم‌ها روز اول بازگشایی مدرسه‌ها از او می‌پرسد که تابستانش را چطور گذرانده و او در جوابش یک داستان باورنکردنی تعریف می‌کند. طبق معمول معلم باور نمی‌کند اما این بار... این کتاب نقاشی‌های جذابی دارد و بدون اشاره به نام هر کشور، تصویری از جای جایی جهان را آورده و شما می‌توانید با کودکان سنین دبستان، این کتاب را به صورت تعاملی بخوانید و از طنین انداختن بانگ «حوصله‌ام سر رفته‌ها...» در خانه، جلوگیری کنید!



### ننه یخی، پسر و تابستان

#### سلام سبز پسته‌ای، خداحافظی سفید یخی

معصومه فراهانی  
آموزگار



فصل پروانه‌ها بود، هانی تور به دست از در و دیوار بالا می‌رفت و دنبال شکار پروانه‌ها بود که ناگهان از بالای دیوار پرت شد پایین. بعد از آن ضربه مغزی دنیای هانی رنگی شد. وقتی آدم‌ها از کنارش رد می‌شدند و صحبت می‌کردند حرف‌های آن‌ها را رنگی می‌دید. حرف‌های خوب روشن و حرف‌های پر دغل و دروغ تیره. همان روزها بود که هانی با ننه یخی آشنا شد، کسی که همه حرف‌هایش روشن بود اما گرد غم روی کلماتش نشسته بود. او عزیزانش را گم کرده بود و هانی می‌خواست به او کمک کند گمشده‌هایش را پیدا کند تا گرد غم از حرف‌های روشنش پاک شود.



### تابستان اردک ماهی

#### ماجرای یک تابستان سرد و غمگین

فائزه جعفری  
دانش آموز کلاس دهم



تابستان امسال شبیه به هیچ تابستانی نیست. گیزلا، مادر دانیل و لوکاس بیمار است و تمام مدت استراحت می‌کند، سرگیجه دارد و نمی‌تواند حتی چند قدم ساده بردارد. دانیل فکر می‌کند اگر بتواند اردک ماهی توی رود را شکار کند مادرش خوب خواهد شد. اما آنا می‌داند که اینطور نیست و دلش می‌خواهد بتواند جلوی این اتفاق را بگیرد. «یوتا ریشتر» داستان را از زبان آنا تعریف می‌کند. آن هم با شروعی خوب. یعنی وقتی آنا فکر می‌کند این تابستان آخرین تابستان‌هاش است. یوتا به خوبی رابطه بچه‌ها و پدر و مادرشان، تنهایی‌شان، دل‌تنگی‌هایشان و حسادت‌هایشان را نشان می‌دهد. نثری آرام، دلپذیر و روان. تابستان اردک ماهی قصه تلاش برای حفظ چیزهایی که دوستشان داریم، تلاشی همراه با امید. در نهایت آن چیز که ما را به ادامه زندگی تشویق می‌کند همین است: امید!



### تابستانی به رنگ اقیانوس

#### فصلی برای تغییر

لادن عظیمی  
خبرنگار



جوجو، همه ذهن و فکر کت را پر کرده. از وقتی بابا از دنیا رفت و مادر مجبور شد برای گذران زندگی، بیشتر کار کند، مسئولیت جوجو روی شانه دختر نوجوان خانواده افتاد. جوجو برادر کوچکتر کت است و اتفاقاً بچه سختی هم هست با مشکلات خاص خودش. مادر مجبور می‌شود آن دو را برای مدتی پیش پدر بزرگ و مادر بزرگشان بگذارد ولی کت با این تصمیم موافق نیست چون آن دو برایش غریبه‌اند. ولی این تابستان در کنار دو غریبه، فرصتی می‌شود که کت خودش را بهتر بشناسد و رابطه‌های غلطی را که در زندگی‌اش شکل گرفته، اصلاح کند. دوغریه‌ای که برخلاف تصور کت، تبدیل به بهترین آشنایان و همراهان زندگی کت می‌شوند. سونتیر: جوجو، همه ذهن و فکر کت را پر کرده. از وقتی بابا از دنیا رفت و مادر مجبور شد برای گذران زندگی، بیشتر کار کند، مسئولیت جوجو روی شانه دختر نوجوان خانواده افتاد.



### کتاب تابستان

#### سفر دو نسل متفاوت به جزیره ای متفاوت

معصومه فراهانی  
آموزگار



«کتاب تابستان» نوشته «تووه پانسون» داستان یک فرصت بزرگ است، یک فرصت جذاب و بی‌نظیر که هر کسی با کارهای مورد علاقه‌اش آن را پر می‌کند. سوفیا و پدر و مادر بزرگش هم تصمیم می‌گیرند این فرصت جذاب را جذاب‌تر بگذارند. این است که یک برنامه سفر بچینند. سفر به کجا؟ یک جزیره دنج در خلیج فنلاند، جایی که پر است از گیاهان جدید، حیوانات عجیب و طبیعت تازه و دست نخورده. رابطه سوفیا و مادر بزرگ عجیبش در این سفر هیجان‌انگیز پراکتشاف بیشتر از گذشته صمیمی و صمیمی‌تر می‌شود. با اینکه این کتاب در سال ۱۹۷۲ به چاپ رسیده اما هنوز هم زنده و پر شور و خواندنی است و ما را در سفر نوه و مادر بزرگ شریک می‌کند. این کتاب در سال ۱۹۹۶ برنده جایزه «هانس کریستین آندرسن» شده است و برای نوجوانان دوره دوم متوسطه مناسب است.



### چند قاچ هندوانه خنک!

#### داستان‌های گرم یک نوجوان جنوبی که الان معلم شده است

مصطفی جواهری  
آموزگار



«قصه‌های تابستان» کتابی است هندوانه‌ای! جلدش را که نگاه می‌کنی ته حلقه خنک می‌شود و شیرینی و تردی گل قرمز رنگ هندوانه می‌آید توی دهانت. خانم دریا چوبین که خودش معلم است و سر و کارش با نوجوان‌هاست، پنج تا داستان برای این کتاب نوشته است اما داستان‌هایی از نوجوانی خودش؛ وقتی که خودش در سن و سالی بوده که گاهی اوقات بزرگ‌ترها حسابش نمی‌کرده‌اند. داستان‌ها، از یواشکی کتاب‌خواندن‌های نویسنده جنوبی شروع می‌شود و می‌رسد به هدیه گرفتن کتاب قصه‌های مجید و بعدترش بازی‌ها و سرگرمی‌های تابستانه یک دختر نوجوان و احضار روح در مطبخ دودی در خانه قدیمی مادر بزرگ و شیطنت پسرهای فامیل. قصه‌های تابستان را یک بزرگسال امروزی نوشته از نوجوانی‌های دیروزش، اما جان می‌دهد که زیر باد خنک کولر بنشینید و تکه‌ای هندوانه شیرین به سر جنگال بزنید و همان‌طور که دارید ملج و ملج می‌کنید و آب هندوانه را از گوشه لب‌هایتان پاک می‌کنید، بخوانیدش.



به هر دلیلی نیست و پسرش که ترجیح می‌دهد دانسته‌هایش را به کسی نگوید.

جدا از داستان مامان گمشده، اتفاقات دیگری هم افتاده که زندگی الان جیبسی مثل یک جهنم می‌ماند. زیر آن موهای طلایی خوشگل و بلند که همه به آن حسودی می‌کنند، یک دختر ۱۲ ساله ترسیده است. وودرو جیبسی در روزهای گرم تابستان همدیگر را پیدا کرده و با هم راجع به دلایل این اتفاقات صحبت می‌کنند؛ حقایقی راجع به گذشته می‌فهمند که دلیل شرایط زندگی الان‌شان است. داستان در شهر ساده و کوچکی می‌گذرد. روزهای معمولی اما ماجراهایی نامعمولی؛ در واقع «روت وایت» از وقایع روزمره، داستان‌های پرکشش می‌آفریند و خواننده را به خوبی با خودش همراه می‌کند.



### نگاهی به کتاب پسر خاله وودرو

#### معمای داغ وسط تابستان

مهديه سبط نبي  
دانش آموز کلاس دهم



داستان با یک معما شروع می‌شود: مامان وودرو کجاست؟ وودرو تا روشن شدن موضوع پیش مادر بزرگش زندگی خواهد کرد. خانه مادر بزرگ جیبسیده به خانه خاله و دختر خاله‌اش، جیبسی، همه پلیس‌ها و روزنامه‌ها دنبال مادر وودرو هستند. ولی وودرو راه‌هایی می‌داند که به آنها نمی‌گوید. در عوض به جیبسی می‌گوید. خیلی جنایی و کاراگاهی به نظر می‌رسد. نه؟ زنی که



آن را می‌بندد؛ چون معلوم نیست که جای نیش پشه است یا اثر سمی کشنده! همه سعی می‌کنند به آنی بفهمانند که باید دست از این همه نگرانی بیجا بردارد، اما اونمی‌تواند این کار را بکند، چون دکترها می‌گفتند جرد - برادر بزرگش - هیچ مشکلی ندارد و نگرانی‌شان الکی است... اما جرد مُرد. انگار با این اتفاق تلخ، زندگی آنی هم به پایان رسیده؛ زندگی‌ای که هر روز سخت‌تر می‌شود. اما بالاخره همه چیز تغییر می‌کند. شاید همسایه جدید، همان کسی باشد که می‌تواند لذت‌بردن از زندگی را به آنی یاد دهد: باید سایه امن چتر را رها کنی تا بتوانی نور دلچسب آفتاب را در آغوش بگیری!

### می‌دانی احتمال چه خطرهایی هست!؟

#### زیر چتر دلهره

ریحانه عارف‌نژاد  
خبرنگار



«چتر تابستان» نوشته «لیسا گرف» داستان آنی ریچاردز است که با ترس‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کند. اگر یک روز آبله‌مرغان بگیرد و بمیرد چی؟ اگر موقع دوچرخه‌سواری تصادف کند چی؟ اگر حیوانات وحشی از باغ وحش فرار کنند چی؟ او مرتب باند و پانسمن می‌خرد و اگر نقطه‌ای هم روی دستش ببیند، فوراً

# زندگی

## من دلم کلاس تابستانی می خواهد

# مامان حوصله ام

اگر علاقه داشت مثل قدیم‌ها به عنوان شاگرد مغازه یا مکانیکی به صورت پاره‌وقت کار کند.

### بیشتر برنامه تابستانی ما، کار است

آقای حسینی هم که سه فرزند نوجوان دارد می‌گوید: بیشتر برنامه تابستانی ما، کار است. بچه‌های من از سوم دبستان برای تابستان سر کار می‌روند. چند سال اول پسرها در آشپزخانه کار می‌کردند و سال‌های بعد هم در فلافل، امسال هم سیدمرتضی در یک سوپرمارکت و سیداحمد در یک فروشگاه لباس فروشنده است. هر روز هشت ساعت سر کار می‌روند. سیده مریم هم که در یک کارگاه خیاطی هر روز مشغول است چون رشته تحصیلی اش هم خیاطی است. خیلی هم از کارشان راضی هستند. احساس هویت می‌کنند وقتی سر کار می‌روند.

تا قبل از اینکه وارد کار بشوند، دوسه سالی را تابستان‌ها به کلاس رایانه، طراحی، معرق و خیاطی می‌رفتند ولی دیگر کار تمام وقت را ترجیح دادند. مگر چاره دیگری هم هست؟ راهی جز این نیست. تا تجربه نکنند نمی‌فهمند. این فرصت هم فقط در تابستان دست می‌دهد. نوجوان باید کارهای مختلف را انتخاب کند که علاقه و استعدادش را بفهمد. کاش کارگاهی باز می‌شد که بچه‌ها در آنجا دوسه ماه کار می‌کردند و هر چند وقت، یکی را امتحان می‌کردند از نجاری و آهنگری گرفته تا کارمندی که به این شکل بتوانند کار مورد علاقه خود را سریع‌تر پیدا کنند. در غیر این صورت ما والدین ناگزیر هستیم که مدام فرزندمان را از این کلاس هنری به دیگری بفرستیم تا ببینیم کدام را می‌پسندد. بچه‌ها دوست دارند زودتر بزرگ شوند، این ما والدین هستیم که می‌خواهیم کودک بمانند. بچه‌ها از کارهای بزرگانه خوششان می‌آید.

فعالیت فرهنگی مساجد در تابستان خیلی زیاد بود

مجتبی پدري کارمند است و می‌گوید مقصد اول و آخر کودک نسل ما دهه شصتی‌ها در ۳۰ سال پیش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود. این کانون بیش از چهار دهه فعالیت دارد. سطح فرهنگی و اقتصادی خانواده‌های ما طوری بود که فقط از کلاس‌های مسجد و کانون پرورش فکری استفاده کنیم. فعالیت‌های کانون آنقدر تنوع داشت و کم‌هزینه بود که تمام سالیان را پوشش می‌داد.

یاد تعطیلات تابستانی ما، از کوچک تا بزرگ ممکن بود پای برنامه‌های مسجد بگذرد که اغلب فیلم‌های جنگی و انقلابی پخش می‌شد، چقدر هم با علاقه فیلم‌ها را دنبال می‌کردیم. فعالیت فرهنگی مساجد در تابستان خیلی زیاد بود. یا تنوع جمعیتی که در بچگی ما در پایگاه‌های بسیج بود، الان اصلاً وجود ندارد. الان فقط طیف خاصی از فعالیت‌های تابستانه پایگاه‌ها استفاده می‌کنند و دیگر جنبه همگانی گذشته را ندارد. ۳۰ سال پیش همه بچه‌های محل ما از کلاس‌های پایگاه بسیج استفاده می‌کردند ولی الان دید خیلی از خانواده‌ها نسبت به فعالیت‌های پایگاه بسیج تغییر کرده است.

کودکی ما در زمین فوتبال محل هم می‌گذشت، زمین فوتبالی که اهلبی مردم بود و کل پسرهای محل از جوان تا خردسال در گوشه‌ای از زمین بازی می‌کردند. هر غروب تابستان همه پسرهای محل در زمین فوتبال بودند، حتی پسرهایی که سر کار می‌رفتند هم بعد از اتمام کار به زمین فوتبال می‌آمدند. درحالی که رسیدگی هم نداشت، یعنی حتی یک چمن هم نداشت. ولی کم‌کم همان زمین فوتبال حالت خصوصی پیدا کرد و پولی شد که دقیقاً از آن زمان که خیلی‌ها نتوانستند در زمین به بهانه بازی دور هم جمع شوند، خلاف و اعتیاد در محل هم زیاد شد.

از بچه‌ها عضو کلاس‌های مسجد هستند. الان پسرم با کلاس‌های زبان انگلیسی و والیبال در این مراکز مشغول است. بدون اینکه واقعاً خبری از هزینه‌های نجومی باشد.

شادترین بخش کلاس‌های تابستانی مسجد برای بچه‌ها اردوهایش است. حتی در سال‌های اخیر کارگاه‌های مادر و کودک هم به مسجد وارد شده که به نظرم آشنایی با فضای معنوی و شاد مسجد از سنین کودکی خیلی مهم است.

برای نسل جدید که به گوشی و تلویزیون اسماست و لپ‌تاپ و ایکس‌باکس و وسایل تفریحی مجازی از سنین کودکی و به راحتی دسترسی دارد کلاس‌های حضوری و حقیقی شاید خیلی جذاب نباشد و به نظر من این نسل در آینده با بحران مهارت روبه‌رو می‌شوند. ما شاید کلاس خیاطی و شیرینی‌پزی را نیمه‌کاره رها کرده باشیم اما کارهای خیلی ساده مثل پرکردن ماسوره زیر کار خرچ خیاطی را بلدیم. می‌خواهم بگویم اگر فردا روزی مادران این نسل برای نخ کردن سوزن، دنبال اپلیکیشن بود، نباید تعجب کنیم یا اگر پدران فردا بلد نبودند پنچری ماشین بگیرند خیلی طبیعی است.

به نظر من نسل ما، نسل خودکفتری هستند به واسطه اینکه فکر می‌کردند مدیریت امورشان را باید خودشان بلد باشند، اما نسل‌های تازه بیشتر امور را برون‌سپاری می‌کنند. همین الان پسر دوم که چهارساله است، وقتی شیر یا نان نداریم می‌گوید مامان رنگ بزن اسنپ بیاورد. خب متقاعد کردن این پسر برای رفتن به نانواپی در ۱۵ سالگی قطعاً سخت خواهد بود.

کلاس‌های تابستانی در این دوره، کار و وظیفه سختی دارند چون برای آموزش هر مهارتی اول باید بچه‌ها را متقاعد کنند که این مهارت به چه کارشان می‌آید. چیزی که نسل خود متقاعد کن ما هیچ وقت از خودش نپرسید و فکر می‌کرد بالاخره هر مهارتی یک روزی به درد آدم می‌خورد. برای پسر کوچک‌ترم هنوز قطعی نمی‌توانم تصمیم برای تعطیلات تابستانش بگیرم. دوست دارم مهارتی را یاد بگیرد که علاقه و استعدادش را دارد و یک‌سری مهارت‌های عمومی دیگر مثل علوم مقدماتی رایانه، شنا و ورزش‌های سبک. از همین الان به تعمیر خودرو خیلی علاقه نشان می‌دهد و یک چیزهایی در مورد ماشین بلد است که من بلد نیستم. برای همین دوست دارم مهارت کسب و کار را هم یاد بگیرد که

تابستان؛ تاب یعنی توان و یارا، یعنی فروغ و روشنی، یعنی هُرم و گرمی. تاب یعنی صبر و شکیبایی، یعنی دوام و مقاومت، یعنی آرام و قرار. تاب یعنی طره و زلف، یعنی چین و شکن.

تابستان برای ما والدین یک طور دیگری گرم است، فرصتی است برای اینکه فتیله مهارت کودکان‌مان را بالا دهیم و شعله‌های این جریان را در دل‌شان برافروخته‌تر کنیم.

می‌خواهم این گزارش را با چند سؤال شروع کنم؛ شما با حوصله‌های سررفته در تابستان چه می‌کنید؟ تفریح مفید تابستانی چه جایگاهی در زندگی این روزهای ما و فرزندان‌مان دارد؟ چقدر به آن توجه می‌کنیم؟ پارامترهای مورد قبول‌مان برای یک تابستان سالم آموزشی و تفریحی چیست؟ تفریح‌های این روزهای ما واقعی هستند یا مجازی؟ در دنیای اطراف‌مان هستند یا در گوشی‌ها و تبلت‌های در دست‌مان؟ آن‌طور که در توصیه‌های دینی به وجود تفریح و یادگیری در بخشی از زندگی توصیه شده است، عمل می‌کنیم؟ فکر می‌کنید جای چه تابستانی در کدام قسمت‌هایی از زندگی ما خالی است؟ جواب تمام سؤالات بالا فقط دست من و شما نیست، ولی بخش زیادی از آن با خودمان است، اما اینکه دولت و دستگاه‌های مسئول در جهت‌دهی تفریحات مفید تابستانی فرزندان‌مان نقش بسزایی دارند، شکی نیست.

### به عشق تابستان که از راه برسد

زهرا می‌گوید: جمله معروفی از امام خمینی (ره) داریم که مدارس تعطیل می‌شود اما تعلیم و تربیت هرگز تعطیل نمی‌شود. برای همین تعطیلات تابستان همیشه برای خود ما هم با کلاس‌های هنری و ورزشی پر می‌شد. همیشه به قول خودم این همه مدرسه می‌رفت به عشق تابستان که از راه برسد. عده‌ای دوست دارند که برنامه‌های تابستان‌شان علمی باشد، یا پر از ساخت و ساز یا هنری باشد و پر از آفرینش. یا نایمانی‌طور بگذرانند و پای اسطوره‌ها وسط بیاید. عده‌ای هم دوست دارند از صخره بالا بپرند یا فرود بیایند. نظرها خیلی متفاوت است.

در سال‌های اخیر دوره‌های کوتاه تابستانه با موضوعات جذاب و کاربردی برای بچه‌ها زیاد شدند. مخصوصاً دوره‌های مجازی که هزینه‌وقت زیادی هم نمی‌گیرند. خودم در دوران نوجوانی کلاس شنا می‌رفتم که هزینه‌اش هم خیلی مناسب بود. الان بلد بودن شنا واقعاً مدیون آن کلاس‌ها هستم. در کل آنچه که دوران نوجوانی یاد می‌گیری نهادینه‌تر است و در ناخودآگاه بهتر نقش می‌بندد. چه بسا سنم که بالاتر می‌رفت، ترس و تنبلی و مشغله اجازه نمی‌داد این مهارت را یاد بگیرم. وقتی نوجوان بودم برای یادگیری آموزش‌های عمومی رایانه هم کلاس می‌رفتم. دوره‌های چرم‌سازی و خیاطی را هم از طریق کلاس‌های فنی و حرفه‌ای می‌رفتم که خب هزینه خاصی نداشت.

### موضوع انشا: تابستان خود را چگونه گذرانید؟

برای همین در مورد بچه‌های خودم هم تأکید داشتیم که مهارتی را به بهانه‌های تعطیلی مدارس یاد بگیرند. اصلاً از انگیزه‌های من و هم‌نسل‌های من در تابستان این بود که با چه کلاس‌هایی روزها را سپری کنیم که بعد از تعطیلات بتوانیم انشای «تابستان خود را چگونه گذرانید» را پربارتر بنویسیم.

هنوز هم سازمان‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با کمک کانون‌های فرهنگی تربیتی و بسیج محله‌ها، برای کسب مهارت در تابستان بچه‌ها از صبح تا عصر در اکثر رشته‌های فنی و ورزشی فعال است. منطقه ما که خیلی

درباب عبارت  
مسخره «کتاب بهترین  
دوست آدم»

آیه طائبی  
دبیر گروه زندگی



نادرخان ابراهیمی جایی در کتاب یک عاشقانه آرام از زبان عسل می‌گوید: «من دبیری داشتم که مجموعه‌ای از شریف‌ترین دلایل را برای کم‌خوانی در اختیار داشت. او می‌گفت صد کتاب برای یک عمر بلند کافی است... او به جای کتاب خواندن، زیستن با مردم را تبلیغ می‌کرد و اندیشیدن را و عمل کردن را؛ پیاده رفتن، بیل زدن، سخن گفتن با دردمندان، دویدن در دشت، خندیدن و نترسیدن» راستش می‌خواستم کمی درباب «کتاب بهترین دوست آدم» نفرت‌پراکنی کنم اما ترجیح دادم با نقلی از نویسنده‌ای بزرگ شروع کنم و حرف‌م را بگویم.

هفته پیش روز قلم بود و یکی از دوستان کتاب‌خوار ما در یکی از شبکه‌های اجتماعی نوشته بود: «به مناسبت روز قلم اگر می‌توانستید، دل‌تان می‌خواست با کدام یک از نویسندگان ملاقات داشته باشید و معاشرت کنید؟» شخصی برایش نوشت چرا بخواهم با نویسنده‌ای معاشرت کنم؟ من یا کتاب‌ها معاشرت می‌کنم و آن دوست در ادامه صحبت این شخص را تأیید کرد و سرم درد گرفت. به معنای دقیق کلمه سرم درد گرفت از یادآوری همان عبارت کتاب بهترین دوست آدم. و مدام از خودم می‌پرسم اگر بتواند با حافظ بنشیند و چای بنوشد و گپ بزند، می‌گوید نه ممنون من دیوان حافظ را دارم برای معاشرت؟ اگر همین‌گویی را در کافه‌ای ببیند از کنارش عبور می‌کند و به خواندن پیرمرد و دریا اکتفا می‌کند؟ نویسنده را رها می‌کند و کتاب را برمی‌دارد؟ خالق را می‌گذارد و مخلوق را دوست می‌دارد؟

ای دوست شکر بهتر یا آنکه شکر سازد

خوبی قمر بهتر یا آنکه قمر سازد  
آدم بهترین دوست آدم است. کتاب‌ها را آدم‌ها می‌نویسند و ما از طریق خواندن‌شان به ذهن آن نویسنده می‌رسیم. کتاب مسیر است، مقصد نیست. اما کسی که در کتابخانه زندگی می‌کند هیچ‌گاه عمیقاً درد آدمی را درک نمی‌کند. چون با مردم زمانه‌اش زیست نمی‌کند. تعامل با مردم در کوچه و خیابان، تجربه کردن این روزها که نامش زندگی است و موهبتی تکرار ناپذیر است به مراتب دستاورد‌های مفیدتری دارد از مرور کتاب‌ها و تنها بودن در کتابخانه.

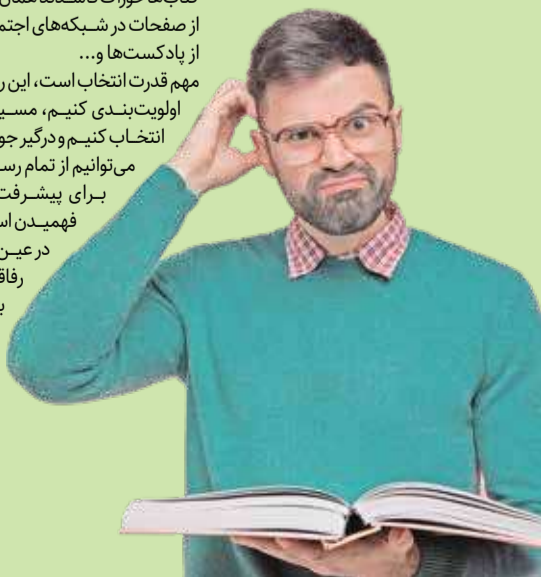
من نمی‌گویم کتاب خواندن کار مفیدی نیست که حتماً و یقیناً هست. کتاب خواندن یکی از بهترین راه‌ها برای رشد زبانی، فهم احساسات، درک تناقضات و البته گسترش گنجینه لغات است. اما تنها راه خوب و درست نیست. روزی روزگاری کتاب‌ها تنها به دست افراد خاصی نوشته می‌شدند که مرجع حوزه خاصی بودند. تجربه زیسته فراوانی داشتند و کتاب تنها راه دستیابی به آن دانسته‌ها و زیسته‌ها بود. اما حالا در این دوره و عصر تکنولوژی، چه کسی می‌تواند بگوید تمام کتاب‌هایی که به چاپ می‌رسند از یادکست‌ها، شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر متن و تصویر یا حتی فیلم‌ها بهترند؟ گاهی سرعت پیشرفت آنقدر زیاد است که تا یک کتاب هرچند عالی مسیر چاپ را طی کند آن موضوع بیات شده و از ذهن افتاده، پیشرفت اتفاق افتاده و به نوعی قدیمی شده است.

گاهی کتاب‌ها اشتباهات فاحش دارند. گاهی کتاب‌ها خوراک فاسدند همان‌طور که بسیاری از صفحات در شبکه‌های اجتماعی و بسیاری از یادکست‌ها و...

مهم قدرت انتخاب است، این روزها اگر بتوانیم اولویت‌بندی کنیم، مسیر زندگی‌مان را انتخاب کنیم و درگیر جو غالب نشویم، می‌توانیم از تمام رسانه‌های موجود برای پیشرفت و دانستن و فهمیدن استفاده کنیم و در عین حال با آدم‌ها رفاقت عمیق‌تر و بهتری داشته بشیم.



اگر بتواند با  
حافظ بنشیند  
و چای بنوشد  
و گپ بزند،  
می‌گوید نه  
ممنون من  
دیوان حافظ  
را دارم برای  
معاشرت؟  
اگر همین‌گویی  
را در کافه‌ای  
ببیند از کنارش  
عبور می‌کند  
و به خواندن  
پیرمرد و دریا  
اکتفا می‌کند؟  
نویسنده را رها  
می‌کند و کتاب  
را برمی‌دارد؟  
خالق را  
می‌گذارد  
و مخلوق  
را دوست  
می‌دارد؟



منشأ بسیاری از گیاهان آپارتمانی، مناطق گرمسیری است و به همین دلیل این گیاهان به راحتی با دمای اتاق و نور محیطی سازگار می‌شوند

نکته‌هایی برای گیاهان آپارتمانی در تابستان

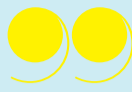
## تأمین رطوبت گیاهان در فصل تابستان

نسرین تقی‌خانی  
مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی

توصیه می‌شود غبار پاشی صبح زود انجام شود تا قبل از فرا رسیدن شب، تمام رطوبت اضافی از بین برود. با این روش، احتمال درگیری گیاه با بیماری‌های قارچی را می‌توان کاهش داد. استفاده از دستگاه رطوبت ساز را هم می‌توان روشی برای تأمین رطوبت مورد نیاز گیاهان در نظر گرفت. این دستگاه‌ها بی‌سر و صدا بوده و با خاموش و روشن کردن آن، می‌توان رطوبت را برای گیاهان تأمین کرد. از طریق تنظیمات این دستگاه می‌توان در روزها یا ساعات مشخصی از روز رطوبت را برای گیاه در نظر گرفت. با در نظر گرفتن زیرگلدانی هم می‌توان رطوبت گیاه را تأمین کرد. باید زیرگلدانی با قطر حداقل دو برابر پایه گلدان و با ارتفاع حداقل ۱۰ سانتیمتر تهیه شود. سطح زیرگلدانی باید به طور یکسان یا سنگریزه پر شود؛ به طوری که گلدان را بتوان روی آن قرار داد و اطمینان حاصل کرد تا خاک گلدان آب جذب نمی‌کند. در این روش آب به آرامی از زیرگلدانی تبخیر شده و فقط رطوبت محیط اطراف گیاه را افزایش می‌دهد. اشکال اصلی این روش این است که زیرگلدانی مانند استخر را که عمل کرده و می‌تواند باعث هجوم آفات به گلدان شود. تعویض زیرگلدانی و توجه به این امر، این امکان را کاهش می‌دهد.

استفاده از روش دو گلدان روشی دیگر برای تأمین رطوبت است. این روش می‌تواند با حفظ زیبایی و بدون آسیب به گیاه، رطوبت مورد نیاز را تأمین کند. در این روش باید گلدان دوم حداقل ۳ تا ۵ سانتیمتر بزرگتر از گلدان اصلی باشد. فضای بین این دو گلدان توسط خزه پر می‌شود. با مرطوب کردن خزه، می‌توان رطوبت مورد نیاز گیاه را فراهم کرد. در این روش توجه به این نکته ضروری است که باید هر دو گلدان سوراخ زهکش داشته باشند تا از تجمع آب جلوگیری کرده و احتمال هجوم آفات کاهش پیدا کند. پوشاندن گیاه با پلاستیک شفاف پس از آبیاری کامل، می‌تواند برای گیاهان حساس به رطوبت کم مناسب باشد. می‌توان با قرار دادن چند چوب در اطراف قسمت‌های رویشی گیاه از تماس پلاستیک با برگ و گل گیاه اجتناب کرد. باید توجه داشت که قسمت ابتدایی پلاستیک نباید کامل گیاه را احاطه کرده باشد چراکه تنفس گیاه دچار اختلال می‌شود.

با شروع فصل تابستان، شرایط برای نگهداری گیاهان آپارتمانی کمی دشوار می‌شود. دقت به نحوه آبیاری و تأمین رطوبت، از موارد حائز اهمیت برای حفظ شادابی گیاه است. منشأ بسیاری از گیاهان آپارتمانی، مناطق گرمسیری است و به همین دلیل این گیاهان به راحتی با دمای اتاق و نور محیطی سازگار می‌شوند. از سویی دیگر، این گیاهان به لحاظ ژنتیکی، عادت به رطوبت محیطی بالایی دارند که در فضای آپارتمان‌ها و ادارات و به‌طور کلی فضاهای بسته، این رطوبت تأمین نمی‌شود. برای شادابی و سرچالی رطوبت و کمک به رشد بهتر گیاهان باید از جمله علائم کمبود رطوبت در گیاهان، قهوه‌ای شدن برگ، زردی برگ، خشک و ترد شدن برگ، ریزش جوانه‌ها قبل از باز شدن، عملکرد نامناسب جوانه‌ها حین رشد، پژمرده شدن گل‌ها قبل از باز شدن، پژمردگی برگ و شاخه گیاه و افزایش نیاز آبی گیاه است. می‌توان با روش‌هایی که در ادامه گفته می‌شود، به تأمین رطوبت مورد نیاز گیاهان آپارتمانی اقدام کرد. گیاهان آپارتمانی، به واسطه منافذ ریز برگ که در علم کشاورزی، به آنها روزنه برگ گفته می‌شود، رطوبت خود را از دست می‌دهند. در فرایندی به نام تعرق، بخار آب حاصل از آبیاری لافاصله در مجاورت گیاه قرار گرفته و رطوبت اطراف گیاه را افزایش می‌دهد. یک روش ساده برای تأمین رطوبت در گیاه، قرار دادن چندین گیاه در کنار هم است؛ به این ترتیب میزان تعرق تا حد بسیار زیادی افزایش یافته و رطوبت گیاه را تا حد قابل قبولی افزایش می‌دهد. برای حل مشکل کمبود فضا، می‌توان گلدان‌ها را بر اساس اندازه در کنار هم قرار داد. غبار پاشی یا اسپری آب روی برگ‌های گیاهان هم روشی ساده و رایج برای تأمین رطوبت گیاهان است. در این روش به کمک یک بطری اسپری ساده می‌توان آب را مستقیماً روی یافت رویشی گیاه اسپری کرد و قطرات آب به آرامی تبخیر شده و رطوبت محیطی را برای چند ساعت افزایش می‌دهد. این روش بسیار ساده است فقط نیاز به چند مرتبه تکرار دارد چراکه رطوبت محیطی بعد از چند ساعت، کاهش می‌یابد. از آنجایی که این روش باعث تماس مستقیم قطرات آب با برگ و بدنه گیاه است، احتمال هجوم بیماری‌های آپارتمانی افزایش می‌یابد.



# سررفت

همین وقت‌های حوصله سربر، فرصت رشد است معلم است و می‌گوید که مدرسه‌اش در منطقه‌ای است که اکثر بچه‌ها تک‌فرزند هستند و مطمئناً اتاق شخصی و مستقل با یک کمد پر از اسباب‌بازی هم دارند. ولی گاهی وسواس‌های مامان و پاپاهای دهه شصتی برایم عجیب است. یکی از دغدغه‌های عجیب تابستانی مامان و پاپاهای این است که بچه حوصله‌اش سر نرود. درحالی‌که من می‌گویم اگر موبایل دست بچه‌ها ندهیم و تلویزیون هم برای همه وقت روشن نباشد، همین وقت‌های حوصله سربر می‌تواند فرصتی برای رشد خودآگاهی، خودراهبری و خلاقیت باشد. کجای کار ایراد دارد که بچه در این شرایط با آن همه اسباب‌بازی حوصله‌اش سر می‌رود؟ پس کارکرد کمد اسباب‌بازی چیست؟

من موافق کلاس تابستانی به خصوص از نوع ورزشی هستم اما گاهی حساسیت والدین زیاد از حد می‌شود. گاهی وقت‌ها واقعاً لازم است که بچه‌ها خودشان سرشان را گرم کنند. اینکه صرفاً برنامه فشرده‌ای بگذاریم و فکر کنیم اوضاع تحت کنترل است، لزوماً شرایط خوبی برای رشد نیست. عده‌ای از والدین جدا از علاقه فرزند، نگاه‌هایی به آینده فرزند دارند و کاسه داغ‌تر از آتش می‌شوند و ردیف‌های کلاس است که بر فرزند تحمیل می‌کنند و از این کلاس به آن کلاس می‌فرستند. عده‌ای هم که انگار نه انگار، شهریه‌ها را هم بهانه می‌کنند و می‌گویند هزینه کلاس‌های تابستانی در بخش خصوصی زیاد شده است.

### از بچگی از تابستان متفر بودم

صبورا که مادر چند دختر است می‌گوید: خودم از بچگی از تابستان متفر بودم. توی گرما، رفتن به کلاس، غذایی بود که با خودش ببریم اضطراب هم می‌آورد. باید کلی وسیله فنی و هنری هم با خودم حمل می‌کردم. به من اگر بود دوست داشتم روزها و شب‌های تابستان را به خواندن رمان بگذرانم، نه اینکه مادرم هر شب یادآوری کند زود بخوابم که میداد برای کلاس خواب بمانم. دوست داشتم من هم مانند یکسری از دوستانم با دوچرخه و هفت‌سنگ و گل کوچک، عصرهای بلند تابستان را سپری می‌کردم. برای همین تا زمانی که فرزندم تقاضای نداشتند، خودم حرفی برای کلاس‌های تابستانی نمی‌زدم، هیچ وقت برنامه پشت برنامه نریختم و از این کلاس به آن کلاس سرک نکشیدم. همین که با آزمون و خطاهای درست کردن غذا و تغییر دکور در چهار دیوار بمانم مشغول هستم راضی‌ام. به نظر من بچه‌ها به استراحت نیاز دارند و تابستان بهترین فرصت برای تفریح و استراحت است. میلی که در خانه سکوی پرواز نشود، کاناپه‌ای که پله سرسره نباشد، چادر نمایی که واگن قطار نشود در خانه، به هیچ دردی نمی‌خورد. به نظر من وقتی که مادری خودش وقت می‌گذارد و حوصله‌اش را دارد، حوصله کودک هم سر نمی‌رود اما خوب اگر مادری می‌بیند که وقت و توانش برای کودک کم است و گاهی حوصله کودک سر می‌رود بهترین راه مفید کردن وقت کودک با کلاس‌های مورد علاقه‌اش است.

درست است که این روزها نمی‌توان بچه‌ها را مانند دهه‌های قبل سرگرم کرد اما بچه‌های امروز به خصوص نوجوان‌ها به تفریحات متفاوت‌تری برای سرگرم شدن نیاز دارند.

یکسری کودکان به خاطر عملکرد خنثی‌ای که پدر و مادرشان در تعطیلات تابستان دارند خیلی زود پژمرده می‌شوند. یکسری هم از آن طرف بام افتاده‌اند و کودکانشان دیگر فرصتی برای استراحت ذهنی ندارند.

الان هم رقابت بین مؤسسات خصوصی برای کلاس‌های تابستانی آنقدر بالاست که انگار خانواده‌ها هر جایی که لاکچری‌تر هستند را می‌پسندند و هزینه می‌کنند.

### نمی‌خواهم بچه‌ام انیشتین بشود

نیکسی مادر دو دختر می‌گوید: آموزش و پرورش و بپازی هدفمند از همان بدو تولد برای من دغدغه بوده. نه از آن دغدغه‌ها که دلم بخواد بچه‌ام انیشتین باشد. از آن دغدغه‌هایی که مطمئن شوم بستر رشد آن چیزی که باعث شادی درونی‌اش می‌شود را در حد توانم برایش ایجاد کنم. حالا چه نویسنده، چه دانشمند، چه مهندس، چه خیاط و چه عکاس. کودک‌ها ما خلاق به دنیا آمده‌اند اگر ما به عنوان والد چیزی از خلاقیت در آنها باقی بگذاریم. خلاقیت، آموزش دادنی نیست، تقویت کردنی است. من به عنوان مادر با ایجاد محیط زیسته غنی، نقش زیادی در تقویت خلاقیت فرزندم دارم، مخصوصاً در تابستان. زندگی و پرچینیا و لف که نویسنده مشهوری هست را حتماً خوانده‌اید که در ۹ سالگی در خانه، نشریه تهیه می‌کرد. خواننده‌های نشریه‌اش هم فقط خانواده‌اش بودند. خانواده‌اش از تولد تا ۹ سالگی در ویرجینیا چه چیزی دیدند و چه چیزی را برانگیختند تا ۴ سال هر هفته نشستند و خواندند و تشویق کردند؟ پس ما می‌توانیم انتخاب‌های مؤثرتری برای از بین رفتن خلاقیت کودکمان داشته باشیم و تابستان هم برای ما بهترین وقت است.

دوران کودکی خودم، ما هیچ وقت پول رفتن به کلاس‌های مختلف را هم نداشتیم درحالی‌که من واقعاً عاشق یادگیری خیلی چیزها بودم که نمی‌توانستم هزینه‌اش را بدهم که هنوز حسرت بعضی‌هاش مانده. برای همین برای رسیدن به برنامه‌های کلاسی دخترم خیلی پرس‌وجو داشتم. دخترم از هفت سالگی عاشق ساز زدن بود و الان سه سال است که دف و سنتور را بخوبی می‌نوازد. تمرین‌های جدی‌اش را در تابستان‌ها شروع می‌کند و همین برای ما کافی است.

برای حال خوب، باید فضای امنی داشت فاطمه مادر یوسف می‌گوید: این روزهای کسدر تابستان که کسی جز ما مادران، میزبان غیرطبیعی بودن طولانی‌بودنش را درک نمی‌کند، ما هم به دنبال کلاس‌هایی هستیم که برکت تابستان را برای فرزندمان بیشتر کنیم. به فرض هم سلیقه‌ی بزرگ‌ارکننده محترم، یا زمانش برایمان مناسب نیست یا شهریه‌اش در توانمان نیست. برای همین بعدش به خودم می‌گویم که قدم‌زدن در این شهر بهترین کارگاه برای فرزندم است. تبلی نکن و برنامه‌ریز خلاق باش.

هرچقدر که گروه ۵+۱ در مذاکرات هسته‌ای موفق بودند، ما هم در مذاکرات برنامه‌های تابستانی با پسر هم موفق بودیم. مدتی است که در حال مذاکره هستیم و جلسه خانوادگی می‌گذاریم. پسر برای سرپرستی و نگهداری از چند خرگوش و لاک‌پشت و مرغ عشق و ماهی در خانه دلیل می‌آورد و ما بعد از چند تجربه ناموفق از نگهداری از اینها با دلایل قانع‌کننده رد می‌کنیم.

فعالاً پسر بزرگترم به کلاس فوتبال می‌رود و اصلاً همین که من دو ساعتی را خانه نیستم و می‌توانم دو ساعت از تماشایش در زمین چمن لذت ببرم ارزشمند است.

مهم است که شهرمان فضای تفریحی خوبی داشته باشد تا بتوانیم در این برنامه‌ریزی موفق باشیم. برای حال خوب، باید فضای امنی داشت. فضای امن را برای ما خانواده‌ها بیشتر کنید.



کاش کارگاهی باز می‌شد که بچه‌ها در آنجا دو سه ماه کار می‌کردند، و هر چند وقت، یکی را امتحان می‌کردند از نجاری و آهنگری گرفته تا کارمندی که به این شکل بتوانند کار مورد علاقه خود را سریع‌تر پیدا کنند



## درباره خانه موزه مکرمه قنبری در بابل

# زنی که مکتب نرفته زیاد می دانست

نصراللهی پس از دیدن آثار ننه مکرمه، با گالری سیحون درباره نمایش آثار این هنرمند صحبت کرد که در سال ۱۳۷۴ نمایش عمومی آثارش شروع شد.

نقاشی‌هایی روی در و دیوار این خانه می بینید که هر کدام راوی داستان تلخ و شیرین زندگی او بویژه ماجرای ازدواجش به شمار می آیند. زنان، سوژه محوری نقاشی‌های مکرمه هستند.

نقاش شد. سنی که برای بسیاری از مردم، سن پیری و از کار افتادگی است؛ اما او قلم به دست گرفت و آنچه را که سال‌ها در ذهن و دل داشت، با رنگ‌ها و خط‌ها جان بخشید.

مکرمه در مصاحبه‌ای که با هالی؛ فیلمساز آمریکایی انجام داد، درباره زندگی‌اش گفته بود: «به مدت چهار سال تنها شب‌ها نقاشی می کردم و هرگاه میهمان ناخوانده‌ای سر می رسید، به سرعت همه وسایلم را پنهان می کردم.

زیرا ذهنیت آنها چنین بود که کاغذ و رنگ و قلم به چه درد یک کشاورز می خورد؟ در خانه، هم کار می کنم، هم نقاشی. هیچ‌گاه بیکار و بی‌هوده زندگی نکردم. حتی مانند سایر خانم‌ها، عادت به خواب ظهر ندارم.»

### نقاشی‌های ننه مکرمه روایتگر داستان مادر بزرگ‌هاست

نقاشی‌های ننه مکرمه روایتگر داستان مادر بزرگ‌هاست؛ داستان‌هایی تلخ و شیرین از سال‌های دور. او رؤیاهایش را به تصویر کشید و برای این کار به هیچ چیز جز دلش رجوع نکرد.

او در سال ۲۰۰۱ برای برپایی نمایشگاهش به اروپا سفر کرد و به عنوان «زن سال سوئد» برگزیده شد. نام او حتی به هالیوود هم رسید و قرار بود فیلمی از زندگی او ساخته شود. درباره سبک نقاشی این هنرمند بارها صحبت شده است، اما آنچه بیش از سبک آثار او جلب توجه می کند، نمود بیرونی احساساتش در این نقاشی‌هاست.

او علاوه بر نشان دادن بخش‌هایی از زندگی واقعی روستایی، تابلوهایی را خلق کرده که در آنها، انسان‌ها از دنیای واقعی فاصله گرفته‌اند، اما حالات آنها برگرفته از همان رویدادهای زندگی مکرمه هستند. آن روزی که گاو محبوب ننه مکرمه را فروختند و غمی سنگین بر دل این بانوی مهربان شمالی گذاشت، هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که در روزگاری بعد مریم استریپ که بیشترین تعداد جایزه اسکار را در ویتن این اختراعات خود دارد، بخواند در فیلمی به کارگردانی، کارگردانی بزرگ چون مل گیسون نقش وی را بازی کند. نقاش بی‌سوادی که به شهرت جهانی رسید

«مکرمه، خاطرات و رؤیاهای»، عنوان فیلمی مستند است که ابراهیم مختاری در مرداد سال ۱۳۹۲ ساخته و توسط مؤسسه فرهنگ و هنر رها فیلم انتشار یافت که جوایز بسیاری را از آن خود کرد. در سال ۱۳۸۰ نیز هالی؛ کارگردان و مستندساز معروف آمریکایی مستندی از این نقاش بین‌المللی و خودآموخته ایرانی ساخته است.

تابلویی که او از شمایل امام رضا(ع) نقاشی کرده، به خانه اکثر اهالی دریکنده راه پیدا کرده است و همچنین تابلوی بزرگی که از بارگاه امام رضا(ع) به تصویر کشیده نیز در حسینیه محل نصب شده و مورد توجه و احترام روستاییان قرار گرفته است.

نخستین حضور مکرمه قنبری، بانوی ۷۵ ساله‌ای که از توانایی خواندن و نوشتن بی‌بهره بود و هیچ آموزشی به صورت آکادمیک ندیده، اما معرف جهانیان است، در نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم در محل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود. او توانست جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره فیلم رشد و نیز تندیس جشنواره هنری - ادبی روستا را دریافت کند.

مکرمه قنبری که بر اثر عوارض ناشی از سکتة مغزی مدام تحت درمان بود و به دلیل دو سکتة دیگر به حالت کما رفته بود، در آبان سال ۸۴ در روستای زادگاهش چشم از جهان فروبست و در باغچه خانه‌اش به خاک سپرده شد. هر ساله همزمان با سالگرد وفات او، کارگاه‌هایی از نقاشان خودآموخته در آن محل برگزار می‌شود.

کاش در حفظ آثارش که ضرورتی فرهنگی است، تلاش بیشتری داشته باشند.

من به او ۵۰ برگه دادم و بعد از یک‌ماه که برگشتم دیدم او هر دو طرف کاغذها را نقاشی کرده، این بار برایش ۱۰۰ برگ خریدم که مادر دوطرف آنها را هم نقاشی کرد. کارهایش آنقدر خوب بود که من تحت تأثیر قرار گرفتم، اما حرف مرا قبول نداشت و می‌گفت تو الکی از کارهایم تعریف می‌کنی.»

اینطور که پیداست، نخستین کسی که ارزش نقاشی او را دریافت پسرش بود، که می‌توان او را کاشف استعداد مکرمه مشوق او دانست. بعد از آن نقاشی‌های مادرش را به استادش؛ احمد نصراللهی نشان می‌دهد.

نصراللهی پس از دیدن آثار ننه مکرمه، با گالری سیحون درباره نمایش آثار این هنرمند صحبت کرد که در سال ۱۳۷۴ نمایش عمومی آثارش شروع شد.

زیباترین آثار مکرمه متعلق به دورانی است که او با به تصویر کشیدن زنان و مردان عاشق به ترمیم خاطرات و بازسازی گذشته خود دست می‌زند. نقاشی‌های او با زتاب زخمی هستند که سال‌ها قبل با ازدواجی اجباری بر دختری جوان زده شده؛ زخمی که با از دست دادن گاو محبوب در میانسالی سر باز می‌کند و در نقاشی‌ها التیام می‌یابد.

### آرایش گر عروس‌های دهکده بود

نقاشی‌های مکرمه قنبری را که به ننه مکرمه معروف است در سوئد، با نقاشی‌های مارک شاگال، نقاش بلندآوازه قرن بیستم، قیاس کرده‌اند. عده‌ای او را بیکاسوی ایرانی معرفی کرده‌اند. اولین کار ننه مکرمه، تصویری از یک حیوان بود که روی سنگ نقاشی کرد. سپس تمام دیوارهای خانه، درها، کدوهای حلواپی و هر آنچه را می‌توانست پیدا کند، به طرز خستگی‌ناپذیری انباشته از طرح و رنگ می‌کرد. روزی که ننه مکرمه قلم به دست گرفت و حرف‌های دلش را با زبان تصویر روی دیوار خانه‌اش نقاشی کرد، کسی فکر نمی‌کرد زنی سالخورده از یکی از روستاهای شمال ایران، به چهره‌ای جهانی تبدیل شود. اهالی روستا می‌گویند که میل هنری ننه مکرمه در جوانی از طریق دیگر کارهای هنری بویژه آرایش عروس‌های دهکده بروز یافته بود.

۱۲ سال قبله روستا بود و بیش از ۲۵ نوزاد را به دنیا آورد و حتی در به دنیا آوردن بره‌ها و گوساله‌های کدخدا هم کمک می‌کرد. یک هنر درونی سراسر وجود این زن را پر کرده بود.

### زنان، سوژه محوری نقاشی‌های مکرمه هستند

نقاشی‌هایی روی در و دیوار این خانه می بینید که هر کدام راوی داستان تلخ و شیرین زندگی او بویژه ماجرای ازدواجش به شمار می‌آیند.

زنان، سوژه محوری نقاشی‌های مکرمه هستند. زنان مکرمه زیبا و با رنگ‌هایی روشن و شاد تصویر می‌شوند: زن زحمت‌کش روستایی، دخترانی که به زور ارباب عروس شده‌اند و زنان عاشق در کنار مردان دیوصفت شادخار که نمونه بارز پلیدی و زورگویی‌اند. در نقاشی‌های مکرمه چهره مردان اغلب کریه و ناخوشایند است.

شوهر مکرمه، داستان‌های زیادی از شخصیت‌های شاهنامه، لیلی و مجنون و همچنین قصه‌هایی از قرآن مانند ابراهیم و اسماعیل، یوسف و زلیخا و حضرت مریم و عیسی را از برمی‌خواند.

نقاشی‌های مکرمه مملو از این داستان‌ها و همچنین قصه‌های بومی و عاشقانه مازندران است. مردم وقتی پای صحبتش می‌نشستند، تمام زیر و بم تابلویش را توضیح می‌داد، منظومه‌هایی چون رعنا و نجما، امیر و گوهر و منظومه طالبیا. برای بعضی از تابلوها هم خودش داستان‌سرایی می‌کرد. همه در مورد هنر مکرمه اشتراک نظر داشتند که هنرش، بدوی است.

مانند سایر خانم‌ها، عادت به خواب ظهر نداشت مکرمه قنبری؛ مشهورترین هنرمند خودآموخته ایرانی است. او در سال ۱۳۰۷ در یکی از روستاهای مازندران متولد شد و زمانی که بیش از ۶۰ سال سن داشت،

### سمیه ملاتبار

نویسنده



کمی که از کوجه پس کوجه‌های روستای دریکنده بابل بگذری، به خانه‌ای از رنگ و رؤیا می‌رسی، خانه‌ای که در آن به عنوان «خانه موزه مکرمه قنبری» همیشه باز است.

داستان زندگی «مکرمه» شبیه داستان خیلی از زن‌های روستایی مازندرانی است؛ زن‌هایی که در سن خیلی پایین به عقد مردانی درمی‌آیند که به دلیل تفاوت سنی زیاد و تک‌همسر نبودن، زندگی‌شان به رنج و تنهایی می‌گذرد اما دم نمی‌زند. فقط جنس دم‌زدن‌هایشان با هم متفاوت است؛ تفاوتی که می‌تواند از زنی، شگفت‌انگیزترین هنرمند جهان را بسازد!

### خواست شعر بگوید، سواد نداشت، نقاش شد

سواد خواندن و نوشتن نداشت، وگرنه عاشق شعرگفتن بود. برای همین همه حرف تنها و درد‌های زندگی‌اش را در نقاشی‌هایش می‌زد. با کشیدن نقاشی‌ها، حالش به کلی خوب می‌شد.

دیوارهای خانه کوچکش پر از طرح‌ها و رنگ‌هایی است که چهره زنی را همراه با کودکان در طبیعت و میان درختان میوه با گل‌ها و پرندگان و حیوانات خانگی محبوبش می‌سازد. در میان نقاشی‌های دیواری‌ای که زندگی روزمره زنی در مزارع برنج و گندم را نشان می‌دهد، قصه ازدواج اجباری‌اش در دوره ارباب‌رعیتی، زندگی در کنار هووها و رؤیاهایش بارها تکرار می‌شود.

مکرمه در ۱۴ سالگی ازدواج کرد؛ ازدواجی که به خواسته‌اش نبود. او دل در گروی جوانی ۲۱ ساله و باسواد داشت که از طرف دولت برای کارهای اداری به روستا سر می‌کشید. آن دو به یکدیگر علاقه داشتند، اما چون برادر ارباب برای مکرمه با پیش گذاشته بود، پدر مکرمه پنهانی به جوان، جواب بله را داد. اما سرانجام کدخدا توانست به زور کتک و شلاق مکرمه و پدرش، بعد از ۱۵ روز از آنها جواب مثبت بگیرد و پس از مراسم عروسی دختر را سوار الاغی کند و به ده بیاورد.

پسر جوان دیگر هیچ‌وقت پیدایش نشد، بی‌آنکه مکرمه بفهمد فراری‌اش دادند یا او را کشتند.

ممد آقا؛ کدخدای ۵۷ ساله ده و پدر ۱۲ فرزند بود. مکرمه سومین زنی بود که وارد خانه‌اش می‌شد. اینطور که می‌گویند ممد آقا مردی خشن بود که عادت داشت زنانش را به بهانه‌های مختلف به درخت ببندد و با پیراق اسب و شلاق به باد کتک بگیرد. قصه ممد آقا - که بعد از سال‌ها زندگی و تولد ۹ فرزند مشترک با مکرمه، علاقه‌ای را در زندگی به وجود نیاورده بود - و انتقاد از نظام ارباب‌رعیتی همیشه در نقاشی‌های مکرمه حضور داشت. یکی از تابلوهایی زیبای مکرمه، قصه پررنگ و آب‌مردی است که با شلاق سیاه دختری را گرفته و می‌برد. عده‌ای دور آنها جمع شده‌اند تا با چوب دوشاخ جلوی مرد را بگیرند، اما هرچه می‌کنند موفق نمی‌شوند. همگی دور تا دور تابلو ایستاده‌اند و رفتن مرد و دختر را تماشا می‌کنند.

### نوشتن بازنگ

مکرمه در زمان قبول شدن پسرش در دانشگاه اصفهان، تنها شد. گاوهای زیادی داشتند که مکرمه را در اثر کار زیاد بیمار کرد و به ناچار در تهران در بیمارستان برای مداوا بستری شد. وقتی که در بستر بیماری بود، فرزندان‌ش به خانه پدری برگشتند و تمام گاو‌ها را فروختند، چون نگران سلامتی مادر بودند. این موضوع خیلی روی مکرمه تأثیر گذاشت و ناراحتش کرد، چون رسیدگی به گاو‌ها مکرمه را آرام می‌کرد. بعد از آن بود که مکرمه برای مقابله با تنهایی‌اش به نقاشی کشیدن روی آورد.

علی بلیلی پسر مکرمه می‌گوید: «وقتی که دیدم مادر نقاشی می‌کند، می‌خواستم برایش کاغذ و رنگ بخرم، اما او گفت برایم مقداری کاغذ مستعمل و معمولی بیاور،



آن روزی که گاو محبوب ننه مکرمه را فروختند و غمی سنگین بر دل این بانوی مهربان شمالی گذاشت، هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که در روزگاری بعد مریم استریپ که بیشترین تعداد جایزه اسکار را در ویتن این اختراعات خود دارد، بخواند در فیلمی به کارگردانی، کارگردانی بزرگ چون مل گیسون نقش وی را بازی کند



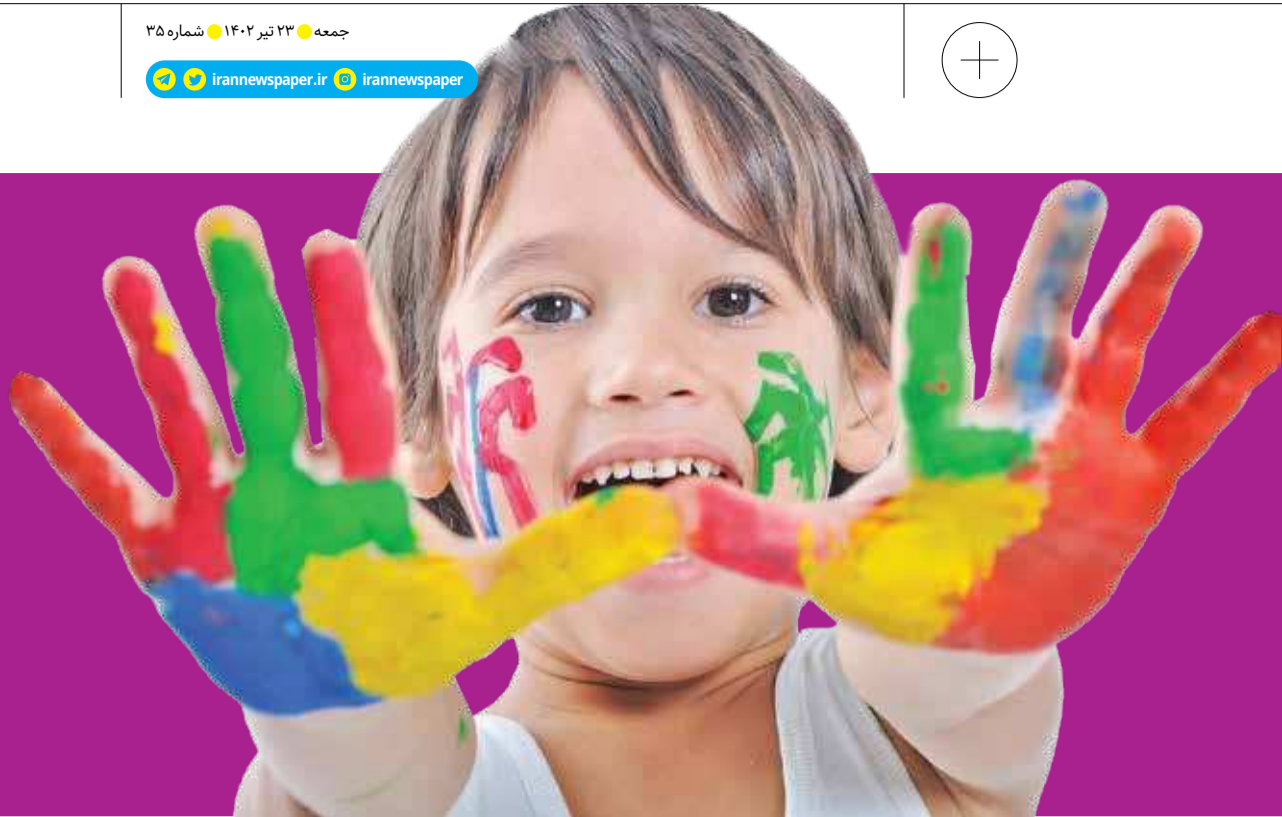




الهام اسماعیلی  
نویسنده



از نیمه دوم خردادماه والدین با دو نگرانی عمده همراه می شوند؛ شروع امتحان ها و تمام شدن زمان مدرسه رفتن بچه ها. تیرماه اما دیگر تصمیم ها گرفته شده است؛ دقیقاً زمانی که بچه ها نفس راحتی می کشند که آرایش از صبح زود بیدار شدن خلاص شدیم، همان لحظه مامان محترم از گوشه آشپزخانه و با نگاهی عاقل اندر سقیه به فرزندان (برای رضایت حاکمیت در باب تعداد «فرزند بیشتر، زندگی شادتر») می نگرند که کور خواندید، برنامه ها برایتان چیده ام که روح تان هم خبر ندارد. مادرها با در دست گرفتن کارنامه به سمت مؤسسه های مختلف فرهنگی و باشگاه های ورزشی می روند و فرزند را در کلاس های مختلف ثبت نام می کنند تا زمان از دست نرود. مادرها عموماً در نقش سرورس حمل و نقل عمومی ظاهر شده و در تابستان بچه ها را از کارگاهی به کلاس دیگر و از باشگاه به استخر می برند و سعی در افزایش مهارت های همه جانبه فرزندشان اعم از جسمی و هوشی دارند. مدرسه های خصوصی که همزمان با پایان امتحان ها برنامه تابستانی خود را آماده کرده و در اختیار والدین قرار می دهند تا بچه ها و پول ها را از دست ندهند و باقی سال را نیز در کنار آنها بگذرانند. مجموعه های ورزشی این سال ها علاوه بر کارگاه های تک مثل فوتسال، فوتبال و والیبال، به صورت پانسیون نیز خدمات ارائه می دهند و ثبت نام در آنها با توجه به ظرفیت محدود سریع انجام می شود. پانسیون به این صورت که بین ۲ تا ۵ روز در هفته در ۲ تا ۴ رشته ورزشی - هنری ثبت نام انجام می دهند، همراه ناهار و سرورس رفت و برگشت و دیگر نیاز به جابه جایی بین باشگاه و کلاس مختلف نیست. شنا، فوتبال، والیبال و... را در بازه ۳ ماه تابستان تا حدی یاد می گیرند، انرژی های زیادشان را تخلیه می کنند و خسته به خانه برمی گردند.



برای تابستان چه کنیم؟

# اوقات فراغت شان را به رسمیت بشناسیم



زبان در کشورمان در تمام طول سال های تحصیل بچه ها به طول می انجامد و نه تنها آنها را از آموختن زبان دوم مایوس می کند و می ترساند، بلکه او را کرخت و یکجانشین نیز می کند که فقط وظیفه خودش می داند از کلاسی به کلاسی دیگر برود.

این مسأله موجب شکل گیری یک ویژگی در بچه ها می شود و آنها را به یک موجود کلاس خوار تبدیل می کند که در تمام مراحل زندگی، علاقه دارند در کلاس های گوناگون شرکت کرده و حضور در آنها انگیزه و اعتماد به نفس کاذب می دهد.

برای یادگیری زبان ها، سازها و هنرهای مختلف دیر نمی شود، اما رشد استخوان ها، عضلات و جسم بچه ها در محدودیت زمانی است.

همان طور که از بدو تولد حجیم ترین و سنگین ترین بخش بدن نوزاد مغز او است و کودک بالاترین میزان رشد را تا سن ۳ سالگی دارد و بیشترین شبکه های عصبی تا حدود ۶ سالگی در مغز انسان شکل می گیرد و این به مرور کمتر می شود - نه اینکه مغز رشدی ندارد، نه! تمایل ما به یادگیری و استفاده از مغزمان کمتر می شود و به کارهای روتین رومی آوریم - رشد جسمی نیز محدودیت دارد و این جسم بیشتر از مغز ما برای حمل و نگهداری نیاز به مراقبت و توجه دارد. والدین آگاه تا قبل از بلوغ و حتی در زمان آن طوری برنامه ریزی کنند که منجر به افزایش قدرت بدنی فرزندشان شوند.

استخوان ها تنها با ورزش کردن و انجام کارهای فیزیکی منظم در روز رشد کرده و مستحکم می شوند. هر چه کودک تحرک بیشتری داشته باشد، رشدش نیز بیشتر خواهد بود. ورزش کردن را تنها به تابستان و تمام شدن مدرسه موقوف نکنید. این کودکان، آینده این سرزمین هستند که با داشتن بدنی سالم و سیستم ایمنی قوی تر، آمار ابتلا به انواع بیماری ها را کمتر خواهند کرد. کودکی فعال می تواند پایه و اساس یک زندگی با درد کمتر و طول عمر بیشتر باشد.

منظم داشته باشد، قدرت بدنی اش افزایش پیدا کرده و در نتیجه دیرتر به بیماری های استخوانی و بالطبع آن عضلانی مبتلا می شود.

سن ابتلا به بیماری های اسکلتی و دردهای ستون فقرات با توجه به کم تحرکی دانش آموزان بسیار پایین آمده و اغلب دبیرستانی ها به انواع کمردرد و پادرد مبتلا هستند.

در دوران مدرسه که زمان ورزش در آن کوتاه است و گاه با سایر درس ها جایگزین می شود، ضرورت داشتن تحرک و انجام فعالیت های بدنی را بیشتر حس می کنیم.

کودکان باید ورزش کنند. انجام ورزش های همگانی برای کودک و نوجوان ۷ تا ۱۴ سال از هر چیزی مهم تر است. نوجوان با داشتن بدن و تفکری سالم، همزمان بلوغ بهتری پیش رو خواهد داشت.

شرکت در کلاس های زبان که دیگر از بدو تولد شروع شده و بدون اینکه کودک یا نوجوان خودش ضرورت دانستن یک زبان دیگر را درک کند، به برنامه ثابت زندگی کودک و نوجوان تبدیل شده است. با این انتخاب ها والدین بچه ها را مجبور به نشستن در کلاس های مختلف و فراگیری قواعد زبان دوم می کنند و این پروسه با تجاری شدن آموزش

مؤسسه های فرهنگی هم در زمینه های رشد فرهنگی - هنری، بویژه این روزها در زمینه پرورش فکر کودکان فعالیت دارند و آنجا نیز برنامه ها را به صورت پانسیون می چینند تا در تمام کارگاه ها ثبت نام و خیال والدین را در جمیع جهات راحت کنند. البته اگر هزینه ها اجازه این جور برنامه ریزی را به والدین بدهد و گرنه بچه مجبور است خودش را با هر آنچه دارد سرگرم کند. تلویزیون، تلفن همراه، دوچرخه، کوچه و... حالا به فرض که ما هزینه اش را داریم، این جور برنامه ریزی کردن خوب است و آیا لازم است تمام روز بچه ها را پر کنیم برای اینکه وقت شان را تلف نکنند و پای تبلت و تلویزیون عمرشان تباہ نشود؟

آیا با این کارها، برای رشد جسمی و پرورش مهارت های اجتماعی و هوش شان تلاش می کنیم؟ اگر مدام برای کودک و نوجوان مان برنامه ریزی کنیم و زمانی را برای او خالی نگذاریم تا اوقات فراغت نام گیرد و او خودش احساس نیاز کند و فکر کند به چه کاری علاقه دارد تا آن را انجام دهد، اصلاً معنای اوقات فراغت را می فهمد؟

با صحبت هایی که با چند مادر درباره نحوه تصمیم گیری و انتخاب کارگاه های تابستانی داشتم، اظهار داشتند علاقه فرزندشان را در اولویت قرار می دهند و توجه به آن سایر موارد برایشان مهم تر است. ابتدا علاقه و در ادامه زمان، مسافت و بعد، هزینه ای که باید برای کارگاه بپردازند.

یکی از مادرها درباره بررسی میزان مهارت و اعتبار مربی در حوزه علاقه مندی فرزند نیز نکاتی را گفت.

جدای از علاقه بچه ها و اینکه لازم است ما فرزندمان را متناسب با زمان خودش پرورش دهیم و برای زندگی در آینده ای که از آن خبر نداریم آماده کنیم، یکسری موارد هست که در طول حیات بشر برای انسان ها و رشدشان ثابت است.

لازم است آن مهارت ها را شناسایی یا به عبارتی در آنها تمرکز کرده و بستر پرورش آنها را برایشان فراهم کنیم. اولین نکته توجه به قدرت بدنی و استحکام استخوان های بچه ها است.

هرچه کودک از سنین پایین شروع به فعالیت های جسمانی مرتب و



شرکت در انواع کلاس های مختلف موجب شکل گیری یک ویژگی در بچه ها می شود و آنها را به یک موجود کلاس خوار تبدیل می کند که در تمام مراحل زندگی، علاقه دارند در کلاس های گوناگون شرکت کرده و حضور در آنها انگیزه و اعتماد به نفس کاذب می دهد

معرفی یک سریال حال خوب کن برای همه

# فوتبال



شخصیت های سریال است و نقش مهمی در تبدیل تد لسو به یکی از بهترین سریال های کمدی قرن بیست و یکم دارد.

## من به این شهرت دارم که تقریباً مشهور هستم

حالتان خوب نیست و به یک آغوش مهربان و گرم نیاز دارید؟ کیلی آنجاست تا شما را در آغوش بکشد، حتی اگر شما ربکا ولتون باشید و فراری از صمیمیت. کیلی جونز در ابتدای سریال به عنوان یک مدل تبلیغاتی و دوست دختر جیمی تارت به ما معرفی می شود، ولی در ادامه به یکی از کاراکترهای اصلی و دوست داشتنی سریال تبدیل می شود.

کیلی مهربان، جذاب، پرانرژی و برونگرا است و همه اینها به طور تحسین برانگیزی با هم ترکیب شده است. او آدم ها را بدون قید و شرط دوست دارد، از زیبایی های تعریف می کند و هیچ کس نمی تواند در برابر رفتار محبت آمیزش مقاومت کند. بازی بی نظیر جونز تمپل در نقش کیلی، هم می تواند اشک شما را در بیاورد و هم شما را از ته دل بخنداند.

## تلاش کردن ترسناک است

همه اعضای تیم ای اف سی ریچموند این امتیاز را ندارند که بین گروه اصلی باشند، اما سم اوبیسایا شایسته این افتخار است. پسرک سیاه پوست و خوش روی تیم، از همان قسمت اول جای خود را در دل

کلمه اهمیت نمی دهد: من! جیمی تارت، ستاره جوان تیم فوتبال ریچموند، به راحتی در فصل اول می تواند شما را کلافه و عصبی کند. در کل فیلم، شما هیچ دیالوگی از جیمی نمی شنوید که تکان دهنده یا خاص باشد. اما، روند تغییر و پیشرفت این بازیکن حرفه ای و خودخواه، بیشتر از هر دیالوگی تأثیرگذار است.

جیمی تارت با تغییراتش به خوبی به ما نشان می دهد که هر انسانی، هر چه قدر هم که خودخواه و مغرور باشد، می تواند رشد کند. شاید یکی از بهترین پیام های کاراکتر جیمی در سریال این باشد که آن چیزی که ما به دنیا و انسان های اطرافمان ارائه می دهیم، نمایش بیرونی درها و مشکلاتی است که سال ها در درون ما انباشته شده است. تنها چیزی که جیمی می خواهد، دیده شدن و تشویق شدن است. یعنی دقیقاً همان چیزی که پدرش از او دریغ کرده است.

## مدت کوتاهی راهم را گم کرده بودم، ولی برگشتم!

قد بلند، بلوند، زیبا، مغرور و پر از کینه! اینها اولین ویژگی هایی هستند که ما در ربکا می بینیم. قسمت های ابتدایی فصل اول، به نظر می آید که ربکا ولتون، صاحب کنونی باشگاه، ضد قهرمان سریال است. تنها هدف ربکا از استخدام تد به عنوان سرمربی، سقوط تیم به دسته پایین تر و اذیت کردن همسر سابقش، روبرت، بود. با این حال، خیلی زود ربکا نیز تحت تأثیر تد قرار می گیرد و اوضاع شروع به تغییر می کند. با اینکه بارها توسط همسر سابقش مورد آزار قرار می گیرد، اما فقط قوی تر و مصمم تر می شود. او همان رئیسی است که ریچموند به آن نیاز دارد و سزاوار آن است.

## من حتی در شادترین خاطراتم، تنها هستم

مربی ببرد، یکی از جذابترین، کم حرفترین و مرموزترین شخصیت های سریال است، با ظاهری خاص و رفتاری خاص تر. وقتی در قسمت هفتم فصل اول، برای اولین بار با بعد دیگری از شخصیت ببرد روبه رو شدیم، همه ما تعجب کردیم. این شگفت زدگی در طول سریال ادامه دارد و در قسمت آخر به اوج خود می رسد، جایی که داستان پشت رفاقت ببرد و تد لسو را می شنویم. ببرد درونگرا، محتاط، اما همچنین دمدمی مزاج و به طرز لذت بخشی گیج کننده است. او یکی از بازمزترین

## نوشین نقیله

نویسنده

من مدت زیادی است که فوتبال نمی بینم. حتی در دو جام جهانی اخیر نیز اشتیاق و هیجانی به دیدن بازی های تیم ملی ایران نداشتم. ولی دبیرستانی که بودم، فوتبال و مهم تر از آن تیم استقلال جز مهمی از زندگی من بود. استقلالی بودن در فامیل ما چیزی شبیه به یک سنت است. همه (به جز دو نفر) طرفدار پر و پا قرص استقلال هستند و من هم از این قاعده مستثنی نبودم.

اوایل دهه هشتاد، که تله تکست به نوعی مهم ترین ابزار جستجوی اخبار برای ایرانی ها به حساب می آمد، هر روز تیترو روزنامه های ورزشی را چک می کردم و هر روزنامه ای که در مورد تیم و بازیکنان استقلال مطلب داشت را می خریدم. ولی با گذشت زمان، علاقه ام به فوتبال هم فروکش کرد و حالا بیشتر از ۱۰ سال است که دیگر پیگیر هیچ بازی و مسابقه ای نیستم. به همین دلیل وقتی یکی از دوستانم پیشنهاد داد که سریال تد لسو را ببینم، مطمئن بودم که خوشم نخواهد آمد. سریالی که در مورد یک باشگاه فوتبال و یک سرمربی آمریکایی که چیزی از فوتبال نمی داند، چه جذابیتی می تواند داشته باشد؟ ولی تد لسو من را غافلگیر کرد و لحظه ای متوجه این غافلگیری شدم که از شدت استرس و هیجان برای بازی تیم ای اف سی ریچموند، داشتم ناخن هایم را می جویدم! این کاری است که تد لسو با شما می کند. شما عاشق تیم می شوید و حتی ممکن است مثل من آرزو کنید که یکی از اعضای تیم بودید و بین دو نیمه، سخنرانی های انگیزشی مخصوص تدرامی شنیدید. در سال ۲۰۲۰، در میانه قرنطینه کووید-۱۹، سریال تد لسو داستانی را شروع کرد که شبیه یک آغوش گرم و آرام بخش بود، آن هم درست زمانی که همه به آن نیاز داشتند. اما تد لسو فقط یک سریال برای انتقال احساس خوب نیست، در حقیقت ورزش را به راهی برای افزایش خوبی در دنیا تبدیل می کند. با بخش فصل سوم سریال، طرفداران شاهد پیشرفت بیشتر شخصیت ها و قوس های داستانی جالب بودند. چه کاراکتر شرور و نفرت انگیزی مانند روبرت مانین باشد، چه شخصیت دوست داشتنی تد لسو. تک تک این کاراکترها و تغییرات آنها برای انتقال پیام سریال و محبوبیت جهانی آن مهم بودند. تد لسو بیشتر از اینکه یک روایتگر باشد و از طریق داستان خود ما را مجذوب کند، با شخصیت هایش جای خود را در دل مخاطبان باز کرد. زمانی که قسمت آخر سریال را دیدم، احساس می کردم بعد از یک مدت طولانی باید با دوستانم وداع کنم؛ دوستانی که در طول این سه فصل با آنها زندگی کرده بودم، تمرین کرده بودم، بعد از برد تیم جشن گرفته بودم و بعد از باخت گریه کرده بودم. به همین دلیل، دوست داشتم در معرفی سریال به شخصیت ها بپردازم؛ شخصیت هایی که بدون آنها این قصه ساخته نمی شد. برای این معرفی از ضد قهرمان قصه شروع می کنم و در نهایت به قهرمان دوست داشتنی داستان، سرمربی لسو می رسم.

## او هر کاری هم بکند باز طرفداران دوستش دارند

بیشتر ما در زندگی خود با آدم هایی برخورد داشته ایم که ظاهری جذاب، مهربان و خوش رو دارند، اما در باطن به چیزی جز منافع خودشان اهمیت نمی دهند. زندگی با این آدم ها زمانی سخت تر می شود که نمی توانند این موضوع را به دیگران ثابت کنند. روبرت، شوهر سابق و کینه توز ربکا و مالک قبلی ای اف سی ریچموند، از همین دسته است. اولین کسی که غیر از ربکا متوجه خوشرویی ربکا ارانه او می شود، تد است. زمانی که ربکا به تد می گوید «روبرت هر کاری بکند باز هم مردم دوستش دارند» و تد جواب می دهد «تو تنها کسی نیستی که متوجه ذات واقعی او شدی». شاید این همان نقطه ای است که تصمیم ربکا برای تخریب تد تغییر می کند. خلاف بیشتر داستان ها، تد لسو بیشتر بر ماهیت حس خوب و درگیری های جذاب قهرمانان داستان متمرکز است و نیاز چندانی به حضور زیاد ضد قهرمان اصلی خود ندارد. اما هر زمانی که روبرت مانینون ظاهر می شود، خون هر بیننده ای به جوش می آید.

## تو باعث شدی من فکر کنم آدم مهمی هستم

بسیاری از شخصیت های تد لسو در طول نمایش به طور قابل توجهی تغییر کرده اند، اما هیچ کدام به اندازه نیت شلی، با بازی نیک محمد، تغییر پیچیده ای نداشتم. نمایش تبدیل نیت از یک تدارکاتچی خجالتی که تد به او انگیزه می دهد تا از پوسته اش بیرون بیاید و به پتانسیل کامل خود برسد، ولی به دشمن قسم خورده و انتقام جوی تد تبدیل می شود، دلخراش نیست. اما این تغییر ناراحت کننده، دلیلی دارد که شاید بسیاری از ما آن را تجربه کرده باشیم؛ احساس نادیده گرفته شدن توسط کسی که برایمان خیلی عزیز است. تد اولین کسی بود که نیت را در باشگاه فوتبال دید و برای نظراتش ارزش قائل شد و برای نیت قابل تحمل نبود که دوباره نامرئی شود. او می خواست دیده شود، حتی به قیمت اینکه پا به درون تاریکی بگذارد.

## مربی، من هستم! چرا بخوایم چیز دیگری باشیم؟

این دیالوگ به خوبی توصیف کننده شخصیت جیمی است. بازیکنی که به چیزی جز این

نام فیلم..... Ted Lasso

امتیازها IMDB..... ۸/۸

Rotten Tomatoes..... ۸۹%



در سال ۲۰۲۰، در میانه قرنطینه کووید-۱۹، سریال تد لسو داستانی را شروع کرد که شبیه یک آغوش گرم و آرام بخش بود، آن هم درست زمانی که همه به آن نیاز داشتند. اما تد لسو فقط یک سریال برای انتقال احساس خوب نیست، در حقیقت ورزش را به راهی برای افزایش خوبی در دنیا تبدیل می کند



نگاهی دیگر به زندگی

## همه او در یک مشت جاشد

آمنه اسماعیلی

نویسنده



گل فروش‌ها کنار اتوبان رزها و میخک‌ها و داودی‌ها را به نگاه‌های غمگین می‌فروختند و تابلو بهشت زهرا برایم دلهره‌آور بود و رنگارنگی هیچکدام از گل‌ها از نفس‌تنگی و دلهره‌ام کم نمی‌کرد. صبح زود بود.

رفتیم کنار قطعه ۱۰۲ تا صندلی‌ها را بیاورند، سایبان بزنند... و قبر را آماده کنند.

در خانواده پدری، غم و مصیبت زیاد دیدیم و تمام مراحل تشییع و تدفین و همه را خوب بلدیم. اصلاً هر کسی بلد است که هنگام عزاداری آشپزخانه و مسجد چه مسئولیتی داشته باشد. آن روز اما نمی‌دانم چطور قبل از سالن تطهیر و نماز میت بالا سر گور و گورکن نشسته بودیم. انگار که خدا می‌خواست آنجا بنشینیم.

پسرک جوانی که آفتاب‌سوختگی نمی‌گذاشت بهم چندان ساله است پتک را بالا می‌آورد و می‌گوید روی سیمان‌های قدیمی زیر سنگ قبری قدیمی.

از فوت صاحب سنگ قبری قدیمی که پدر زن عمویم بود، سی و اندی سال گذشته بود و عمویم می‌خواست در آن منزل آرام بگیرد. آنجا فهمیدم که در چنین مواقعی با توجه به سن قبر و سال تدفین از خانواده متوفی، قبر را می‌شکافتند و اگر چیزی باقی مانده باشد، در کیسه‌ای می‌ریزند و پایین پای متوفای جدید از همان خانواده دفن می‌کنند.

کلنگ گورکن رسید به خاک نرم... من دیدم.

رسید به لحد... من دیدم کلنگ بلند شد و بین شکاف‌های باریک لحد فرود آمد و آنها را شکافت. لحدها را بیرون چید یکی یکی.

هنوز نفهمیدم که چه شد آن وقت صبح آنجا بودم.

گورکن یک کیسه پوشانده بود. هر از گاهی سرش را بالا می‌آورد و با آستینش عرق‌های پیشانی‌اش را می‌گرفت.

کیسه را گرفت و استخوان‌ها را جمع کرد؛ استخوان‌های یک انسان که شاید هیچ وقت فکر نمی‌کرده بمیرد و دنیایش تمام شود و برگردد. استخوان‌های یک انسان که روزهای زندگی را هجی کرده تا رسیده به آرزوهایش شاید یا نرسیده. چیزهایی که می‌دیدم در تیرگی و سردی خاک هم پر از جزئیات بود. حتی استخوان بند بند انگشتانش بود و استخوان‌های درشت‌تر که با اینکه پوسیده بود، هنوز شبیه شکل اولیه‌اش بود انگار. مقداری از چلوار هم بود که دیگر در حافظه‌اش نمانده‌اش حتی خاطره‌ای از روزی که مردی را در خود جا داده بود، نبود.

همه چیز را ناگهان فراموش کردم و در یک خلأ شناور شدم... همه آن مرد در یک کیسه جاشد! و اگر چند سال دیگر می‌ماند، همه‌اش را باد می‌برد وقتی گورکن لحد را می‌شکافت.

به خودم آمدم و در سرم می‌چرخید: حالیا فکر سبو کن که پر از باده کنی...

من در بند بند انگشت‌هایی که در یک مشت جاشد و ریخته شد در کیسه که پایین پای عمو قرار داده شود، رازهای زیست یک انسان را دیدم؛ که آنچه تا دستانش زنده بود، در آغوش گرفته، مهم بود نه خود انگشتانش.

در سرم روزی چند بار می‌چرخد که: باور کن! باور... ما به جان ماندگاریم، آمنه! نه به جسم... و تا وقت هست جسمت را به خدمت جان آگاهت در بیاور!

جان آگاهت بی‌ابدیت است و حتی روزمرگی‌هایش را شادی‌هایش را وقف ابدیت می‌کند و در سر هیچ جان آگاهی، قضاوت دیگران و نشخوار واژه‌های بیهوده نیست، آمنه!

در سرم روزی چند بار می‌چرخد که: باور کن! باور... ما به جان ماندگاریم، آمنه! نه به جسم... و تا وقت هست جسمت را به خدمت جان آگاهت در بیاور! جان آگاهت بی‌ابدیت است و حتی روزمرگی‌هایش را شادی‌هایش را وقف ابدیت می‌کند و در سر هیچ جان آگاهی، قضاوت دیگران و نشخوار واژه‌های بیهوده نیست، آمنه!

## یعنی زندگی!



شما باز می‌کنید. سم بخش مهمی از تیم ریچموند است. او نه تنها یک هافبک برجسته، بلکه یکی از مهربان‌ترین، وفادارترین و دوست‌داشتنی‌ترین شخصیت‌های سریال است. تعصب و علاقه‌ای که او به زادگاهش، نیجریه، دارد و تلاشش برای خوب بودن، بدون شک همه بیننده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

## انسان هیچ وقت نمی‌تواند کامل و بدون نقص باشد

شما هرگز نمی‌توانید لزلی هیگنز را دوست نداشته باشید! اگرچه مدیر اجرایی فروتن، صبور و خوش اخلاق باشگاه در طول سریال تغییر خاصی نمی‌کند و در صحنه‌های دراماتیک نقش خاصی ندارد، اما شما همیشه از دیدن او خوشحال می‌شوید. لزلی می‌تواند هر موقعیتی که تیم به او نیاز دارد را پر کند. هیگنز همسر و پدری فوق‌العاده، مردی اخلاق‌مدار و دوست‌نزدیک هر کسی است که به او نیاز دارد.

او همیشه می‌تواند کارها را پیش‌ببرد و همواره آن را با لبخندی جذاب انجام می‌دهد. به همین دلیل است که وقتی همه بازیکنان برای میهمانی کریسمس به خانه‌اش می‌روند، از ته دل آرزو می‌کنید که شما هم آنجا بودید!

## فوتبال تمام چیزی است که من هستم

از شروع فصل اول، یعنی همان زمانی که طرفداران باروی کنت بدخلق و به طرز وحشتناکی بدقلق (با بازی برت گلدشتاین، که یکی از نویسندگان اصلی سریال نیز هست) آشنا شدند، او بلافاصله به یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌ها تبدیل شد و در طول سریال نیز باقی ماند.

روی یکی از بازیگرانی، دوست‌داشتنی‌ترین و پیچیده‌ترین شخصیت‌های سریال است. شخصیت بد اخلاق، زودجوش و در عین حال وفادار و حامی روی، او را به یکی از اعضای منحصر به فرد گروه تبدیل می‌کند. اگرچه روی از نشان دادن آن مطلقاً اجتناب می‌کند، ولی در واقع آدمی است که قلبی از طلا دارد. بدون شک هیچ کس نمی‌تواند زمانی که «روی» در اتاق مربی‌ها به سبک خاص خود ابراز احساسات می‌کند، قهقهه نزند!

## انجام دادن کار درست هرگز کار اشتباهی نیست!

«برای من موفقیت، برد و باخت نیست. موفقیت یعنی به این بچه‌ها کمک کنم بهترین نسخه‌های خود را داخل و خارج از زمین باشند». این جمله، تقریباً اولین دیالوگ خاص تد است که در قسمت دوم خطاب به خبرنگارها می‌گوید؛ جمله‌ای که نمایانگر شخصیت واقعی تد است.

تد لسو به غیر از جذابیت قهرمان اصلی داستان، یک مربی فوتبال آمریکایی است که برای مربیگری یک تیم حرفه‌ای فوتبال به بریتانیا آورده شده، و گرنه به این سریال فوق‌العاده دوست‌داشتنی و دل‌انگیز تبدیل نمی‌شد. او یکی از دوست‌داشتنی‌ترین شخصیت‌ها و الهام‌بخش‌ترین مربیان تاریخ تلویزیون است. هر زمان که تد لیختن می‌زند، چوک می‌گوید یا خاطره تعریف می‌کند، مانند یک آغوش گرم برای روح است و هر وقت گریه می‌کند یا عذاب می‌کشد، مثل این است که یک مشت محکم به شکم ما می‌خورد. تد بی‌نهایت مهربان، الهام‌بخش و وفادار است و تماشای او در حال کمک به رشد اطرافیانش لذت‌بخش است، مثل خوردن یک لیوان شیر کاکائو داغ در عصر یک روز سرد زمستانی.



سبک زندگی فردی. فراغت. دانش عمیق

# حوضچه‌ای عمیق یا اقیانوسی مسطح؟

سارا مومنی  
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

در کنار زمانی که هر کدام از ما به کار و تلاش زندگی روزمره اختصاص می دهیم، زمانی برای استراحت، فراغت و خروج از روال همیشگی داریم که اگر به صورت ممتد و در بازه‌های زمانی مشخص تکرار شود، خودش هم تبدیل به یک عادت می شود. یکی از اینها مطالعه است. مطالعه یکی از کارهایی است که در مفاهیم «فراغت» و «موقعیت اجتماعی» که هر دو از ابعاد سبک زندگی فردی و اجتماعی هستند، به طور مشترک حضور دارد. در بعد موقعیت اجتماعی اگر بخواهیم دوران قبل از مدرسه را فاکتور بگیریم، از هفت سالگی با کتاب و مطالعه و خواندن آشنا می شویم، تحصیلات مان را ادامه می دهیم و تا مقطعی که انتخاب می کنیم به سمت دانشی که می خواهیم، پیش می رویم و به تبع تلاشی که در این راه کرده ایم به یک موقعیت اجتماعی می رسیم.

در بعد فراغت هم باید از روزهایی یاد کرد که نوزاد بودیم و بابا و ماما به دست مان کتاب های پارچه ای می دادند و رنگ ها و شکل ها را می دیدیم و لذت می بردیم. بزرگتر که شدیم و خواندن یاد گرفتیم، آرام آرام فهمیدیم که به چه موضوعی بیشتر از همه علاقه داریم و کنجکاویم که درباره آن بیشتر بدانیم و بخوانیم؛ هنر، زیست، فیزیک، ادبیات، رایانه، داستان و غیره. اما همه چیز به همین راحتی و خوبی پیش نرفت، عواملی بیرون از ما شکل گرفتند و گسترده شدند که روی ما، علایق و انتخاب هایمان مؤثر بودند.



شخصیت  
آدم ها را از دو  
چیز می توان  
شناخت؛  
کتاب هایی  
که مطالعه و  
آدم هایی که  
ملاقات می کنند



## صدا و تصویر؟ بله. کتاب؟ خیر!

یکی از عوامل مهمی که روی ما، علایق و انتخاب هایمان در حوزه فراغت و موقعیت اجتماعی تأثیر گذاشتند، رسانه های جمعی بودند. پس از صنعت چاپ و مطبوعات، همه آدم ها در کشورهای مختلف با حجم وسیعی از اطلاعات جهانی در قالب صدا و تصویر مواجه شدند که نظریه پردازان از آن به نام انفجار اطلاعاتی یاد می کنند. اخبار، دانش، قصه ها و وقایعی که پیش از این از طریق تلگرام، نوشتار و کتب مختلف در اختیار مردم در طبقه ای خاص قرار می گرفت، به ناگه در قالب تصویر و صدا و با سرعتی بیش از متون چاپی به تمام مردم جهان مخابره شد. اطلاعات مختلف از حوزه ها و کشورهای مختلف میان مردم جهان چرخید و این فارغ از پیام های مثبت و منفی مختلفی که داشت و جای صحبت کردن از آن در این مطلب نیست، میان مطالعه و مردم در هر دو بعد موقعیت اجتماعی و فراغت فاصله ای ایجاد کرد. آدم ها دیگر برای کسب اطلاعات مختلف و همچنین پرکردن فراغت شان صرفاً کتاب و مطالعه را انتخاب نمی کردند، بلکه فیلم، موسیقی، اخبار، دانش و نمایش های مختلف را از رسانه های جمعی دریافت می کردند و این طور دانش و فراغت خود را در مسیر علایق خود پیش می بردند. بنابراین کتاب و مطالعه در بعد فراغتی مردم کم رنگ شد و در حوزه موقعیت اجتماعی، جایگاهی پررنگ تر و اختصاصی تر پیدا کرد؛ به این معنا که به مطالعه و کتابخوانی در راستای کسب علم و دانش تخصصی اهمیت بیشتری داده شد. این مسأله با آمدن رسانه های جدید نه تنها شدت بیشتری گرفت، بلکه تغییرات ماهیتی در کیفیت دانش کسب شده مردم ایجاد کرد.



## اینترنت؟ کارخانه اقیانوس های مسطح

پس از کم رنگ شدن حضور کتاب در زمان فراغت مان، چشم و گوش همه ما به رسانه های جمعی بود. به صداها و تصاویری که می دیدیم و می شنیدیم. هیچ وقت فکرش را نمی کردیم که امکانش ایجاد شود و روزی برسد که خودمان به یک رسانه کوچک تبدیل شویم که در عین اینکه از رسانه های کوچک دیگر تغذیه می کنیم و آنها را مصرف می کنیم، خودمان نیز رسانه ای شویم و «دانش» و اطلاعات خودمان را برای مصرف دیگران منتشر کنیم. شاید در ابتدا این امر یک فرصت و امکان خوب تلقی می شد که دیگر آدم ها مخاطب صرف نیستند و می توانند کنشگری و فعالیت داشته باشند و اصلاً خودشان تبدیل به یک رسانه شوند. بنابراین چشم و گوش های ما در رسانه های جمعی به سمت رسانه های اجتماعی برگشت و با تصور اینکه حالا خودمان هم رسانه و کاربر هستیم، دست به کار شدیم و دانش و محتوایی را که می خواستیم، در هر سطح و مقداری که بود، منتشر کردیم. این مسأله باعث شد که ما نیز به اطلاعات کاربران دیگر دسترسی داشته باشیم و این طور فکر کنیم که همین دیدن، شنیدن و خواندن محتوا و اطلاعات کاربران دیگر، به ما یک دانش گسترده می دهد که می تواند بخوبی جایگزین اخبار، اطلاعات دست اول و کتاب ها بشود. عطش ما به دیدن و شنیدن و انتشار اطلاعات مختلف و وقایع روز بیشتر شد و همین باعث شد که بدون توجه به انتخاب، علاقه و تخصص و استعدادمان، اجازه بدهیم که بازمهم همه نوع محتوا و دانش و اطلاعاتی به گوش و چشم و عقل مان منتقل شود و این طور شد که فکر کردیم نسبت به همه چیز دانش داریم و بنابراین می توانیم درباره همه چیز صحبت کنیم، نظر بدهیم و قضاوت کنیم. اما این فقط از ما اقیانوس هایی با عمق یک بند انگشت ساخت.

دانش های سطحی، غیرشفاف و قضاوت پذیر اما اعتماد به نفس ساز که دیگر دانش نبودند. بلکه توده ای از داده و محتوای درهمی بودند که بازمهم در واقعیت ما را تبدیل به یک مخاطب منفعل کردند؛ اما در ظاهر این فکر را در ما ایجاد کردند که کاربر و فعال و کنشگر هستیم و بی نیاز از مطالعه و کتاب برای موقعیت اجتماعی و حتی فراغت مان.



## کتاب ها و آدم ها ما را می سازند، ما کتاب ها و آدم ها را می سازیم

مسأله انتخاب مطالعه و کتاب خواندن چه برای تحصیل و چه برای اوقات فراغت به قدری ارزشمند و مهم است که آن را مستقیماً بر شخصیت آدم ها مؤثر می دانند. یکی از نویسندگان مطرح جهان جمله خوبی درباره آدم ها دارد؛ او معتقد است که شخصیت آدم ها را از دو چیز می توان شناخت، کتاب هایی که مطالعه می کنند. این موضوع درباره رسانه های فردی و جمعی دیگر این گونه نیست و علت این فقط به ماهیت عمیق، فردی، روشن و مشخص دانش در قالب کتاب برمی گردد. کتاب مطالعه یک دانش متمرکز، مشخص و روشن را به ما منتقل می کند. رسانه های دیگر این دانش و محتوا را به صورت غیرمتمرکز، سطحی و پراکنده منتشر می کنند؛ چیزی که نه تنها سازنده نیست، که مخرب شده نیز خواهد بود.



اقیانوس مسطح  
بودن باعث  
می شود که  
اطلاعات عمیق  
و کافی درباره  
موضوع ها  
نداشته باشیم،  
اما فکر کنیم همه  
چیز را می دانیم  
و می توانیم  
درباره همه  
چیز به درستی  
حرف بزنیم،  
نظر بدهیم و  
آن را قضاوت یا  
ارزشگذاری کنیم



## انتخاب دانش عمیق و واقعی

اقیانوس مسطح بودن باعث می شود که اطلاعات عمیق و کافی درباره موضوع ها نداشته باشیم، اما فکر کنیم همه چیز را می دانیم و می توانیم درباره همه چیز به درستی حرف بزنیم، نظر بدهیم و آن را قضاوت یا ارزشگذاری کنیم. این اتفاق نه تنها کمکی به رشد فردی خودمان نمی کند، نه تنها به درستی فراغت مان را پر نمی کند، نه تنها اثر مثبتی روی موقعیت اجتماعی مان ندارد، بلکه هیچ اثرگذاری مثبتی روی تولید علم و دانش برای عموم و رشد عمومی علم در سطح جامعه هم ندارد. بله، حالا آرام آرام به سمت دانش دست اول، کتاب و مطالعه برمی گردیم. حتی اگر نوع آن را تغییر بدهیم و مثلاً مطالعه خلاصه کتاب های مورد علاقه مان یا کتاب های صوتی را انتخاب کنیم، باز هم کتاب و دانش عمیق را به سبک زندگی خود برگردانده و تصمیم گرفتیم که از اقیانوس مسطح کارخانه ای بودن فاصله بگیریم. فارغ از این، انتخاب و عمیق شدن در یک موضوع، باعث می شود که درباره موضوع های مختلف، رفتاری حرفه ای و انسانی داشته باشیم و با نگاهی بدون جانبداری اما فعال، اطلاعاتی را که به سمت مان می آیند، مدیریت کنیم و عاقلانه، محتاطانه و منصفانه تصمیم بگیریم که در مواجهه با آنها چه واکنشی داشته باشیم. به طبع، هنگام تولید محتوا نیز خودمان فقط درباره چیزی حرف می زنیم که در اوقات فراغت آن را مطالعه کرده ایم، به آن علاقه داریم و در زمان های مختلف اطلاعات مربوط به آن را پیدا می کنیم، مطالعه می کنیم و دانش مان را در حوزه آن به روز می کنیم.





### چند نکته در خصوص مواد اولیه

از عوامل موفقیت در اندازه گیری، عدم تبدیل واحدها و استفاده از ابزار گفته شده در دستور منبع است، پس از ترازوی آشپزخانه به جای پیمانه‌ها استفاده کنید تا بهترین و دقیق ترین نتیجه را بگیرید. اما اگر ترازو در دسترس ندارید، برای اطلاع از نحوه صحیح استفاده از پیمانه‌های اندازه گیری، در اینترنت جست و جو کنید و راه تبدیل آنها به یکدیگر را بررسی کنید. در ضمن این نکته را بدانید که برای اندازه گیری مواد اولیه باید از پیمانه‌ها و قاشق‌های استاندارد شیرینی‌پزی استفاده کنید.

برای این دستور می‌توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی سوپرمارکتی (مارگارین) یا مخلوط هر دو کره استفاده کنید. دقت کنید که برای این دستور کره سنتی، کره لاکتیکی، کره کم چرب، روغن جامد و روغن صاف قابل استفاده نیستند. نکته بسیار مهم دیگر آن است که کره باید دقیقاً زمان استفاده از یخچال خارج شده و سرد باشد. برای اندازه گیری آرد، ظرف یا پاکت آرد را با قاشق هم بزنید، پیمانه را با قاشق پر کنید و سر پیمانه را صاف کنید. آرد اندازه گیری شده را حتماً دوبار الک کنید. الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی مایه اسکون کمک می‌کند و باعث می‌شود نان بافت سبک‌تری داشته باشد. در این دستور باید از خامه صبحانه که در بسته بندی استوانه‌ای شکل و صورتی رنگ با مارک‌های میهن، پگاه، کاله و... در سوپرمارکت‌ها به فروش می‌رسد استفاده کنید. خامه شیرین شده قنادی و خامه کم چرب قابل جایگزینی نیستند. ممکن است شما بخواهید اسکون ساده درست کنید، اما توجه کنید که مقداری از لطافت و رطوبت این اسکون‌ها از توت‌فرنگی‌هاست، پس بهتر است توت‌فرنگی حذف نشود. توت‌فرنگی با باقی میوه‌های هم‌خانواده بری‌ها مثل شاه‌توت، بلوبری و تمشک قابل جایگزینی است، اما به هیچ وجه در این دستور میوه فریز شده قابل استفاده نیست.

### مواد لازم برای تهیه اسکون توت‌فرنگی

آرد ..... یک پیمانه\*  
 شکر سفید ..... دو قاشق غذاخوری  
 نمک ..... یک هشتم قاشق چای خوری  
 کره سرد ..... ۴۰ گرم  
 خامه صبحانه (هم‌دمای محیط) ..... یک دوم پیمانه  
 وانیل ..... یک هشتم قاشق چایخوری  
 توت‌فرنگی تازه خرد شده ..... ۷۰ گرم  
 بیکنینگ پودر ..... یک دوم قاشق غذاخوری  
 \* اگر پیمانه‌های استاندارد شیرینی‌پزی را دارید از همان استفاده کنید، اما اگر به آنها دسترسی ندارید یک لیوان دسته‌دار فرانسوی را معادل یک پیمانه در نظر گرفته و برای اندازه گیری از آن استفاده کنید.

### مواد لازم رومال (هم‌دمای محیط)

شیر یا خامه صبحانه ..... دو قاشق غذاخوری  
 شکر قهوه‌ای ..... دو قاشق غذاخوری

### مراحل آماده‌سازی خمیر اسکون

در کاسه‌ای آرد الک شده و بیکنینگ پودر را با هم با ویسک (همزن دستی) مخلوط کرده و مجدد یک دور با هم الک کنید. حالا شکر و نمک را هم به مواد خشک اضافه کرده و با ویسک خوب هم بزنید تا یکدست پخش شوند. برای اطمینان بیشتر یک دور دیگر همه مواد را با هم الک کنید زیرا الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی مایه اسکون کمک می‌کند. کاسه مواد خشک را کنار بگذارید.

برای تهیه اسکون ترد و لایه‌ای بهتر است به جای غذا ساز، از چنگال یا پیستری بلند که همان همزن دستی مخصوص خمیر است استفاده کنید تا مواد بیش از حد مورد نیاز مخلوط نشوند. کره را از یخچال خارج کرده، مکعبی برش بزنید، روی مواد خشک بریزید و با استفاده از چنگال از آرد بردارید و روی کره به صورت عمود فشار دهید تا مواد مخلوط شوند. بین کار مواد را با دست از لای شیارهای چنگال خارج کنید و دوباره ادامه دهید، از آرد روی کره بریزید و به صورت عمودی یا مایل فشار دهید. در واقع با این تکنیک شما در حال برش زدن کره سرد لایه‌لای مواد خشک، بدون نرم کردن کره یا آب شدن چربی هستید. با این کار به جای یکدست شدن چربی و مواد خشک، خمیر حالت خرده نان به خودش می‌گیرد که کلیه تردی و شکنندگی در این دسته از خمیرها است. خامه و وانیل را در کاسه‌ای با چنگال مخلوط کنید تا یکدست شوند، به خمیر گلوله‌ای شکل اضافه کنید و با ویسک یا قاشق چوبی یا کندترین دور همزن برقی، هم بزنید تا خمیر تشکیل شود. دقت کنید که برای ایجاد بافت ترد و لطیف هم‌زدن زیاد ممنوع است. اکنون توت‌فرنگی‌های تازه را به سایز دلخواه خرد کرده، به خمیر اضافه کنید و با ویسک هم بزنید، در این مرحله خمیر نسبتاً چسبیده‌ای به دست می‌آید. روی تخته کار خیلی کم آردپاشی کرده، خمیر را روی آرد ریخته و به قطر چهارده تا پانزده سانت به شکل دایره‌ای با دست فرم دهید. حالا تخته را به مدت بیست دقیقه در فریزر قرار دهید. اکنون فر را روشن می‌کنیم تا گرم شود.



آموزش اسکون توت‌فرنگی، یک عصرانه خوشمزه

# بفرمایید یک لقمه نان و توت‌فرنگی!

فائزه صدیقی  
 نویسنده

مورد استفاده قرار می‌گیرد و علاوه بر طعم دلنشین، جذابیت بصری دلنوازی هم به خوراکی‌ها اضافه می‌کند. حالا ما می‌خواهیم کنار هم مشغول درست کردن یک اسکون توت‌فرنگی شویم. اسکون‌ها (Scone) بافتی بین نان و شیرینی دارند و در دسته نان‌های سریع طبقه بندی می‌شوند. نان‌های سریع با بیکنینگ پودر، جوش شیرین یا مخلوط هر دو عمل آوری شده و نیازی به اضافه کردن خمیرمایه و استراحت برای ور آمدن ندارند. خمیر اسکون را به صورت دایره‌ای یا مثلثی، شکل می‌دهند و همیشه به صورت تک نقره پخته می‌شود. اسکون شیرینی کمی دارد و برای مزه دار کردن آن از خامه، مربا یا کره استفاده می‌کنند و به عنوان صبحانه یا عصرانه سرو می‌شود. پس امروز برای درست کردن اسکون توت‌فرنگی با من همراه باشید تا ببینیم وقتی یک لقمه نان و توت‌فرنگی می‌خوریم واقعاً چه چیزی انتظار ما را می‌کشد.

فصل تابستان فرا رسیده و همه جا پر شده است از انواع میوه‌های تابستانی بسیار لذیذ و خوشمزه مخصوص این فصل. میوه‌هایی که بودنشان تحمل گرمای طاقت فرسای تابستان را کمی برایشان راحت‌تر می‌کنند. میوه‌های تابستانی با عطر، طعم، رنگ و بافت عالی، جزو مواد اولیه پرطرفدار در آشپزی به حساب می‌آیند و قسمت قابل توجهی از ابداعات سرآشپزهای بزرگ، با این میوه‌ها خلق شده است. از جهتی هرچقدر هوا گرم‌تر می‌شود، انگار تمایل آدم‌ها به خوردن غذاهای سنگین کمتر شده و به دنبال خوردن خوراکی‌های سبک و خوشمزه‌ای هستند تا بتوانند این روزهای گرم را راحت‌تر بگذرانند. با همه این تفاسیر امروز تصمیم دارم در کنار هم مشغول درست کردن یک‌جور نان سریع و خوشمزه با تکه‌های توت‌فرنگی شویم. توت‌فرنگی از جمله جذاب‌ترین میوه‌هایی است که در تهیه طیف گسترده‌ای از خوراکی‌ها

\* اجازه دهید در این قسمت از کار نکته مهمی را برایتان بگویم که اوایل کار بارها باعث ناامیدی من از کیک و شیرینی‌پزی می‌شد! دمای پخت در فرهای گازی و برقی در پخت کیک و شیرینی و نان یکی نیست و بطور معمول دمایی که در فرهای برقی مثل ماگروف یا سایر نمونه‌ها باید برای پخت انتخاب کنیم حدوداً بیست درجه کمتر از دمای فرهای گازی است. این عدد می‌تواند با توجه به فضا و اندازه فر برقی شما پنج درجه کمتر یا بیشتر باشد. اما در دستورهای آشپزی و شیرینی‌پزی عموماً به این مورد اشاره‌ای نمی‌شود و تنها یک دما که برای فر گازی است بیان می‌شود و اگر شما نکته تفاوت دمایی را ندانید در نهایت کیک و شیرینی و نان سوخته و سفت تحویل می‌گیرید!

\* پس با این توضیحات اگر فر شما گازی است آن را روی دما ۲۰۰ درجه سانتی‌گراد بگذارید ولی اگر فر برقی دارید با دما حدوداً ۱۸۰ درجه سانتی‌گراد آن را روشن کنید تا گرم شود.

بعد از روشن کردن فر، کف سینی شیرینی‌پزی یا رولت که در لوازم قنادی‌ها با جنس آلومینیومی، گالوانیزه یا تفلون به فروش می‌رسد کاغذ روغنی، ورق تفلون یا مت سیلیکونی بیندازید و آماده بگذارید. تخته کار را از فریزر خارج کرده و خمیر را به شکل مثلث‌های پیتزایی یا چاقویی تیز برش بزنید. اسکون‌ها را با فاصله روی سینی از قبیل آماده شده بچینید و برای رومال با استفاده از برس شیرینی‌پزی، شیر یا خامه را روی اسکون‌ها بمالید و در انتها شکر قهوه‌ای روی آنها بپاشید. سینی را در فر از قبل گرم شده قرار داده و اسکون‌ها را به مدت یک ربع تا هجده دقیقه بپزید و بعد سینی را روی توری خنک کننده قرار دهید. بعد از پنج دقیقه اسکون‌ها را از روی سینی برداشته و مستقیم روی خود توری بگذارید تا عرق نکنند و بافت آنها خراب نشود.

### شرایط مصرف و نگهداری اسکون توت‌فرنگی

مثل همه نان‌ها اسکون هم بهتر است تازه و گرم سرو شود. اگر دمای منزل خنک است، اسکون‌ها را در ظرف دردار در دمای محیط نگهداری کنید و در صورت گرم بودن فضای منزل، در یخچال بگذارید. این اسکون‌ها معمولاً چهار روز ماندگاری دارند و یک صبحانه و عصرانه فوق‌العاده خوشمزه و دلچسب هستند. از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگی‌تان هر روز بیشتر از روز قبل باشد.



اسکون‌ها (Scone) بافتی بین نان و شیرینی دارند و در دسته نان‌های سریع طبقه بندی می‌شوند. نان‌های سریع با بیکنینگ پودر، جوش شیرین یا مخلوط هر دو عمل آوری شده و نیازی به اضافه کردن خمیر مایه و استراحت برای ور آمدن ندارند



# فناوری و رسانه



بازدید خبرنگار «ایران جمعه» از پژوهشگاه رویان که یکی از ۱۰ مرکز تحقیقاتی دنیا در زمینه علوم زیستی است

## در تقاطع بزرگراه‌های زین‌الدین - صیاد شیرازی چه خبر است؟

ونوس یهنود

دبیر تحریریه

vbehnood@gmail.com

پزشکی تولید مثل را از شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی دریافت کرد و در آبان ماه ۱۳۸۸ شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با ارتقای آن از پژوهشگاه رویان موافقت کرد. این پژوهشگاه هم‌اکنون فعالیت‌های پژوهشی خود را در قالب سه پژوهشگاه علوم تولیدمثل، زیست‌شناسی و فناوری سلول‌های بنیادی و زیست‌فناوری دنبال کرده و همچنین از طریق سه مرکز فوق تخصصی درمان ناباروری، سلول‌درمانی و دیابت خدمات خود را به بیماران ارائه می‌کند.

برای اولین بار در منطقه، پژوهشگاه رویان واقع در ضلع جنوب شرقی تقاطع بزرگراه‌های زین‌الدین - صیاد شیرازی کارآزمایی بالینی حاصل از سلول‌های بنیادی را برای درمان بیماری دیابت و پارکینسون عملیاتی کرده است. پژوهشگاه رویان در سال ۱۳۷۰ به عنوان مرکز جراحی محدود با هدف ارائه خدمات درمانی به زوج‌های نابارور و پژوهش و آموزش در زمینه علوم باروری و ناباروری توسط زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی تأسیس شد. پژوهشگاه رویان در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ به ترتیب مجوز مراکز تحقیقات علوم سلولی و مرکز تحقیقات

مورد استفاده قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است نتایج تحقیقات پژوهشگران از هشت کشور آمریکایی، آفریقایی، آسیایی و اروپایی که نتایج آن در نشریه بین‌المللی Andrologia منتشر شده است، پژوهشگاه رویان طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۹ میلادی براساس تعداد کل انتشارات در حوزه‌های ناباروری مردان و روش‌های کمک باروری (ART) در رتبه ده مؤسسه برتر تحقیقاتی جهان جای گرفته است. براساس این نتایج، روش‌های کمک باروری به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی مدیریت درمان محسوب می‌شوند و پژوهشگاه رویان در این حوزه از سرآمدان شاخص جهان بر شمرده شده است.

نتایج این تحقیقات از بازبایی و تحلیل داده‌های بیست ساله پژوهشگران جهان و براساس میزان وابستگی نویسندگان، میزان همکاری، تعداد مقالات، تعداد نویسندگان، نوع استاد، حوزه موضوع، همکاری‌های بین‌المللی و سال انتشار کسب شده است. در نقشه این تحقیقات مشخص شده است که پژوهشگران ایرانی در حوزه بین‌المللی همکاری‌های خوبی با دیگر پژوهشگران جهان داشته‌اند و این موضوع مهمی در آینده روند تحقیقات محسوب می‌شود. همچنین در تجزیه و تحلیل سنجش دانش نشان داده شده که روند این نوع تحقیقات در دوره بیست ساله اخیر همواره ثابت بوده و پژوهش روی آواسپریمی (انسدادی/ غیرانسدادی) بیشترین زمینه مطالعات بالینی (بیش از ۶۰ درصد) بوده است. همچنین با استفاده از روش‌های کمک باروری موفقیت بیش از ۴۷ درصد به عنوان عمده‌ترین نتایج، گزارش شده است.

گزارش‌های مربوط به میزان بارداری و پس از آن سقط جنین، لقاح و لانه‌گزینی به‌ترتیب بیشترین تعداد مقالات و کمترین مقالات مبتنی بر شواهد شامل میزان تولد، زایمان زودرس، وزن کم هنگام تولد را بررسی می‌کنند. براساس پژوهش‌ها، در حال حاضر فناوری‌های کمک باروری در مدیریت درمان مردان نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند که این مسیر از طریق افزایش احتمال لقاح با دوززدن نقص عملکردی و ساختاری اسپرماتوزوئید و سیستم تولیدمثل انجام می‌شود. اما در عین حال که دانشمندان و پژوهشگران ایرانی توانمندی خود را در مطالعه، شناسایی عوامل و درمان بیماری‌های صعب‌العلاج نشان داده‌اند، رئیس مرکز تحقیقات سلامت متابولیک پژوهشگاه رویان آغاز فعالیت این مجموعه را فرزندآوری و درمان ناباروری عنوان کرد و در گفت‌وگو با «ایران جمعه» تصریح کرد: این مجموعه در سال‌های اول فعالیت خود را با

عابد حیدری تصریح کرد: مطالعه بیماری‌ها و پیدا کردن شیوه‌های درمانی از اقدامات این آزمایشگاه است؛ این مطالعات روی نمونه‌های حیوانی و انسانی انجام می‌شود.

### استفاده از هوش مصنوعی برای درمان ناباروری

در عین حال مسئول آزمایشگاه بیولوژی اسپرم پژوهشگاه رویان نیز به پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص ناباروری مردان اشاره کرد و گفت: روی سلول‌های جنسی، جنس نر تحقیقاتی انجام می‌شود.

وحید اسماعیلی با اشاره به اینکه دانشجویان می‌توانند از بخش درمان نمونه‌های انسانی دریافت کنند، تصریح کرد: تحقیقات در ابتدا روی موش‌های آزمایشگاهی سپس حیوانات مزرعه و سپس نمونه‌های انسانی انجام می‌شود. بیشتر تحقیقات اغلب به صورت پایلوت در حدود ۱۰ سال روی حیوانات انجام شده و در نهایت به انسان تعمیم داده می‌شود.

وی افزود: از جمله اقدامات صورت گرفته ارائه پیشنهادهایی در خصوص درمان ناباروری مردان برای گروهی از بیماران که تعداد اسپرم‌های غیرطبیعی دارند با رژیم‌های غذایی و دارویی خاص بوده که نتایج قابل توجه نیز داشته است.

اسماعیلی تأکید کرد: یک سری اقدامات در خصوص انجام سلول‌های جنسی نمونه‌های حیوانی و انسانی در دمای منفی ۱۹۶ درجه در ازت مایع صورت گرفته که برای مطالعات گسترده

خصوص آن مطالعه و پیشنهاداتی برای درمان نیز ارائه شده است. وی ادامه داد: همچنین در آزمایشگاه پروتئومیکس پژوهشگاه رویان روی سنجش بیان پروتئین مطالعاتی صورت می‌گیرد. به عنوان مثال پروتئین تاؤ در بیماران آلزایمری بررسی شده است و نتایج این تحقیقات می‌تواند برای درمان بیماری مورد استفاده قرار گیرد. از جمله موافق پروتئینی که منجر به بیماری شده است، شناسایی می‌شود.

سادات میری تصریح کرد: برای بیماری‌های پنهان‌های تشخیصی مطالعه و تعریف می‌شود یا زمینه‌های ممانعت بروز بیماری بررسی می‌شود.

همچنین کارشناس آزمایشگاه مرکزی زیست‌شناسی مولکولی پژوهشگاه رویان نیز گفت: تمام آزمایشات مولکولی در ارتباط با جنین‌شناسی، از جمله کشت سلول و پیوند یافت و بررسی اینکه کشت و پیوند درست انجام شده، در این آزمایشگاه انجام می‌شود.

الهام عابد حیدری در خصوص میزان افزایش یا کاهش ناهنجاری‌های ژنتیکی افزود: گذشته‌نگری در این مجموعه صورت‌نگرفته است و براساس داروها و مقایسه بیماری‌های مختلف انجام شده است. وی متذکر شد: در این مجموعه دانشجویان و پژوهشگران می‌توانند مطالعات گسترده‌ای در خصوص آزمایش‌های مولکولی انجام داده و مقالات علمی در این خصوص استخراج کنند.

پژوهشگاه زیست‌شناسی و فناوری سلول‌های بنیادی رویان در زمینه طب پیوند با شناخت میانی پایه زیست‌شناسی سلول‌های بنیادی، توسعه تحقیقات ترجمانی سلول‌های بنیادی روی حیوانات آزمایشگاهی با همکاری تیم دامپزشکی و انجام کارآزمایی‌های بالینی فعالیت دارد. این پژوهشگاه شامل گروه‌های پژوهشی سلول‌های بنیادی و زیست‌شناسی تکوینی، فناوری نانو و زیست‌مواد، زیست‌پزشکی ترمیمی و سلول‌درمانی و زیست‌شناسی سامانه‌های مولکولی است. پژوهشگاه زیست‌شناسی و پزشکی تولیدمثل رویان در زمینه افزایش میزان باروری، سلامت جنین و بهبود سلامت جامعه از طریق تحقیق و درمان ناباروری در حوزه‌های مختلف تولیدمثل فعالیت دارد. این پژوهشگاه شامل گروه‌های پژوهشی ژنتیک تولیدمثل، جنین‌شناسی، اپیدمیولوژی و سلامت باروری، اندوکرینولوژی و ناباروری زنان، آندروولوژی، تصویربرداری تولیدمثل است.

پژوهشگاه زیست‌فناوری بر تولید دام و محصولات وابسته مرتبط با زیست‌فناوری در شهر اصفهان فعالیت دارد. پژوهشگاه شامل گروه‌های پژوهشی مهندسی ژنتیک، زیست‌شناسی سلول جنسی و گروه زیست‌فناوری جانوری است.

در سال‌های اخیر تمرکز این پژوهشگاه به مطالعه و پژوهش پیرامون بیماری‌های صعب‌العلاج و درمان آن با تحرکات قابل توجهی مواجه بوده و موفقیت‌های آن در سطح بین‌المللی نیز مطرح شده است.

در بازدید «ایران جمعه» از این مجموعه، مهم‌ترین دستاوردهای آن که می‌تواند در آینده نزدیک به انقلابی در علم پزشکی تبدیل شود، تشریح شد.

### مقابله با سرطان چشم در کودکان

مسئول آزمایشگاه زیست‌شناسی مولکولی پژوهشگاه رویان با اشاره به مطالعه‌ن‌ها در این آزمایشگاه از طریق دانشجویان و پژوهشگران تصریح کرد: از جمله از طریق دستگاه ریل‌تایم، بیان زن‌ها یا به عبارتی میزان وجود آنها و همچنین فرایند تکثیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

منیره سادات میری با اشاره به انجام تحقیقات مولکولی، تصریح کرد: به عنوان مثال در زمان کرونا ما می‌توانستیم تکثیر ویروس‌ها را در این آزمایشگاه مورد مطالعه قرار دهیم.

وی تأکید کرد: از جمله اقدامات قابل توجه دانشجویان مطالعه روی بیماری رتینوبلاستوما (سرطان چشم) است که معمولاً منجر به تخلیه چشم کودک زیر چهار سال می‌شود و در این آزمایشگاه در

وحید اسماعیلی با اشاره به اینکه دانشجویان می‌توانند از بخش درمان نمونه‌های انسانی دریافت کنند، تصریح کرد: تحقیقات در ابتدا روی موش‌های آزمایشگاهی سپس حیوانات مزرعه و سپس نمونه‌های انسانی انجام می‌شود. بیشتر تحقیقات اغلب به صورت پایلوت در حدود ۱۰ سال روی حیوانات انجام شده و در نهایت به انسان تعمیم داده می‌شود. وی افزود: از جمله اقدامات صورت گرفته ارائه پیشنهادهایی در خصوص درمان ناباروری مردان برای گروهی از بیماران که تعداد اسپرم‌های غیرطبیعی دارند با رژیم‌های غذایی و دارویی خاص بوده که نتایج قابل توجه نیز داشته است.



از جمله اقدامات قابل توجه دانشجویان مطالعه روی بیماری رتینوبلاستوما (سرطان چشم) است که معمولاً منجر به تخلیه چشم کودک زیر چهار سال می‌شود و در این آزمایشگاه در خصوص آن مطالعه و پیشنهاداتی برای درمان نیز ارائه شده است



مرکز پاسخگویی برای دریافت مشاوره در خصوص بیماری‌های خاص ایجاد شده و همچنین در کلینیک‌های این مجموعه نیز راهنمایی لازم به بیماران ارائه می‌شود

حاصل از سلول‌های بنیادی جنینی در بیماری پارکینسون هستیم.

به گفته تهمتنی، سال‌ها پیش اولین خط سلول‌های بنیادی جنینی انسانی در پژوهشگاه رویان تولید شد و از آن سال تلاش بر این بوده این سلول‌ها را به سلول‌هایی که در بیماری‌ها تخریب می‌شوند تبدیل کنیم. از جمله در درمان بیماری دیابت نوع یک، بیماری قلبی، بیماری کبدی، بیماری‌های عصبی و...

در حال پژوهش و تحقیق هستیم. وی تأکید کرد: به عنوان مثال در بیماری پارکینسون برخی سلول‌ها از بین می‌روند و ما در این اقدام استفاده از سلول‌های بنیادی، حرکت خود را از تولید علم تا درمان بیماری ادامه دادیم.

وی همچنین به مطالعات چندین ساله روی بیماری دیابت نیز اشاره کرد و گفت: برای اولین بار از سلول‌های بنیادی انسانی قرار است سلول انسولین‌ساز تولید شود و در مقیاس بالینی و کلینیکی به کار گرفته شود.

### کشف داروهای دیابتی از منابع طبیعی

رئیس مرکز تحقیقات سلامت متابولیک پژوهشگاه رویان با اشاره به یکی از اقدامات جدید دیگر رویان به کشف داروهای دیابتی از منابع طبیعی تأکید کرد و گفت این موضوع یکی از اهداف جدید رویان است.

تهمتنی متذکر شد: با توجه به توانمندی‌های کشور در برخورداری از گونه‌های اندمیک گیاهی و همچنین پراکنش حیوانات خشکی‌زی و دریازی به دنبال این هستیم که آیا مولکولی در این گیاهان و حیوانات وجود دارد که برای درمان بیماری‌ها به ما کمک کند؟

وی افزود: در صورتی که ابزار و ادوات کافی داشته باشیم روی مدل‌های بیماری و همچنین مولکول‌های منتج از منابع طبیعی مطالعه می‌کنیم و دستاوردهای آن را در درمان بیماری‌ها استفاده می‌کنیم که اخیراً در مرکز دیابت این پلتفرم راه‌اندازی کردیم.

خدمات برای ناباروری با خدمات کیفی، استاندارد و به‌روز آغاز کرده است.

یاسر تهمتنی با اشاره به افزایش تعداد مراکز درمان ناباروری از ۲ مورد به بیش از ۷۰ مورد تصریح کرد: پژوهش در مورد شیوه‌های نوین درمانی مورد تأکید ما بوده است. هم‌زمان با خدمات ناباروری، پژوهش‌ها در خصوص تولید مثل از منظر سلولی، جنین‌شناسی و مولکولی نیز آغاز شده است.

وی هدف این پژوهش‌ها را به‌روز نگه داشتن بحث درمان توصیف کرد و افزود: همچنین زمینه بسیار مهمی که در رویان به آن پرداخته شده، تربیت و آموزش نیروهای کارآمد در زمینه درمان ناباروری است و در گستره کشور به ترویج علوم نوین و همچنین امکانات زیرساختی توجه داشته است.

رئیس مرکز تحقیقات سلامت متابولیک پژوهشگاه رویان از جمله اقدامات جدید در حوزه درمان ناباروری را کمک گرفتن از روش‌های مدرنی مانند هوش مصنوعی و یادگیری عمیق برشمرد و گفت: از داده‌هایی که تا به امروز توسط محققان حاصل شده استفاده می‌کنیم تا بتوانیم خدمات سریع‌تر، ارزان‌تر و بهینه‌تر به بیماران ارائه دهیم.

### سلامت کودکان حاصل از درمان ناباروری پیش می‌شود

تهمتنی در خصوص همکاری‌های مشترک با وزارت بهداشت و بقیه مراکز درمان ناباروری نیز متذکر شد: یکی از اقدامات قابل توجه که دستاورد آن حائز اهمیت است، پیش‌پایش سلامت کودکان حاصل از درمان ناباروری است.

وی با اشاره به توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی تصریح کرد: تصمیم داریم این مهم را به صورت جدی دنبال کنیم و در خصوص پیش‌پایش سلامت این گروه از کودکان، تیم‌های منسجم تشکیل شده است.

رئیس مرکز تحقیقات سلامت متابولیک پژوهشگاه رویان همچنین به اقدامات صورت گرفته در خصوص سلول‌های بنیادی و سلول‌درمانی اشاره و تأکید کرد: ما در حال برنامه‌ریزی برای انجام اولین کارآزمایی بالینی در سطح منطقه روی سلول‌های



رئیس مرکز تحقیقات سلامت متابولیک پژوهشگاه رویان با اشاره به مطالعه روی یک گونه ماهی به نام «زبرا فیش»، تصریح کرد: به دنبال ایجاد این قابلیت هستیم که از مولکول‌های منابع طبیعی نه ۱۰ یا صد بلکه ۱۰۰ها و صدها مورد از مولکول‌ها را در درمان بیماری‌هایی مانند دیابت، صرف، پارکینسون و سرطان استفاده کنیم. این فناوری بیودیسکوری است و ورود رویان به این حوزه یکی از اقدامات قابل توجه در حوزه علم و فناوری کشور است. وی متذکر شد: رویان سال‌هاست که روی درمان بیماری‌های

خاص و صعب‌العلاج تمرکز دارد و به دنبال استفاده از ابزارهای نو در درمان بیماری‌هاست و توصیه ما به مردم پرسش و دریافت مشاوره است. به گفته تهمتنی، مرکز پاسخگویی برای دریافت مشاوره در خصوص بیماری‌های خاص ایجاد شده و همچنین در کلینیک‌های این مجموعه نیز راهنمایی لازم به بیماران ارائه می‌شود. وی معتقد است اقداماتی که در قالب کارآزمایی بالینی انجام می‌شود نویدبخش تحولات ملموس در زمینه درمان بیماری‌های خاص است.



دبیر  
«کی چه قرصی خورده؟»  
کشور اعلام کرد:  
افزایش آمار مصرف  
قرص فلوکسیتین  
در کشور با تعطیلی  
ویژه‌نامه طنز ایران

# ایران

ویژه نامه طنز ایران جمعه  
جمعه ۲۳ تیر ۱۴۰۲ شماره ۳۵

## بسته مدیریت شبکه‌های اجتماعی ویژه هنرمندان فرانسوی

شامل ۹۹ استوری با جملات رنه دکارت، ویکتور هوگو و ناپلئون بناپارت درباره آزادی و حقوق شهروندی  
به همراه جملاتی منسوب به لویی نوزدهم  
به علاوه ۱۱ پست حاوی نقشه سیاه‌شده فرانسه به همراه هشتگ ترند  
**آف استثنایی به مدت محدود**

انجمن «هنرمندان ساکن مرکز نفرین زمین»

# اگرچه

با تعطیلی موقت ویژه‌نامه طنز روزنامه ایران، کارشناسان پیش‌بینی کردند:

# تابستان سخت در ایران

دعوی مشاورین  
اقتصادی جهان،  
بر سر سهام  
ویژه‌نامه طنز  
ایران

منابع آگاه مدعی شدند، سود  
هنگفت سهام ویژه‌نامه طنز  
ایران، توجه مشاوران برتر  
اقتصادی جهان را جلب کرده  
و هرکدام سعی دارند سهام  
این ویژه‌نامه را دریافت کنند.

گزارش ایران  
اینترنشنال از  
وعده به مردم  
برای حضور  
در مهمونی  
۱۰ کیلومتری

این تلویزیون مدعی شد که  
مردم تهران را با وعده توزیع  
رایگان ویژه‌نامه طنز ایران، به  
خیابان کشانده‌اند.

## احتمال فسخ قرارداد رونالدو باباشگاه النصر

در پی تعطیلی موقت ویژه‌نامه طنز ایران، شایعات مبنی بر فسخ قرارداد رونالدو  
بالا گرفت؛ نزدیکان وی به نزدیکان ما گفته‌اند که: «رونالدو اوقات بیکاری‌اش در  
عربستان را با ویژه‌نامه طنز ایران پر می‌کرد.»



اظهارات شفاف  
علی کریمی  
درباره تعطیلی  
موقت ویژه‌نامه  
طنز روزنامه ایران

ما هم مثل بقیه ۸۰ میلیون ایرانی  
که دوست دارن ویژه‌نامه طنز  
روزنامه ایران، ما هم طبیعتاً دعا  
می‌کنیم که ویژه‌نامه طنز ایران،  
چون این تعطیلی وقتی تعطیل  
بشه ویژه‌نامه طنز ایران، ویژه‌نامه  
طنز ایران تعطیل می‌شه و ما  
تعطیل نمی‌شیم بلکه یک نفس  
راحت از دستشون می‌کشیم.

## ابراز نگرانی یک روانکاو مشهور از وضعیت دبیر تحریریه ویژه‌نامه طنز روزنامه ایران

به گفته روانکاو دبیر تحریریه ویژه‌نامه طنز ایران، درمان استرس ناشی از دبیر رسیدن مطالب، حداقل به سه  
ماه جلسات روانکاو مستمر نیاز دارد.

## شورای امنیت سازمان ملل متحد، در پی تعطیلی موقت ویژه‌نامه طنز ایران، تشکیل جلسه فوری داد

گفته می‌شود موضوع این جلسه بررسی تأثیر تعطیلی این نشریه روی معادلات سیاسی و اقتصادی  
جهان است.

## پرده برداری از نقش ویژه‌نامه طنز ایران در صلح ایران و عربستان

یک مقام آگاه از نقش ویژه‌نامه طنز ایران در صلح ایران و عربستان پرده برداشت؛ اما چون اتاق تاریک بود،  
زیر پرده چیزی معلوم نبود.

## تهدید امنیتی

## برای طراح کارتون‌های صفحات ۳ و ۴ ویژه‌نامه طنز ایران

به گفته مقامات امنیتی، نشریه تایمز ماه‌هاست که برای ربودن طراح کارتون‌های صفحات ۳ و ۴ ویژه‌نامه طنز  
ایران توطئه‌چینی می‌کند. این توطئه‌چینی پس از آن شروع شد که کارتون‌نویست مذکور، پیشنهاد همکاری تایمز  
را قاطعانه رد کرد.

حسن روحانی:  
مردم دیدید  
که در زمان  
برجام، روی  
موشک ویژه‌نامه  
طنز ایران را  
چسبانده‌اند.

گامش  
قابل توجه  
سرانه  
مطالعه  
کشور

یک کارشناس محاسبه  
سرانه مطالعه در کشور  
از تعطیلی ویژه‌نامه طنز  
ایران، ابراز نگرانی کرد.

## روزنامه نگاران ویژه‌نامه طنز ایران: از شنبه



دیگه مطالبمون رو همون اول هفته برسونیم که آخر هفته عین چی تو گل نمونیم.»  
کارشناسان معتقدند که «باشه، تو راست می‌گی.»

اعضای تحریریه ویژه‌نامه طنز ایران تعهدنامه عدم بی‌خیالی امضا کردند. در بخشی از این  
تعهدنامه آمده است: «این سری که تموم شد؛ ولی از سری جدید ویژه‌نامه طنز ایران،

## بددهنی هوش مصنوعی

هوش مصنوعی معروف که از مخاطبان جدی ویژه‌نامه طنز ایران بوده، پس از شنیدن خبر تعطیلی  
موقت این ویژه‌نامه، دیگر جواب چت کاربران را مثل آدم نمی‌دهد و اگر کاربران خیلی به او اصرار  
کنند، فحش تحویلشان می‌دهد. ایلان ماسک هنوز راهی برای درمان احساسات لطمه‌خورده  
هوش مصنوعی پیدا نکرده است.

## علیرضا بیرانوند چگونه به تمدید قرارداد با پرسپولیس رضایت داد؟

در آخرین ساعات فصل نقل و انتقالات، دروازه‌بان ملی‌پوش ایران در آستانه عقد قرارداد با تیم استقلال بود که یک پیام از  
سوی مدیرعامل پرسپولیس، ورق را برگرداند؛ پیام کوتاه اما مهم بود: «برگرد پرسپولیس! اشتراک ویژه‌نامه طنز ایران را به  
قراردادت اضافه می‌کنم.»



## پس بدم اون کمک‌های مفتتو فک نکنی یه وخ که گیج و خوابم

ناهد رفیعی - شاعر

به بهانه روز خانواده و تکریم  
بازنشستگان

### پرداخت در مراسم ترحیم

بهزاد توفیق فر  
طنزپرداز

قبل از اینکه روش‌های تکریم را بگویم باید تأکید کنم تکریم خانواده و خصوصاً بازنشستگان وظیفه همه است و هر کسی هر جوری دستش می‌رسد، باید نسبت به تکریم این دونا اقدام کند ولاغیر! بخصوص بازنشستگان:

۱) به محض رسیدن حکم بازنشستگی، مشخصات بازنشسته را از کامپیوتر و ذهنانتان دلیلت اکانت و سپس شیفت دلیلت، آن‌گاه همه جایاتان را ریسست فکتوری کنید.

۲) به هیچ عنوان از تجربه و دانش وی استفاده نکنید و سعی کنید هر چه از او مانده را همان وسط محل کارش آتش بزنید (خودش را نه! ولش کنید خونش می‌افتد گردنتان)

۳) دفتتاً هر چیزی که به او وصل بوده را قطع کنید مثلاً بیمه، سرویس، بسته ارزاق و... به کارت تخفیف ۵ درصد پارک دیناسورها هم رحم نکنید.

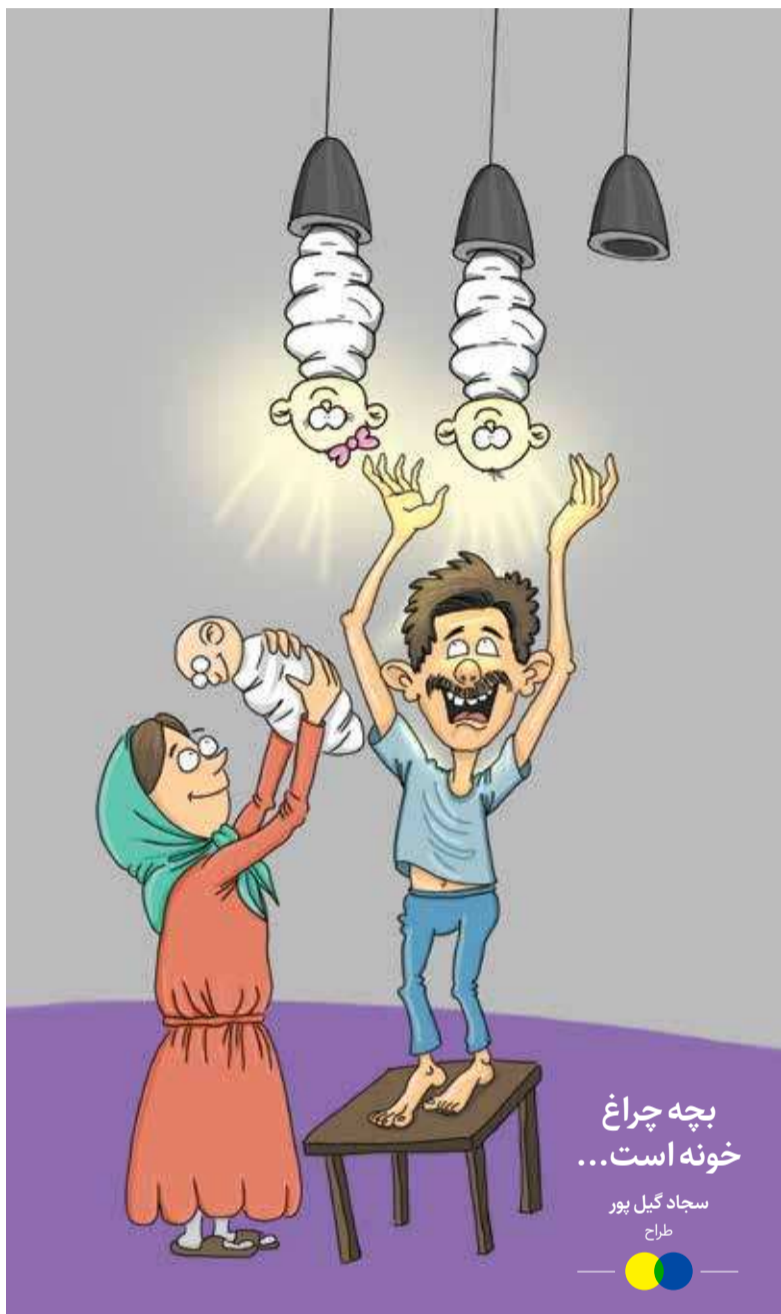
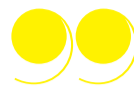
۴) در روز بازنشستگی مأمور خبر کنید و بازنشسته را کت‌بسته از سازمان بیرون بیندازید. یادتان باشد که توی چشم‌هایش نگاه نکنید.

۵) پرداخت بموقع حق سنوات، آخرین حقوق و بقیه پرداختی‌های بازنشسته، نشانه بی‌کلاسی و هول بودن شماست. آن را به سال‌های بعد یا حتی الامکان به مراسم ترحیم بازنشسته موکول کنید.

۶) اجازه ندهید به سازمان نزدیک شود. یک شماره تلفن سه رقمی دلخواه به او اعلام کنید تا اگر توانست! کارهایش را از طریق آن پیگیری کند.

۷) تشکیل یا عضویت در کانون بازنشستگان یا هر نهاد و کانونی توسط بازنشسته، برای شما مثل سقوط وال استریت خطرناک است. نارنجک یا آری‌جی پیشنهاد اول ما ست.

## باید بمونم تا تهش جفت تو لوطی‌ام و اهل حساب کتابم



بچه چراغ  
خونه است...

سجاد گیل پور  
طراح

### افتتاح بعید

ابوالقاسم سیفی  
شاعر

می کند با چه راه خود پیدا  
مرغ درنا؟ پل کمربندی  
آدرس می‌دهیم ما ز کجا  
سمت دریا؟ پل کمربندی  
ولی افسوس هیچ وصل نشد  
جاده‌ها با پل کمربندی  
آرزوی عبور از رویش  
بر دل ما پل کمربندی  
روی او که حکایتی دارد  
زیرش اما پل کمربندی  
نکند رحم بر جلوبندی  
هیچ اصلاً پل کمربندی  
منفعت داشته برای همه  
غیر ما پل کمربندی  
چون طلا کرد هر زمینی را  
در همان جا پل کمربندی  
بعد از آن شد دلیل لبخند  
عضو شورا پل کمربندی  
قول می‌داد هر نماینده  
بشود و پل کمربندی

اندر احوالات پل کمربندی  
فریدونکنار مازندران که عمری  
است در حال افتتاح است

زشت و زیبا پل کمربندی  
رفته بالا پل کمربندی  
خشت اول که بود کج، کج رفت  
تا ثریا پل کمربندی  
در فریدونکنار کوچک ما  
شده بریا پل کمربندی  
از زمان پدربزرگم بود  
تا به حالا پل کمربندی  
توی موزه برآش وا کردند  
یک وجب جا پل کمربندی

### هوس کباب

حسن اویسی  
شاعر

سپید گشت موی یعقوب و، رسید یوسفش از کنعان  
سپید گشت تک‌تک موهایم، نگشت نوبت وام من

کباب کردم هوس اما، شکمبه گشت شام من  
\*شراب خواستم و عمرم، شرنگ ریخت به کام من\*

دو صد غزال و هزار آهو، به دام چشم تو افتادند  
هنوز گریه و موشی هم، نگشته‌اند رام من

برای داشتن خودرو، به سایت رفتم و دیدم که  
چقدر بی‌خبر و ساده‌ست، خیال سرخوش و خام من

به جام مردم شهرم می، ز باده و ز سیوریزند  
ولی دلستر و نوشابه، شده‌ست قسمت جام من

پرادو، بنز، بی‌امو، پورش، تمام قسمت مردم شد  
میان لشکر ماشین‌ها، زیان زدند به نام من

نشسته مرغ سعادت دوش، به بام خانه همسایه  
فقط دکل دکل ایرانسل، نشسته بر روی بام من

خلیل وارد آتش گشت، تمام نار گلستان شد  
نشدم خموش یکی کبریت، به احترام مقام من

\*مصرعی از حسین منزوی

تشدید نا آرامی‌ها در فرانسه

### برج ایفل منتظر شادیه

ناهد رفیعی  
شاعر

دست و پاتو گم نکنی عزیزم!  
واست تو فکر چاره‌ای تمیزم  
کمک می‌خوای؟ طناب واست بندازیم  
ما مثل تو حامی برعندازیم  
یادته دور میدون آزادی؟!  
هی واسه ما فشفشه ول میدادی?!

دایه مهر بونتر از مادرم!  
حالا شده مهر بونیت باورم

باید بمونم تا تهش جفت تو  
پس بدم اون کمک‌های مفتتو

لوطی‌ام و اهل حساب کتابم  
فک نکنی یه وخ که گیج و خوابم

باید جواب لطف تو پس بدم  
هر چی بهم دادی رو دریس بدم

بشم صدای خشم و اعتراضت  
میخوام بشم یار زیون درازت

برج ایفل منتظر شادیه  
فرانسوی لایق آزادیه!

من عاشق مردم بی باکتم  
موافق تجزیه خاکتم.

می‌خوای چکار تو این همه تپه رو؟  
لوس نکن اینقدر تو «ام پایه» رو!

واسه چی تیم ملی تقویت شه!  
گل بزنه، مایه حیثیت شه!؟

حالا پاریس با آتیشش قشنگه!  
شباش پر از گلوله و فشنگه!

پرچمتو وقتی می‌سوزه عشقه!  
هر کی واست کیسه می‌دوزه عشقه!



تظاهرات در اسرائیل

### دیالوگ حدسی

مرد طبل زن: ولم کنید! دارید منو کجا می‌برید؟  
پلیس: امشب عروسی داداشمه بیا اونجا بزن

پلیس: بریم تو کلانتری برامون بزن اینجا یکم شلوغه  
مرد طبل زن: آهنگ درخواستی هم داریم مثلاً آهنگ پس از ۲۵ سال!

سمیه قربانی

علیرضا عیدی

عاطفه صالحی

# دلت پاک باشه لباس سبزی چند؟!



خانم رئیس. کل درسیب  
روی طرح کار کردم.  
به طرح اصیل برپایه  
دوان هفتمنشی زدم  
که مناسب همه خانمها...



این ماشوها واقعا برای  
خواهرتم، خواهرت، خواهرامونه S

نه عزیز. برای برادرم، برادرت  
برادرامون تولید کردیم.





سید محمدجواد طاهری علی زارع سولماز محمودی ثمین سلیمانی نژاد نازنین اسماعیل زاده ایده پردازان

فرشته بناهی سوده سلامت باشرکز

نازنین اسماعیل زاده طراح



لبس راه ماهنوز ادامه داره. اکی پیر سوخته ها ...

صربان جینامه اینکا امسال برای پوستک و لباس او بیارم خرمستون؟

بیوفتم واسه سال اینده. نمی بینی چقدر کتت فسارم؟ بودجه از کجا بیارم؟



مینا خون. دیسب انگلی بویسی این لباس او توی لایوس پوشیده بود می خواهم واسه لباس فرم مجموعه ام این مدل سفارش بدم. تاکی آماده می شه؟



این چیه؟ من لباس درست حسابی می خواهم این که من رو سرخ کنه!

دست بست برره

کالری زیاد پات فدر داره.



بهترین انتخاب برای خاص سترها مناسب چه سلیقه ها و قضاها. کاپی شو هم ندره.

بخش مانووا

# زنان

سخن دبیر

زنان، پرسش‌ها و پاسخ‌ها

عطیه کشتکاران

دبیر گروه زنان

Atiye.keshtkaran@gmail.com

همیشه گفته‌اند پرسش خوب نیمی از علم است. معلم‌ها و اساتید پرسش تأمل برانگیز را تحسین می‌کنند و مستشکل دروس حوزوی بودن خودش یک جایگاه علمی محسوب می‌شود. پرسش بجای از میان انبوهی از ابهامات درهم‌بافته نشان‌مان می‌دهد چه چیزی را نمی‌دانیم و این تازه ابتدای مسیر علم است. جرعه کشف مجهول را پرسشگر می‌زند و نهادهای علمی و پژوهشی پاسخگوی آن هستند. پرسش مطلوب، مسأله‌سازی نمی‌کند. در درجه نخست با آگاهی از وضعیت موجود و چالش‌های احتمالی آینده، مسائل موجود را

شناسایی و صورت‌بندی می‌کند. پرسش‌ها اگر از زاویه درست مطرح شوند سازنده‌اند نه ویرانگر، کاشف هستند نه جاعل، ب بسم‌الله علم هستند نه نقطه پایان. پرسشگری را نباید با انتقادهای سیاسی و مطالبه‌گری از سر عناد یکی دانست. پرسش‌ها و پاسخ‌ها همه باید در خدمت کشف مجهول و حل مسأله باشند نه مچ‌گیری. در مسائل گوناگون کشور که مباحث زنان هم بخشی از آن محسوب می‌شود، «پرسش» یتیم و یکه افتاده است. متولی پرسشگری عالمانه نداریم، نشست طرح پرسش برگزار نمی‌کنیم، به پرسش‌های برتر جایزه نمی‌دهیم،

اما تا چشم کار می‌کند پاسخ به پرسش‌های مقدر ناگفته فضا را پر کرده است. پرسشگری هنر است و علم. پرسش شایسته، دست پاسخ را هم می‌گیرد. در دوران دانشجویی استادی داشتیم که برای نمره مازاد کلاسش چند فعالیت پیشنهاد داده بود. یکی از آنها طرح سؤال بود. گرچه مقصود استاد به صورت چهارگزینه‌ای و مناسب آزمون بود، ولی هیچ‌وقت به قدر آن کلاس به اهمیت طراحی پرسش پی نبردم. پرسش برای ما نمره داشت. پرسشگری اصولی در موضوعات زنان خودش بخشی از نمره قبولی است و جای آن خالی.

## وقتی حجاب کافی نیست

زهره عیسی‌خانی

نویسنده و کارشناس مسائل زنان

حجاب با لباس زنان کار دارد و پوشیدگی. شاید در فرهنگ‌های جورواجور لباس‌های زنان با حجاب مشابه هم نباشند اما پوشاندن سر همه چنان نماد اطاعت خداوند و به معنای دینداری است. محجبه انسانی است که برای اطاعت از دستور خداوند گرمای روسری را تحمل می‌کند و این رنج را برای هدف ارزشمند بندگی خداوند به جان می‌خرد. حجاب یک ملاحظه لازم در پوشش است اما برای محجبه ماندن و یک زن اثرگذار بودن کافی نیست. توجه به پوشاندن موها و لباس مناسب و حتی چادر، شروعی برای زن مسلمان است که نیازمند پشتیبانی فکری است. فرد باحجاب اراده کرده است حضورش در جامعه با هویت انسانی‌اش باشد و نه جذابیت‌های ظاهری. دیگران را به دیدن اندیشه‌اش دعوت می‌کند، نه اندام و صورت. یکی از تهدیدهای باحجاب‌ها، افتادن در دام کلیشه‌های زیبایی است. چالشی که در جریان مسابقه ملکه محجبه زیبایی زنان

در مقیاسی کوچک قابل درک است. این مسابقات به اعتراف برگزارکنندگان برای اثبات این باور است که می‌توان باحجاب بود و زیبا. در این مسابقه اندازه‌های مشخصی از قد و وزن پذیرفته می‌شود و آرایش چهره‌ها مطابق استانداردهای زیبایی دنیاست. تلاش دختران محجبه در تصاویر این مسابقات برای شبیه شدن چهره و اندامشان به معیارهای زیبایی تعریف شده در مسابقه ملکه زیبایی کشورهای اروپایی و آمریکایی محسوس است. هرچند ادعا می‌شود در انتخاب ملکه زیبایی زنان محجبه، پایبندی به دین هم لحاظ می‌شود اما آنچه در ضمن این مسابقه تقویت می‌شود و حجاب را تهدید می‌کند، نگرانی نسبت به چگونه دیده شدن در نگاه‌ها و تشویق به تلاش برای شبیه شدن به زیبایی‌های تعریف شده است. کلیشه‌هایی که ذهن و توان زنان را در دلمشغولی‌های ظاهری درگیر می‌کند و تضمینی است برای سود صاحبان سرمایه، صنعت مد و جراحی‌های زیبایی. مسابقه ملکه زیبایی زنان محجبه نمایشی مینیاتوری است از آنچه در جهان برای زنان مسلمان تدارک دیده شده است. موفقیت این برنامه‌ریزی در مصرف بالای لوازم آرایش، تن دادن به جراحی‌های زیبایی و مدگرایی در برخی کشورهای مسلمان مشهود است. به

انصراف کشاندن دغدغه‌های زنان مسلمان محجبه از نتایج این ظاهرگرایی حساب شده است. باحجابی که «چه بیوشم» مهم‌ترین درگیری ذهنی‌اش باشد، کودک گرسنه یمنی را فراموش می‌کند و اخبار مد برایش جذاب‌تر از وضعیت زنان و کودکان غزه است. این محجبه بی تفاوت نسبت به مسائل جهان اسلام، در همراهی با استانداردهای زیبایی و مد، به اجبار حجاب را به سمت معیارهای زیبایی متمایل می‌کند تا از مسابقه به‌روز بودن عقب نماند. در مقایسه با این زن مسلمان محجبه، شیرین ابوعاقله که حجاب نداشت، اثرگذارتر بود. شیرین فرزند یک خانواده عرب مسیحی فلسطینی بود و تابعیت آمریکا داشت. خبرنگار شبکه خبری الجزیره بود. در جریان تهیه خبر از حمله ارتش اسرائیل به شهر جنین در کرانه باختری با گلوله ارتش اسرائیل به شهادت رسید. شیرین ابوعاقله حلقه اتصال بین عرب‌ها و مسلمانان با جهان خارج بود و شهادی علیه جنایات صهیونیست‌ها در دادگاه بین‌المللی کیفری. نکته اینجاست که یک خبرنگار فلسطینی-امریکایی مدافع حقوق فلسطینیان بود و اندونزی کشوری با بیشترین جمعیت مسلمان برگزارکننده مسابقه ملکه زیبایی. هرچند برگزاری این مسابقه به دلیل مخالفت‌ها نتوانست در اندونزی ادامه پیدا کند اما زیبایی‌گرایی را در جامعه

زنان مسلمان گسترش داد. اگر به کشورهایمانند مالزی و ترکیه سفر کنید محجبه‌هایی را از فرودگاه تا خیابان و هتل می‌بینید که شاید حجابی حداقلی در حد پوشاندن سر داشته باشند اما در فرهنگ آن کشورها محجبه به حساب می‌آیند و نمادی از زن مسلمان هستند. این زنان هرچه هم خودشان را بیوشانند، نه دلارهای سرمایه‌دار کم می‌شود و نه تهدیدی است برای سیاست‌های ظالمانه. صنعت مد با قوت در این کشورها جولان می‌دهد. ترکیه صادرکننده مد می‌شود و مدلینگ محجبه‌ها شغلی پردرآمد. دختران محجبه به سوی مدل شدن با اندام باریک و صورت زاویه‌دار هدایت می‌شوند و همان معیارهایی که در جامعه بی‌حجاب‌ها تحسین می‌شود و نگرانی از ظاهر شدت می‌یابد. باحجاب بودن یک ارزش است اما به تنهایی کافی نیست و نمی‌تواند از زنان یک انسان اثرگذار بسازد. زن مسلمان باید دغدغه زنان جهان، مسائل جهان اسلام، کشورش و رشد فکری خودش را داشته باشد. چنین زنی در چهارچوب‌های تحمیلی مخالفان حجاب حل نمی‌شود و در برابر دغدغه‌های ساختگی مقاوم است. دغدغه این زن باحجاب پیدا کردن وقت برای خواندن کتاب‌های نخوانده است و از یک خال و جوش روی صورت اعصابش به هم نمی‌ریزد.



هرچند ادعا می‌شود در انتخاب ملکه زیبایی زنان محجبه، پایبندی به دین هم لحاظ می‌شود اما آنچه در ضمن این مسابقه تقویت می‌شود و حجاب را تهدید می‌کند، نگرانی نسبت به چگونه دیده شدن در نگاه‌ها و تشویق به تلاش برای شبیه شدن به زیبایی‌های تعریف شده است



برخی از چالش‌هایی که این زنان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند نیازمند تمهیدات دیگری است. مثلاً بستری برای ارائه تسهیلات و امکانات لازم در راستای نگهداری و مراقبت از کودکان آنها، می‌تواند چالش‌های اشتغال را برای آنان کمتر کند



## زنانی که چند نفر هستند

چالش‌های اشتغال زنان سرپرست خانوار

مانند زنان سرپرست خانوار می‌شنویم. همچنین خبر از وام‌هایی که پرداخت می‌شود بدون توجه به اینکه وام و سرمایه، تازه قدم اول و شروع داستان اشتغال است و تا سرپا شدن شغل و این زنان راه زیادی است. کسی آماری از زنانی که سال قبل یا قبل‌تر به آنها وام پرداخته شده بود، نمی‌دهد و نمی‌پرسد اکنون کجا و مشغول چه کاری هستند. بازارچه‌های صنایع دستی و فصلی، تسهیلات خرد برای راه‌اندازی مشاغل خانگی، وام‌هایی با ضامن که مرهم زخم‌های دیگری جز اشتغال می‌شود، کمک‌هزینه‌های غیرنقدی که کارشناسی نشده‌اند می‌شوند و ایجاد نهادهای کارآفرینی که به صورت جزیره‌ای فعالیت می‌کنند، راه‌هایی است که تاکنون برای حل مشکلات زنان سرپرست در پیش گرفته‌ایم و به نظر می‌رسد نتوانسته شرایط موجود را برای آنها تغییر دهد. در روش کنونی فقط می‌دانیم باید حمایت کرد، اما به نوع، میزان و نحوه حمایت، آشنایی نداریم.

### توانمندسازی، راه‌حلی تضمینی

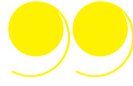
مسیری که این زنان برای حمایت به آن نیاز دارند، ترکیبی از توانمندسازی و تسهیلات مالی است. توانمندسازی یعنی حل ریشه‌های مشکل. اگر دست یافتن به کار به دلیل سطح پایین تحصیلات یا فقدان مهارت لازم است، پس جواب در ایجاد امکانات تحصیل از راه دور یا مهارت‌آموزی وفق شرایط زندگی آنها است. البته آنها برای استفاده از مهارت‌ها و تبدیل آن به کار عملی، نیاز به تسهیلات مالی نیز دارند. اگر فرهنگ جامعه نابرابری‌هایی در بحث اشتغال زنان در دل خود دارد، پس برای این زنان احتیاج به تبعیض‌های مثبت داریم. تبعیض مثبت یعنی دادن امتیاز ویژه به افراد نیازمند در راستای حمایت و جبران موارد تبعیض آمیز. مثلاً فرض کنید ایجاد فرصت شغلی بیشتر مختص این نوع زنان یا درآمد بالاتر در قبال کار یکسان آنها در کنار دیگران. خلاصه اینکه توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، آنها را به سمت استقلال و حفظ عزت نفس خود و خانواده‌شان هدایت خواهد کرد. این در حالی است که اکنون برخی از این زنان بیکار و خانواده‌هایشان وابسته به مستمری نهادهای حمایتی هستند و مشکلات‌شان هر روز بازتولید می‌شود. گذشته از آن برخی از چالش‌هایی که این زنان با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند نیازمند تمهیدات دیگری است. مثلاً بستری برای ارائه تسهیلات و امکانات لازم در راستای نگهداری و مراقبت از کودکان آنها، می‌تواند چالش‌های اشتغال را برای آنان کمتر کند. از یاد نبریم زنان سرپرست خانوار به دلیل باری که بر دوش می‌کشند زیر فشار روانی و جسمی هستند؛ بنابراین حمایت‌هایی فرهنگی و اجتماعی مانند خدمات روانشناختی و مشاوره نیز می‌تواند شرایط آنها را برای کار و ادامه زندگی تسهیل کند.

### فاطمه امی خبرنگار حوزه زن و خانواده

همین الان که در حال خواندن این گزارش هستید، طبق آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ۴ میلیون زن، سرپرست خانوار هستند یعنی هم نقش مادر خانواده را به دوش می‌کشند و هم پدر و به همین دلیل نان آور خانه محسوب می‌شوند. اولین مسأله‌ای که می‌تواند چالش جدی برای گذران زندگی این نوع زنان و خانواده‌شان ایجاد کند، اشتغال است. در این شرایط، مشکلات پیش‌روی این زنان برای کار و درآمدزایی بیشتر دیده می‌شود. به طور کلی نرخ اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان در ایران نسبت به مردان پایین‌تر است؛ علت آن ریشه در اولویت‌های فرهنگی جامعه ما و برخی نابرابری‌های شغلی دارد که این موضوع محل بحث ما نیست اما نکته مهم این است که در بین آمار اشتغال زنان، زنان سرپرست خانوار نیز قرار دارند که به دلیل شرایط زندگی‌شان اقبال کمتری هم برای اشتغال دارند. به نظر می‌رسد ۲۴ ساعت شبانه‌روز برای زندگی زنان سرپرست خانوار فرصت اندکی است زیرا آنها باید میان کار و زندگی شخصی توازن برقرار کنند؛ در حالی که مسئولیت‌های خانوادگی مانند تربیت و نگهداری کودک در کنار کارهای خانه به خودی خود می‌تواند تمام وقت زنان را بگیرد. در بهترین حالت اگر بتوانند شغلی پیدا کنند، داشتن شغل تمام‌وقت با درآمد مناسب، آنها را در دوراهی کار و خانواده قرار می‌دهد. مشکلات به همین جا ختم نمی‌شود، بلکه چالش اصلی به یک قدم عقب‌تر یعنی پیدا کردن شغل برمی‌گردد. معمولاً زنان سرپرست خانوار به دلیل شرایطی مانند سن بالا، کمبود تحصیلات و تجربه کاری محدود، فرصت‌های شغلی کمتری دارند و به همین دلیل به مشاغل کاذب، غیررسمی و مقطعی با دستمزد پایین مشغول هستند. از طرفی آسیب‌پذیری اجتماعی و فرهنگی این نوع زنان، شرایط را برای در معرض تبعیض قرار گرفتن آنها مهیا می‌کند.

### مسیرهای حمایتی ناکارآمد

حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند ربطی به جنسیت سرپرست آن خانواده ندارد اما در شرایطی که نگاه و انتظارات فرهنگی جامعه چیز دیگری از او می‌خواهد و در عین حال راه رسیدن زنان سرپرست به شغل مناسب بسیار پریچ و خم است، فقر در کمین خانواده او خواهد بود و به همین دلیل حمایت‌های اقتصادی بیشتری از دولت انتظار می‌رود. تقریباً هرچند وقت یک‌بار از نهادهای مربوطه مانند کمیته امداد امام خمینی(ره)، معاونت زنان ریاست جمهوری، سازمان بهزیستی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی آماری از اشتغال‌زایی و کارآفرینی برای افرادی



# لطفاً صدای زنگ خطر را بشنوید!

نقدی بر محتوای ارائه شده در حوزه زن و خانواده در رسانه‌های داخلی

### محدث تک فلاح پژوهشگر حوزه خانواده

اطلاع‌رسانی‌های درست مواجهه نباشند، توقع ساختن جامعه فردا را از که باید داشته باشیم؟ استفاده از واژه تکراری «حقوق زنان» را بهانه می‌کنم تا بگویم این حق بواقع در رسانه‌های ما ادا نشده است. تغذیه رسانه زنان در جامعه امروز از صفحه‌های شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها بیشتر از باقی آن است. تجربه زیسته و مطالعه و پژوهش من می‌گوید دست به دست شدن مطالب و محتوای فمینیستی هم بیشتر از محتوای جامعه و سبک زندگی اسلامی است. یک خبرنگار فارسی زبان از آن سوی کره زمین با زنان ایرانی حرفی می‌زند و آنان را به بازپس‌گیری حقوق خود از جمهوری اسلامی می‌شوراند و با همکاری چند شبکه فارسی‌زبان موجب‌بگیر ضد جمهوری اسلامی، براحتی آن را به دست مردم ایران می‌رساند. حال آنکه زنان و نوجوانان ایرانی هم که از رسانه به جای حقوق و مطالبات واقعی خود، تغذیه‌های همین رسانه‌ها را به مغزشان داده‌اند و از سمت رسانه‌های داخلی فقط حرف از آشپزی و مراقبت‌های پوستی و... دریافت کرده‌اند از همه جا بی‌خبر، تصور می‌کنند حقوق زنان همانی است که بی‌بی‌سی و سعودی اینترنشنال و... می‌گویند. در یک پژوهش ساده، تولید محتوای مختلف را بررسی کردم. ساده‌اش این است که محتوای ارائه شده یا با کلمات و عبارات تخصصی و سنگین برای قشر نخبگان است مثل برنامه‌های شیوه و جهان‌آرا و... یا همان آشپزی و پزشکی زنان و مراقبت‌ها و... که هر دو لازم است اما کافی نیست.

خلاً تولید محتوای عوام‌فهم در تمام رسانه‌های جمعی و خصوصی چنان دیده می‌شود که حتی ساده‌ترین و بی‌تکنیک‌ترین محتوای طیف مقابل مورد اقبال بخشی از مخاطبان قرار می‌گیرد و رنگ و لعاب تولیدات و استفاده از دیپ فیک و... جذابیت آن را بالا می‌برد. اینترنشنال یک فیلم مربوط به سه سال پیش شهر الف را با نام فیلم کشتار دیروز شهر جیم به خورد مخاطب می‌دهد و کمتر کسی است که در نگاه اول به سراغ راستی‌آزمایی فیلم برود و این یعنی زنگ خطر بالاخص برای رسانه ملی! محتوای مورد نیاز بانوان ما به هرگونه اطلاع‌رسانی درست و مطمئن، هم در جنس اخبار و هم در دسته تولیدات جنگ روانه و هم در تولیدات آموزش‌ها و تحلیل‌های اختصاصی در موضوع «زنان و خانواده» به حدی ضعیف و کم است که (مثلاً) با یک تولید تصویری ساده در همین مضمون، هزاران فیلتر امنیتی و اطلاعاتی و سیاسی باید از سرش بیگذرد و اگر از پس این هفت‌خان برآمد، تازه می‌توانیم تقدیم مخاطب کنیم. آن هم محتوایی که احتمالاً بعد از گذر از ممیزی‌های مختلف تبدیل به یک اسب بی‌بال و دم و اشکم شده است. برنامه‌هایی که در صداوسیما با مضمون خانواده ساخته شده است، چقدر به ارتقای آگاهی بانوان غیرمتخصص و غیرمطلع از حقوق خود پرداخته است؟ چقدر در محتوای لازم روی فرم ارائه مطلب کار کرده است؟ فرمی که محتوای کاربردی را به شکلی جذاب کنند و سریع و کوتاه ارائه دهند؟ چه کتاب خوبی بود: «لطفاً صدای زنگ خطر را بشنوید!»

شبکه‌های مختلف را بالا و پایین می‌کنم شاید از این همه محتوای ارائه شده در آن بتوانم پاسخ سؤالم را بگیرم. کنداکتورها هم راضی‌ام نمی‌کنند. به ورق زدن کتاب در دستم ادامه می‌دهم. صدای همسایه‌ها از سمت راهرو می‌آید. از برنامه‌های دیروز آشپزی صحبت می‌کنند که چه رولت خوبی آموزش داده و دیشب برای شام همان را روی میز گذاشته و اهل خانواده استقبال کرده‌اند. یاد صحبت تلفنی با دخترخاله‌ام افتادم که در مورد کرم‌های ضدآفتاب و آپرسانی صحبت می‌کرد که از پزشک جدیدی که مراجعه کرده دریافت کرده است.

فردا باید برای جلسه مادران به مدرسه دخترم بروم و باز هم معرکه مادران غیرشاغل و شاغلی است که باعث می‌شود مشخص کردن تاریخ یک اردوی خانوادگی هر بار به تعویق افتد. چرا ما در یک جمع ۶۰ نفره هم نمی‌توانیم کار گروهی را تمرین کنیم؟

چقدر چیزها در ذهنم می‌پرورانم! من به‌عنوان یک انسان نیاز به برخی اطلاعات و آموزش‌ها را در خودم حس می‌کنم که شاید اگر ادواج نمی‌کردم، اگر مادر نشده بودم، اگر شاغل نبودم، اگر دانشجو نمی‌شدم، اگر و اگر و اگرهای دیگر... هیچ‌وقت به ذهنم نمی‌رسید که باید سراغ چنین آموزش‌هایی بروم. برخی از آموزش‌ها و اطلاعات اضافی است. برخی دیگر حتی تزیینی! اما تعدادی از آنها حیاتی است. باید در زمان مناسب خودش اطلاع‌رسانی و آموزش داده شود.

مدرسه، خانواده و محیط‌های انتخابی توسط خانواده منابعی هستند که امروزه و قبل از این هم انتقال اطلاعات را بر عهده داشته‌اند، اما چند وقتی است که این کار را محیط جدیدی بدون نظارت و تأیید خانواده در اختیار اهالی آن قرار می‌دهد. اتفاقاً هم با ورود نامحسوس این تازه‌وارد، خانواده، این سلول بنیادین اجتماع تحت تأثیر ارائه‌های جذاب قرار گرفته است. رسانه یکی از مهم‌ترین بسترهای رساندن اطلاعات و آموزش به دست افراد است؛ رسانه‌ای که از حالت عمومی به شخصی رسیده و از صفحه بزرگ سینما به یک صفحه نمایش کوچک در جیب شخصی هر فرد تبدیل شده است. تولید محتوا برای هر موضوعی کار سختی نیست. کافی است از یک رویداد عکس بگیریم و در صفحه شخصی مان در یکی از شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذاریم که از قضا حاشیه‌دوستانی هم که دنبال استفاده از هر ابزاری برای بالا بردن دنبال‌کننده‌هایشان هستند، آن را به بغما ببرند. اما حرفم را با «دیپ فیک» رسانه به انحراف نبرم. صحبت از آموزش و اطلاع‌رسانی بود و پاسخ به نیاز بانوان آن هم در درست‌ترین زمان خودش. مدت زمانی است که سرم از رسانه‌ها درد می‌کند. برایم سؤال شده که در این دریای بی‌کران تولید محتوا و اطلاعات درست و غلطی درهم، اگر به منبع درست اطلاعات دسترسی نداشته باشم، چگونه سره را از ناسره تشخیص دهم؟ اگر زنان ما با آموزش‌ها و



معمولاً زنان سرپرست خانوار به دلیل شرایطی مانند سن بالا، کمبود تحصیلات و تجربه کاری محدود، فرصت‌های شغلی کمتری دارند و به همین دلیل به مشاغل کاذب، غیررسمی و مقطعی با دستمزد پایین مشغول هستند. از طرفی آسیب‌پذیری اجتماعی و فرهنگی این نوع زنان، شرایط را برای در معرض تبعیض قرار گرفتن آنها مهیا می‌کند.



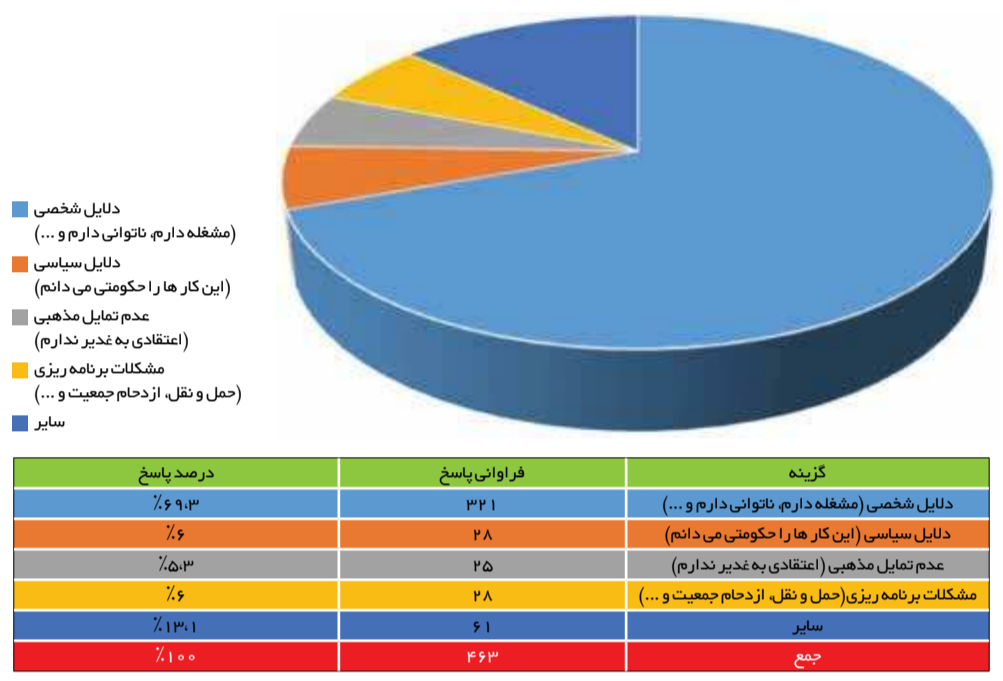
برخی از آموزش‌ها و اطلاعات اضافی است. برخی دیگر حتی تزیینی! اما تعدادی از آنها حیاتی است. باید در زمان مناسب خودش اطلاع‌رسانی و آموزش داده شود. مدرسه، خانواده و محیط‌های انتخابی منابعی هستند که امروزه و قبل از این هم انتقال اطلاعات را بر عهده داشته‌اند، اما چند وقتی است که این کار را محیط جدیدی بدون نظارت و تأیید خانواده در اختیار اهالی آن قرار می‌دهد.



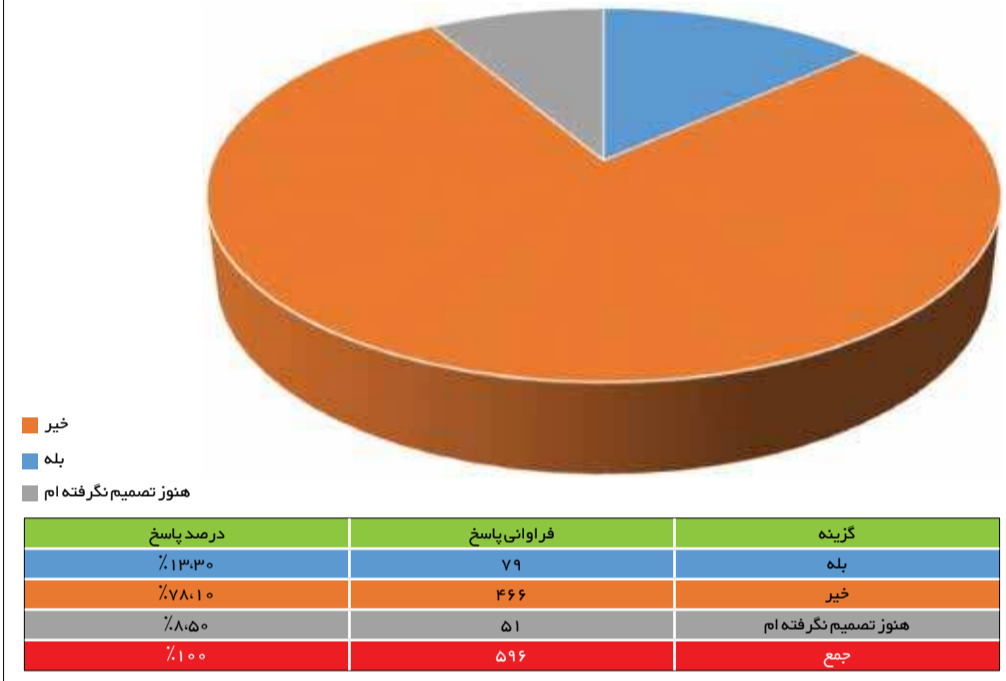
# فرهنگ

## حضور میلیونی در مهمانی ۱۰ کیلومتری به روایت آمار و ارقام

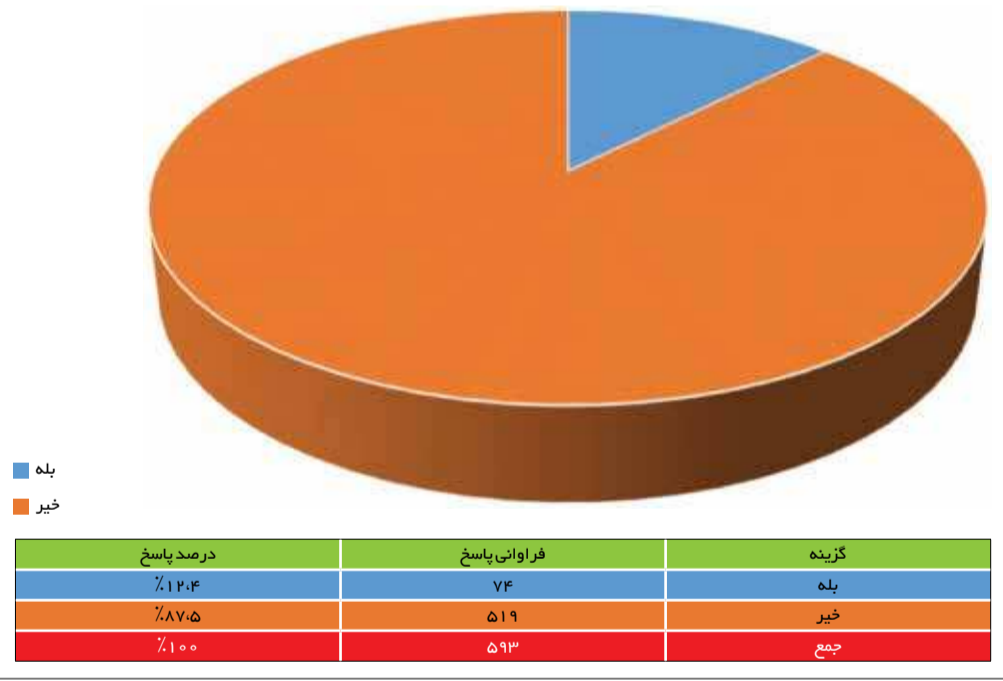
دلیل اصلی شما برای شرکت نکردن چیست؟



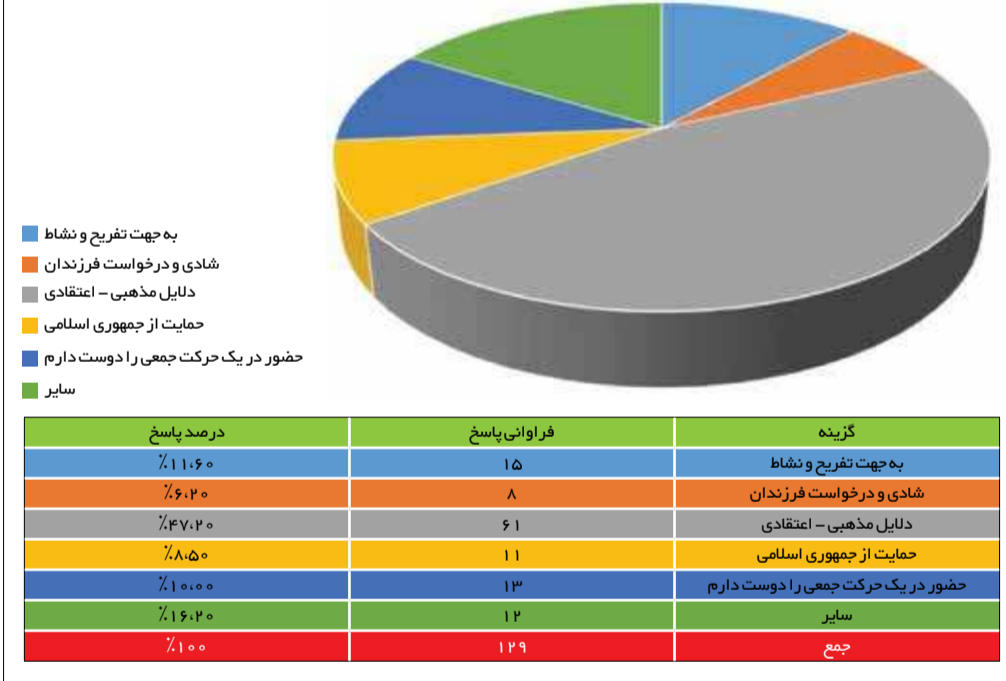
آیا در جشن مهمونی ۱۰ کیلومتری غدیر شرکت می کنید؟



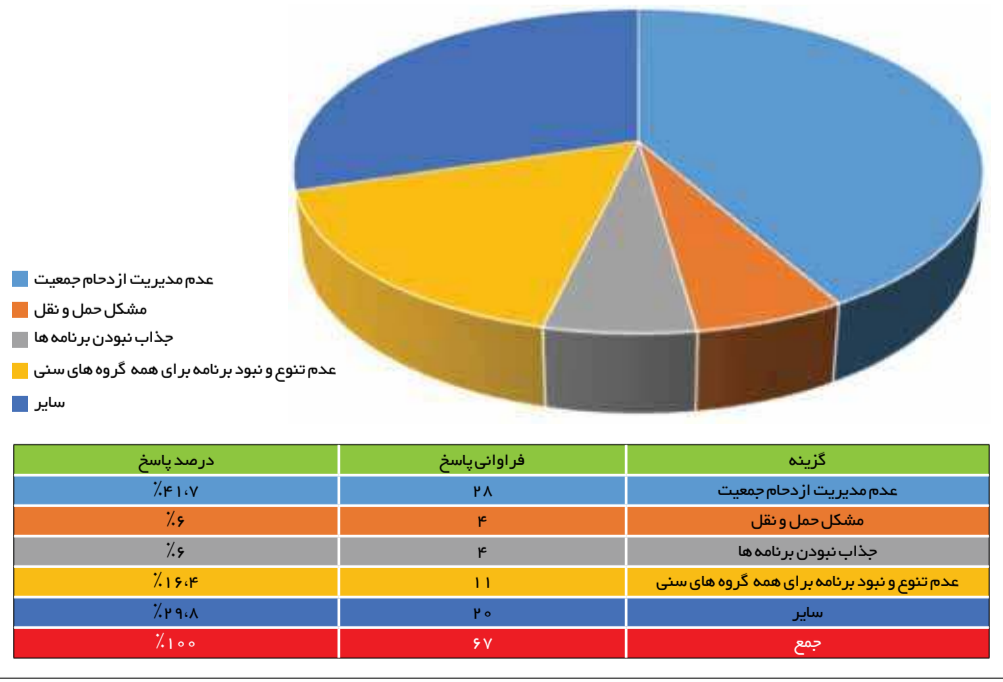
آیا سال گذشته در این برنامه شرکت داشتید؟



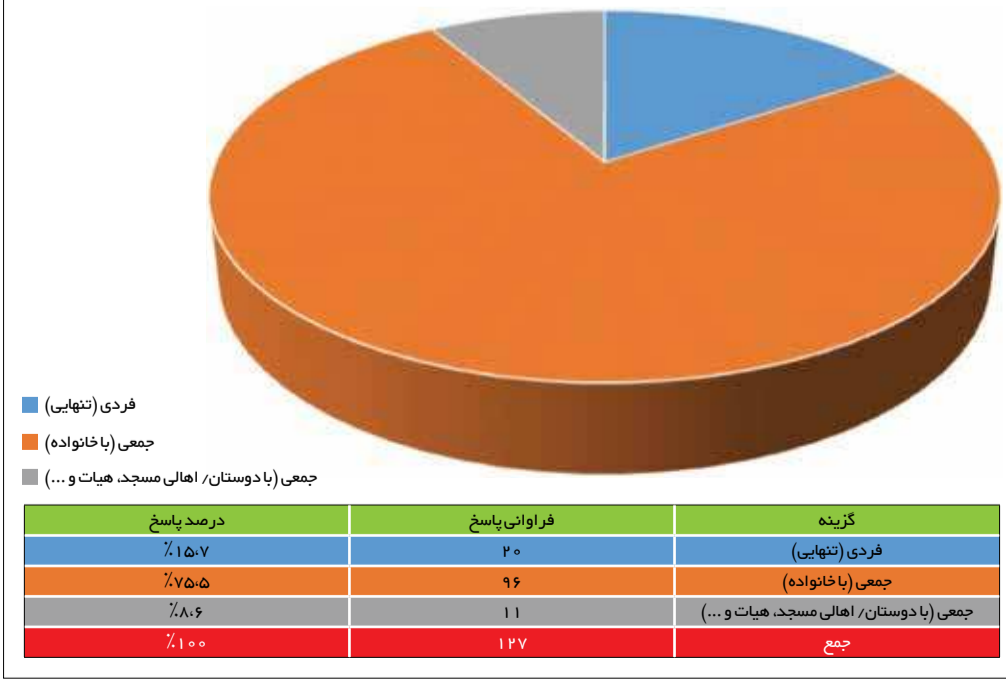
دلیل اصلی شما برای شرکت در این جشن چیست؟



مهم ترین ایرادی که به برگزاری مراسم سال قبل دارید چیست؟



چگونه شرکت می کنید؟





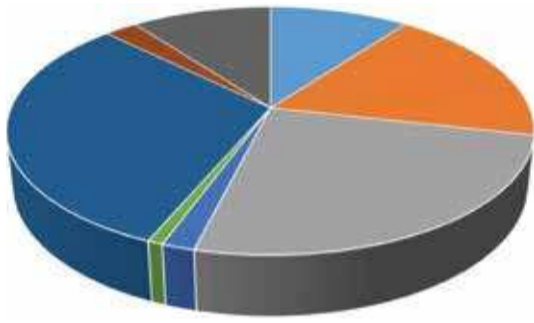
همکاری پاسخگو	
همکاری	۶۰۰
عدم همکاری	۱۶۱

با وجود اینکه رسانه های خارجی همیشه در تلاش اند تا این طور القا کنند که مردم از دین و دینداری خسته و دلزده شده اند اما حضور میلیونی عاشقان ولایت در مهمانی ۱۰ کیلومتری روز عید غدیر نشان داد رسانه های بیگانه مثل همیشه راه به بیراهه برده و خیال خامی در سر پرورنده اند. در ادامه بررسی این حضور را به روایت آمار از پیش نظر می گذرانید.



### شغل

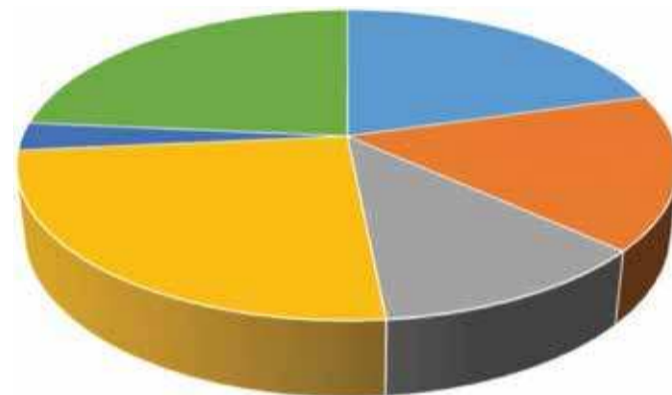
- شاغل دولتی
- شاغل غیر دولتی
- آزاد
- سرباز
- دانشجو
- دانش آموز
- خانه دار
- بیکار
- بازنشسته



گزینه	فراوانی پاسخ	درصد پاسخ
شاغل دولتی	۵۷	۱۰.۱٪
شاغل غیر دولتی	۱۰۴	۱۸.۳٪
آزاد	۱۴۴	۲۵.۳٪
سرباز	۰	۰.۰٪
دانشجو	۱۰	۱.۷٪
دانش آموز	۵	۰.۸٪
خانه دار	۱۷۶	۳۰.۹٪
بیکار	۱۴	۲.۴٪
بازنشسته	۵۸	۱۰.۲٪
جمع	۵۶۸	۱۰۰٪

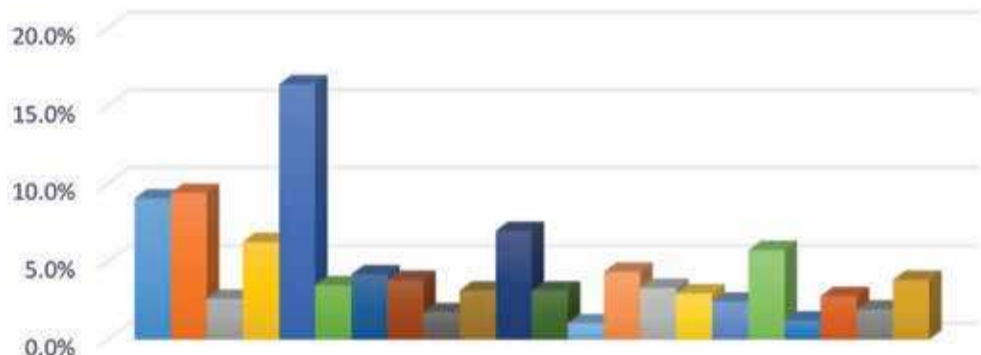
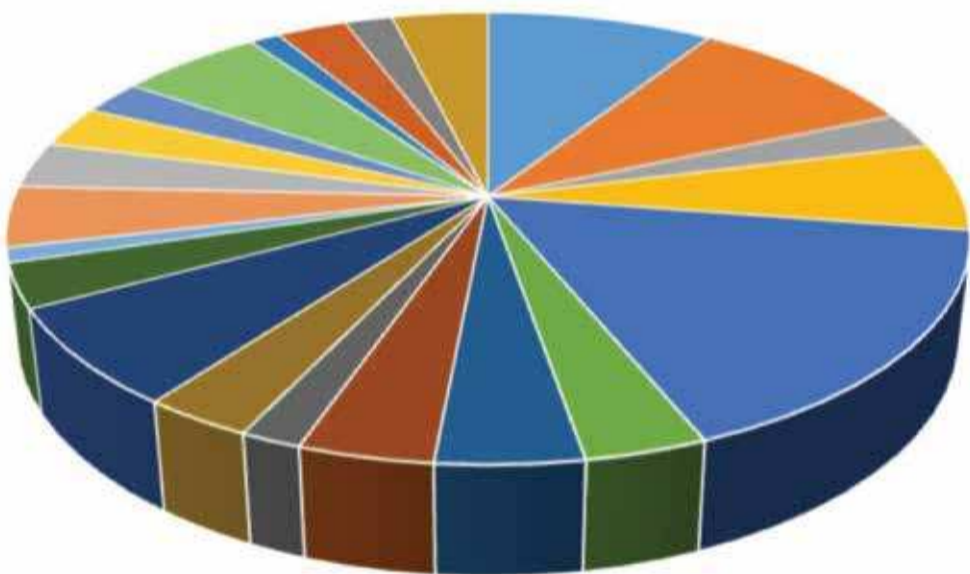
### بهترین بخش برنامه های سال قبل

- جمع شدن شهروندان (محبین اهل بیت) کنار هم
- سرود و مداحی
- پذیرایی
- غرفه های کودکان
- سخنرانیان
- سایر



گزینه	فراوانی پاسخ	درصد پاسخ
جمع شدن شهروندان (محبین اهل بیت) کنار هم	۱۴	۲۱٪
سرود و مداحی	۱۱	۱۶.۱٪
پذیرایی	۸	۱۱.۷٪
غرفه های کودکان	۱۷	۲۵٪
سخنرانیان	۲	۲.۹٪
سایر	۱۶	۲۳.۵٪
جمع	۶۸	۱۰۰٪

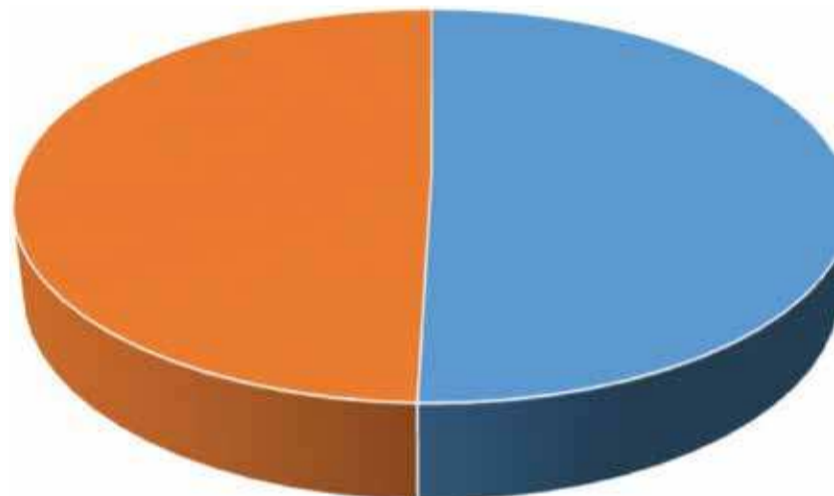
### منطقه محل سکونت



گزینه	فراوانی پاسخ	درصد پاسخ
منطقه ۱	۵۲	۹.۱٪
منطقه ۲	۵۴	۹.۴٪
منطقه ۳	۱۵	۲.۶٪
منطقه ۴	۳۶	۶.۳٪
منطقه ۵	۹۴	۱۶.۴٪
منطقه ۶	۲۰	۳.۵٪
منطقه ۷	۲۴	۴.۲٪
منطقه ۸	۲۲	۳.۸٪
منطقه ۹	۱۰	۱.۷٪
منطقه ۱۰	۱۸	۳.۱٪
منطقه ۱۱	۴۰	۷.۰٪
جمع	۵۷۳	۱۰۰٪

### جنس

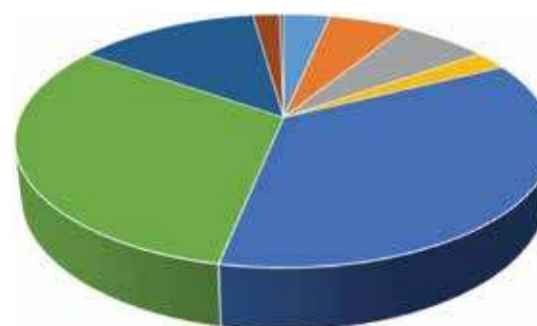
- مرد
- زن



گزینه	فراوانی پاسخ	درصد پاسخ
مرد	۲۹۹	۵۰.۴٪
زن	۲۹۴	۴۹.۵٪
جمع	۵۹۳	۱۰۰٪

### تحصیلات

- بی سواد
- ابتدایی
- راهنمایی
- دبیرستان
- دیپلم
- کارشناسی
- کارشناسی ارشد
- دکتری
- حوزوی



گزینه	فراوانی پاسخ	درصد پاسخ
بی سواد	۱۹	۳.۳٪
ابتدایی	۳۱	۵.۵٪
راهنمایی	۳۶	۶.۴٪
دبیرستان	۱۴	۲.۴٪
دیپلم	۱۹۹	۳۵.۴٪
کارشناسی	۱۷۶	۳۱.۳٪
کارشناسی ارشد	۷۴	۱۳.۱٪
دکتری	۱۱	۱.۹٪
حوزوی	۲	۰.۳٪
جمع	۵۶۲	۱۰۰٪



نگاهی به تئاتر میدانی جهان بانو

# «جهان بانو» روایت زنانی است به وسعت تاریخ!

زهره صفایی زاده  
روزنامه‌نگار



نمایش، هنری مردمی است که مخاطب را بر خلاف سینما که از خود دور کرده و در یک جعبه تاریک حبس می‌کند تا مفاهیمش را به مغز مخاطب دیکته کند، او را شریک اجرا می‌کند و اصطلاحاً نزدیک ضربانی زنده نگه می‌دارد. اصولاً نمایش هیچ فاصله‌ای میان مخاطب و بازیگر نمی‌گذارد و این بی‌مرزی، مخاطب را علاوه بر محتوا، در شکل اجرا هم سهیم می‌کند. نمایش‌های محیطی یا میدانی، شکل گسترده و عظیم و پر پرودا کشتن نمایش‌های خیابانی هستند که سابقه اجرای آنها در ایران به چند سال قبل می‌رسد. اولین خاصیت نمایش‌های میدانی، مردمی بودن آنها است. تعداد بازیگران زیاد و استفاده از اسب، شتر، ماشین، هلی کوپتر، آمبولانس و... صدای طبل، توپ، تانک، انفجار و... در ابعاد واقعی در صحنه نمایش بر جذابیت این فضا می‌افزاید. نمایش میدانی برگرفته از همان نمایش خیابانی، اما در ابعاد بسیار بزرگ‌تر با نوع اجرای جذاب‌تر است. شکل متفاوت و تازه این هنر، استقبال مردم را صدچندان می‌کند. نمایش میدانی «جهان بانو» یکی از نمایش‌های موفق محیطی در حال اجرا است که تا ۲۶ تیرماه در ضلع شمالی بوستان ولایت هر شب ساعت ۱۹:۳۰-۱۹:۴۰ به روایت آنچه در بلیت آمده و ساعت ۲۱ به گزارش مخاطبین حاضر-روی صحنه می‌رود. (اگر دیر به نمایش رسیدید نگران نباشید!) نمایش زیبای جهان بانو، جهانی با مرکزیت و محوریت تعریف بانو و زن در تاریخ اسلام و ایران را نمایش می‌دهد. فصل‌ها و روایت‌های پیاپی و پیوسته که مفهوم زن بودن، زن آسمانی، زن در باورهای دینی، زن عالمه، زن مسلمان، زن مبارز، زن اندیشمند و حتی زن معمولی را بیان می‌کند و همه این تعاریف را در جهانی از تصاویر زیبا نمایش می‌دهد.

ماجرا از هبوط آدم و حوا آغاز می‌شود

داستان از هبوط آدم و حوا آغاز می‌شود و به امروز می‌رسد. روایت بانوان مکرر در قرآن؛ حوا، مریم، آسیه تا بانوان مخدره و مکرمه‌ای چون خدیجه کبری، آمنه، فاطمه بنت اسد مادر علی (ع) امیرمؤمنان، حضرت معصومه و بانوی دو عالم، دُر عالم امکان حضرت فاطمه سلام‌الله و بانوان هشت سال جنگ تحمیلی و شهدای پرستار مبارزه با ویروس کرونا. بانو در «جهان بانو» تعریفی غرورآفرین از زن و موقعیت‌های سخت و صعب، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌دهد. در این نمایش، بانوانی که در طول تاریخ به‌رغم سادیس شیاطین پنهان و آشکار از مسیر الی‌الله منحرف نشدند و به قیمت مال و اموال و فرزند و جان در این مسیر ماندند. این نمایش که ترکیبی از نمایش و همایش و هیأت مذهبی و

است و ضمن قدردانی و تشکر از دست‌اندرکاران این نمایش، شیعی و انقلابی بودن را شاخصه اینگونه نمایش‌ها می‌داند. مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به درون‌مایه نمایش جهان بانو که درباره نقش زنان در دوره‌های مختلف تاریخی است، بیان می‌کند: بانوان همواره مسئولیتی عظیم برعهده داشته‌اند و نقش مستقیم آنها در تربیت نسل‌ها هیچ‌گاه کم‌رنگ نمی‌شود، بلکه جدی‌تر هم خواهد شد. زنان عنصر فعال جامعه ما هستند و نقش آنها در حرکت به سمت تمدن عظیم اسلامی مهم‌تر از قبل شده است.

روایتی از دیروز تا امروز

جهان بانو با به تصویر کشیدن جهان پیرامون بانوان آسمانی نقطه اتصال بین آنها و بانوان معاصر امروز برقرار کرده است و مرکز نقل را بر ایمان، باور و اتکا بر خداوند و اهل بیت می‌داند. در جهان بانو،

اسما علی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حجت‌الاسلام عبدالحسین خسروپناه دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، سیدمحمد هاشمی جانشین وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، میثم نیلی مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، علی بهادری جهرمی دبیر و سخنگوی هیأت دولت، جلال رشیدی کوچی نماینده مجلس شورای اسلامی، فاطمه قاسمیور نماینده مجلس شورای اسلامی، وحید جلیلی قائم‌مقام رئیس سازمان صدا و سیما، علیرضا فیروزفر شهردار زنجان، اسماعیل خلج بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون، محمد انصاری بازیکن سابق فوتبال، روح‌الله رستمی قهرمان وزنه‌برداری جهان، محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات دولت یازدهم، سیده زهرا عبداللهی مجری تلویزیون، سوگل طهماسبی بازیگر سینما و تلویزیون

و...  
جهان بانو، الهام گرفته از اجراهای بهزاد بهزادپور

کارگردان اثر، حسن برزرا در مورد منابع و اسنادی که متن نمایش را از آنها استخراج کرده است با تأکید بر منابع معتبر کتاب و اسناد مهم تاریخی عنوان می‌کند که از حضور کارشناسان خبره و اهل فن برای ارتقای سطح کیفی و محتوایی نمایش استفاده شده است. او در چگونگی رسیدن به طرح اجرایی با اشاره به سابقه اجراهای میدانی در ایران و بهزاد بهزادپور که در کارنامه خود نمایش «شب آفتابی» را دارد، خود را از دستیاران ایشان و ادامه‌دهنده این نوع اجرا می‌داند. نمایش‌های میدانی در سال گذشته با چند نمایش ویژه «روشنایی شب تار»، «تنهاتر از مسیح» و «جان فدا» که همگی محصول سازمان اوج و مجری طرح آن نیز مؤسسه ققنوس بوده است، سابقه چشمگیری در اجرا داشته‌اند. دکورهای رئال و عظیم به همت مرتضی پورحیدری طراح صحنه موفق این نمایش، تجربه‌ای موفق در اینگونه آثار است. عوامل پشت صحنه در هماهنگی یکپارچه با هم با سرعت عجیب و غریبی صحنه‌ها و دکورها را تغییر می‌دهند که این خودش یک اتفاق خاص و ویژه برای این نمایش است که آن را از اسلاف و نمونه‌های دیگر مجزا می‌کند.



هیچ هنری نمی‌تواند اینچنین مخاطب را با هر موقعیت اجتماعی و فرهنگی که دارد، پای این نمایش به مدت دو ساعت نگه دارد. ضرر باهنگ صحنه نمی‌افتد، حادثه‌ای با حادثه دیگر و روایتی با روایتی نوتر می‌آمیزد. مدل اجرای صحنه این اثر بسیار زیبا و جذاب است. مخاطبان در یک سوله بزرگ در وسط قرار گرفته‌اند و دیوارهای اطراف آنها پرده‌های عظیم و بزرگی است که به نوبت و بر اساس موقعیت روایت بالا و پایین می‌رود. اینچنین است که مخاطب گاهی به سمت مقابل و گاهی به چپ و راست سر می‌چرخاند و اجرایی زیبا در صحنه و نور و صدا و رنگ و موسیقی و داستان می‌بیند و لذت می‌برد. در روزهای گذشته برخی چهره‌های سیاسی، فرهنگی و ورزشی نیز میهمان نمایش میدانی جهان بانو بوده‌اند از جمله محمد مهدی

هیچ هنری نمی‌تواند اینچنین مخاطب را با هر موقعیت اجتماعی و فرهنگی که دارد، پای این نمایش به مدت دو ساعت نگه دارد. ضرر باهنگ صحنه نمی‌افتد، حادثه‌ای با حادثه دیگر و روایتی با روایتی نوتر می‌آمیزد. مدل اجرای صحنه این اثر بسیار زیبا و جذاب است. مخاطبان در یک سوله بزرگ در وسط قرار گرفته‌اند و دیوارهای اطراف آنها پرده‌های عظیم و بزرگی است که به نوبت و بر اساس موقعیت روایت بالا و پایین می‌رود. اینچنین است که مخاطب گاهی به سمت مقابل و گاهی به چپ و راست سر می‌چرخاند و اجرایی زیبا در صحنه و نور و صدا و رنگ و موسیقی و داستان می‌بیند و لذت می‌برد. در روزهای گذشته برخی چهره‌های سیاسی، فرهنگی و ورزشی نیز میهمان نمایش میدانی جهان بانو بوده‌اند از جمله محمد مهدی

بانوان آسمانی و زمینی در باور موقعیت و جایگاه عظیم اجتماعی و تأثیرگذار خود به هم گره خورده‌اند و این ریسمان را محکم‌تر می‌کنند. جلال رشیدی کوچی، نماینده مجلس شورای اسلامی پس از تماشای این نمایش آن را اتفاقی مهم و منحصر به فرد عنوان کرده است که مفاهیم ارزشمندی را منتقل می‌کند. او در پاسخ به این سؤال که جهان بانو تا چه اندازه توانسته است حق مطلب را درباره بانوان تاریخ‌ساز ادا کند، گفت: به نظر من «جهان بانو» خیلی مؤثر و تأثیرگذار است و بخش‌هایی از احساسات مخاطب را برمی‌انگیزاند؛ اشاره به شخصیت‌های مهمی مثل حضرت فاطمه (س) دارد و تأکید بر اینکه زنان معاصر هم به پیروی از الگوهای مطرح، می‌توانند صاحب جایگاهی والا شوند که یکی از بخش‌های خوب این اثر هنری است.

تجزیه است، توجه انجمن‌ها و تشکل‌های مرتبط صنفی و هنری را جلب کرده، اما از آنجایی که تئاتر محیطی بزرگ و پرخرج است، هنرمندان عرصه تئاتر را به طور مستقل درگیر اجرا نمی‌کند و مستلزم یاری گرفتن از نهادهای دولتی و حمایت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های فرهنگی-هنری است. فصل اول جهان بانو به تهیه‌کنندگی علی اسماعیلی و کارگردانی حسن برزرا از آبان‌ماه سال گذشته در بوستان ولایت اجرا شده است و تاکنون ادامه دارد. به گفته میثم نیلی، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نمایش میدانی «جهان بانو» اثری جذاب و قابل‌تأمل است و ساختار آن نشان می‌دهد این گونه هنری در کشور ما پیشرفت خوبی داشته است. وی در ادامه به سنجیت نمایش‌های میدانی و هنر نمایش ایرانی اشاره کرده



جهان بانو، جهانی با مرکزیت و محوریت تعریف بانو و زن در تاریخ اسلام و ایران را نمایش می‌دهد. فصل‌ها و روایت‌های پیاپی و پیوسته که مفهوم زن بودن، زن آسمانی، زن در باورهای دینی، زن عالمه، زن مسلمان، زن مبارز، زن اندیشمند و حتی زن معمولی را بیان می‌کند و همه این تعاریف را در جهانی از تصاویر زیبا نمایش می‌دهد.